نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ویژه نامهٔ ۸۰ سالگی تأسیس حزب تودهٔ ایران

۱۰ مهر ۱۳۲۰ - ۱۰ مهر ۱۴۰۰

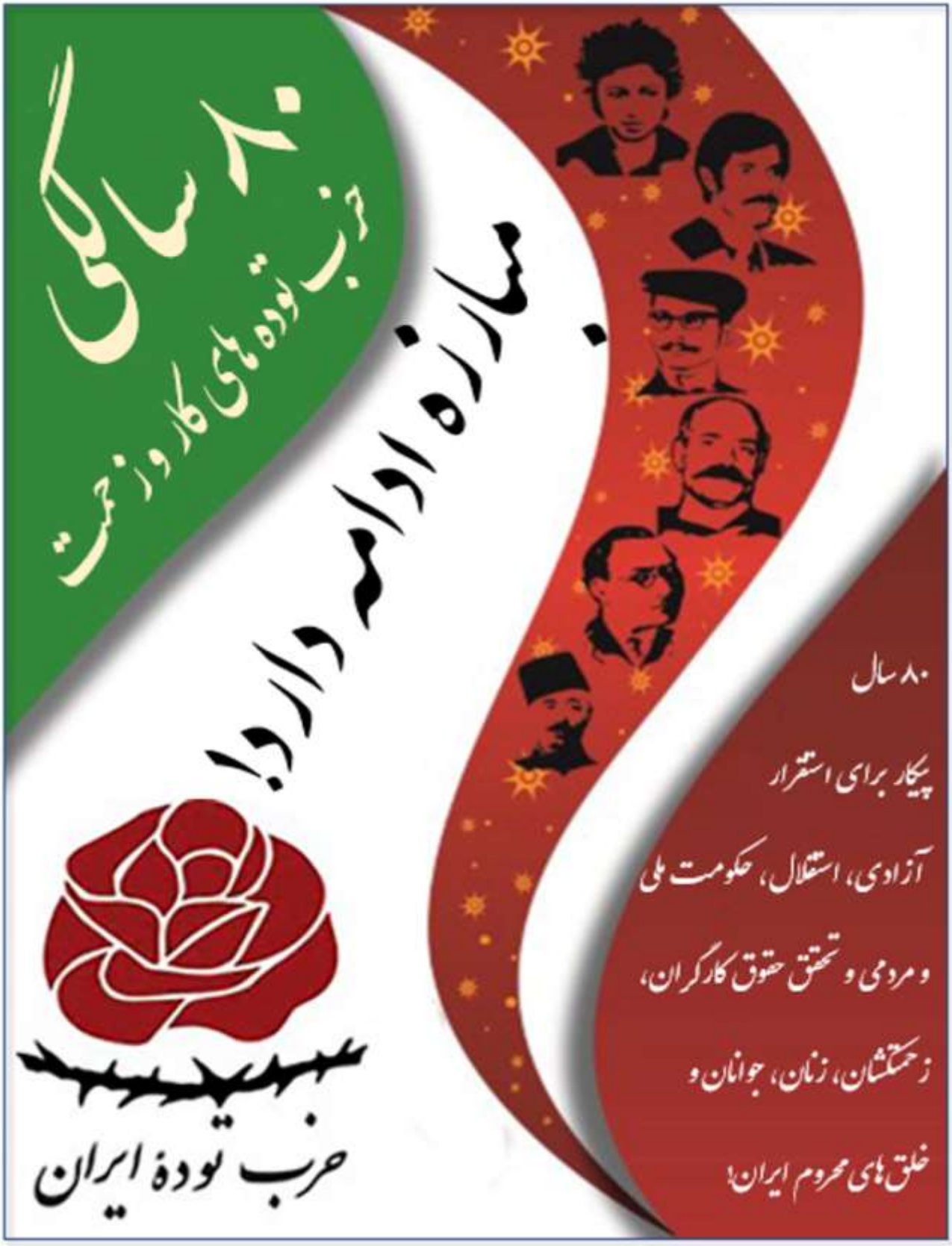

ویژه نامه ۸۰ سالگی حزب توده ها

تامین و تضمینِ آزادی های دموکراتیک اجتماعی و فردی کلیهٔ شهروندان ایران را به خواست ملی تبدیل کنیم!

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۱۱۳۹، ۵ مهر ۱۴۰۰

دورهٔ هشتم، سال سی و هشت

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتادسالگی حزب!

فرخنده باد هشتاد سال پیکار خستگی‌ناپذیر حزب توده‌ها برای استقرار آزادی، استقلال، حکومت ملی و مردمی و تحقق حقوق کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و خلق‌های محروم ایران!

هم‌میهنان گرامی!

با فرارسیدن دهم مهر ۱۴۰۰، هشتاد سال از بنیان‌گذاری حزب تودهٔ ایران، حزب مدافع منافع طبقهٔ کارگر و زحمتکشان کشورمان می‌گذرد. هشتاد سال پرفرازونشیب از حیات حزبی سپری می‌شود که برگ‌برگ تاریخ معاصر میهن ما با تلاش و مبارزهٔ آن گره خورده است و در این راه هزاران انسان مبارز و فرهیخته جان‌باخته‌اند تا حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما به‌گونه‌ای تاریخی دگرگون شود. حزب تودهٔ ایران در یکی از مهم‌ترین مقطع‌های زمانی تاریخ معاصر کشورمان و در حالی که استقلال و حفظ حاکمیت ملی‌مان دستخوش دخالت‌های خارجی بود تولد یافت و از همان نخستین سال حیاتش به‌اعتراف دوست و دشمن تأثیری شگرف بر شکل‌گیری جامعهٔ مدرن ایران داشت.

هشتاد سال پیش در پی سقوط حکومت دیکتاتوری رضاخان و آزادی یاران دکتر تقی ارانی از زندان، حزب تودهٔ ایران در مهر ۱۳۲۰ به‌همت شماری از زندانیان سیاسی،

ادامه در صفحات ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹

سرود خوانان دلیر صبح امید: به یاد افسران جان‌باخته توده ای اسطوره‌های پایداری و انسانیت ! ص ۱۰

اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی دربارهٔ نشست کمیتهٔ مرکزی حزب ص ۱۱

شماری از پیام های پرشور تبریک و همبستگی حزب های کارگری و کمونیستی جهان به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ص ۱۳

حزب تودهٔ ایران حملهٔ نظامی سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران به پایگاه‌های حزب‌ها و سازمان‌های کُرد ایرانی مخالف حکومت ایران در کردستان عراق را به‌شدّت محکوم می‌کند ص ۱۸

با هشتاد سال تجربه، نگاه حزب تودهٔ ایران رو به‌جلو و برای دگرگونی‌های بنیادی است!

هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب تودهٔ ایران برای بازنگری عملکرد حزب در ارتباط با دیگر نیروهای سیاسی کشورمان و ضرورت همکاری با یکدیگر در پرتو تغییرها و رخدادهای ایران و جهان فرصتی مناسب است. نگاه حزب تودهٔ ایران رو به‌جلو و درس‌آموزی مؤثر از گذشته است، و تلاشش زدودن جوّ و ذهنیّت بدبینی و تشکل‌گریزیِ مخربی است که امکان همکاری نیروهای مترقی در مبارزه با دیکتاتوری ولایی را تا کنون با چالش‌هایی بسیار روبرو کرده است. تأکید حزب ما بر همکاری‌های مؤثر بین نیروهای مترقی بر اساس تحلیلی دقیق از شرایط مشخص کنونی و ارائهٔ نقشهٔ راه برای تدارک نیرو در راستای گذار از حاکمیت مطلق ولایت فقیه و ارائه دادن برنامه‌ای جامع به‌منظور حل مسئله‌های کلیدی کشورمان در دوره پسادیکتاتوری کنونی است.

اما متأسفانه شواهد متعددی نشان می‌دهند که بخش زیادی از نیروهای

ادامه در صفحه ۱۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ...

ازجمله احسان طبری، عبدالصمد کامبخش، رضا روستا، اکبر شاندرمنی، اردشیر آوانسیان، محمدرضا قُدوه، رضا رادمنش، ایرج اسکندری، بزرگ علوی، و دیگر مبارزان راه آزادی و منادیان رهایی میهن از بندهای استثمار، استبداد، و واپس‌ماندگی، با زعامت سلیمان محسن اسکندری، از رجال بنام و آزادی‌خواه صدر مشروطیت، بنیاد گذارده شد. اگرچه دربارهٔ تاریخ حزب ما بسیار نگاشته‌اند و اظهارنظر شده است، ولی حمله‌های مرتب و مداوم ارتجاع داخلی، از رژیم شاه گرفته تا حکومت جمهوری اسلامی و همچنین دستگاه نیرومند تبلیغاتی امپریالیسم و علاوه بر این‌ها محدود بودن سال‌های فعالیت علنی حزب اجازه نداده است تا با اتکا به اسناد تاریخی و به‌دور از تبلیغات رایج دستگاه‌های امنیتی دو رژیم ضد مردمی و کینه‌ورزی دشمنان و غرض‌ورزی مخالفان تاریخ هشت دهه رزم خونین حزب توده‌ها آن‌طور که شایسته بوده است نگاشته شود. حیات هشتادساله حزب تودهٔ ایران را می‌توان به چهار دوران پرتلاطم و تاریخی مهم تقسیم کرد:

۱. دوران بالندگی و برپایی یک حزب بزرگ مردمی- از دهم مهر ۱۳۲۰ تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،

۲. دوران دشوار مهاجرت اول، از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷،

۳. دوران بازگشت از مهاجرت و ازسرگیری فعالیت علنی و نیمه علنی از بهمن ۵۷ تا بهمن ۱۳۶۱،

۴. از یورش گستردهٔ حکومت جمهوری اسلامی در بهمن ۱۳۶۱ تا امروز.

۱. دوران بالندگی و برپایی یک حزب بزرگ مردمی- از دهم مهر ۱۳۲۰ تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

حزب تودهٔ ایران در شرایطی پا به عرصه حیات نهاد که جهان شاهد رشد خطرناک و مخرب فاشیسم آلمان در اروپا و آسیا بود. حزب تودهٔ ایران نخستین سازمان سیاسی کشورمان بود که پرچم مبارزه با فاشیسم را به‌اهتزاز درآورد. پایه‌گذاری جمعیت هواداران صلح و انتشار نخستین نشریهٔ ضد فاشیستی، که به "مردم ضد فاشیست" معروف گردید، کار ارزنده‌ای را در روشن کردن افکار عمومی و خنثی کردن تبلیغات مسموم فاشیستی در ایران انجام داد.

آوردن اندیشه‌های نو در جامعه‌ای اسیر سنت‌های کهنه و بلند کردن پرچم دفاع از حقوق زحمتکشان محرومان و همچنین طرح برنامه‌هایی نو در زمینه دفاع از حقوق دهقانان، زنان، جوانان و خلق‌های زیر ستم تحولی بی‌سابقه در جامعه پدید آورد. نخستین برنامهٔ حزب تودهٔ ایران که در مرداد ۱۳۲۳ به‌تصویب اولین کنگرهٔ حزب رسید، سندی درخشان بود که ماهیت انقلابی حزب و آرمان‌های والای آن را بازتاب می‌داد. این نخستین سند مبارزاتی حزبی سیاسی در آن دوره از تاریخ میهن ما بود و پیام‌آور عزم رهایی از بندهای استثمار، استعمار، استبداد، و نویدبخش ساختن ایرانی آزاد و آباد بود که در آن مهم‌ترین وظیفه‌های حزب در چارچوب‌های زیر اعلام شده بود:

- مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیهٔ حقوق فردی و اجتماعی از قبیل: آزادی زبان، قلم، عقیده و اجتماعات؛
- مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری و استبداد؛
- سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورای ملّی بر اصول زیر: تقلیل مدّت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی... [ایجاد] بیمهٔ اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمین؛
- واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل‌کشت دولتی به دهقانان بی‌ملک؛
- اصلاحات اساسی در مورد تقسیم غیرعادلانهٔ محصول بین ارباب و رعیت؛
- تجدیدنظر در قانون استخدام کشور به‌نحوی‌که مخصوصاً شرایط معاش و زندگی کارمندان جزء تأمین گردد؛
- کوشش در توسعهٔ حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی و بَلَدی [شهری]؛
- بهبودی اوضاع مادّی و تأمین استقلال اقتصادی زنان؛
- تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیهٔ افراد ملّت قطع‌نظر از مذهب و نژاد.

حزب تودهٔ ایران با پیش نهادن طرح‌هایی مترقی در دفاع از حقوق زحمتکشان، ازجمله خواست تصویب "قانون کار" و قانون "بیمه‌های اجتماعی" برای تأمین کار و زندگی و حقوق زحمتکشان و تلاش در راه رسمیت یافتن تشکیل و فعالیت سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و دهقانی کوشش‌هایی خستگی‌ناپذیر کرد. ایجاد "شورای متحدهٔ مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران" با بیش از سیصدهزار عضو و در مقام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان سندیکایی خاورمیانه و سازمان‌دهی "اتحادیهٔ دهقانان ایران" در مهرماه ۱۳۲۳ و تمرکز آن در "سازمان مرکزی اتحادیه‌های دهقانی ایران"، و همچنین ارائهٔ یک برنامهٔ اصلاح ارضی‌ای مترقی، پایگاه اجتماعی‌ای پردامنه را برای حزب پدید آورد.

حزب تودهٔ ایران همچنین نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مسئله برابری حقوق زن و مرد را در دستورکار جامعه عقب‌مانده و نیمه فئودالی آن روز ایران قرار داد در راه دست‌یابی زنان به حقوق اجتماعی‌شان ازجمله حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن به‌طور پیگیر رزمید. به‌ابتکار و کمک توده‌ای‌ها تشکل‌های مستقل "تشکیلات زنان ایران" و بعداً "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" برای پیشبرد امر مبارزه در راه دست‌یابی زنان به حقوق‌شان تأسیس شد و در این عرصه به زنان و جامعه خدماتی ارزنده کردند.

حزب تودهٔ ایران پیگیرانه در راه دفاع از حقوق خلق‌های ایران و دست‌یابی آن‌ها به خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل، آزاد و دموکراتیک پیکار کرد و بسیاری از اعضا و هواداران حزب ما در این راه دوش‌به‌دوش گردان‌های ملی در کردستان و آذربایجان جان‌شان را فدا کردند.

حزب تودهٔ ایران با طرح اندیشه‌ها و برنامه‌های نو و انتشار نشریه‌ها و مجله‌هایی مترقی و گوناگون که در آن دوران در تاریخ کشورمان بی‌نظیر بودند نسل جوان کشور را با اندیشه‌های مترقی، انقلابی، و تاریخ‌ساز مارکسیسم‌لنینیسم آشنا کرد و در تغییر و تعمیق گفتمان جامعه ایران نقشی مهم و سازنده داشت چندان که توانست به حزبی پرتوان و محبوب با پایگاه اجتماعی‌ای گسترده خصوصاً در میان نسل جوان کشور که تشنهٔ دسترسی به اندیشه‌های نو و پیشرو بودند تبدیل شود. زنده‌یاد مهندس عزت‌الله سحابی در گفتگویی با اسماعیل آزادی (در سال ۱۳۸۴) در روزنامهٔ اقبال، دربارهٔ تأثیر فرهنگی و سیاسی حزب تودهٔ ایران می‌گوید: "همان‌طور که می‌دانید بخش عمدهٔ ادبیات جدید به‌وسیلهٔ نویسندگان حزب توده [ایران] به ایران آمد... مثل احسان طبری که آن زمان واقعاً قلم او بیداد می‌کرد. ایشان کتابی به نام 'شکنجه و امید' نوشته بااینکه مخالف حزب توده [ایران] بودم امّا خواندن این کتاب من را به آسمان‌ها می‌برد. درواقع حزب توده [ایران] یک‌دفعه مقدار زیادی فرهنگ وارد جامعهٔ ایران کرد."

به‌گمان ما و به‌گواهی تاریخ هشتادسالهٔ مبارزهٔ جنبش مردمی و آزادی‌خواهی در میهن ما، هیچ نیروی آزادی‌خواهی را در ایران نمی‌توان یافت که برنامهٔ سیاسی‌اش مستقیم یا غیرمستقیم از اندیشه‌های مترقی و انسان‌دوستانهٔ حزب تودهٔ ایران تأثیر نگرفته باشد.

دوران رشد و بالندگی حزب تودهٔ ایران در سال‌های دهه ۱۳۲۰ با رشد نهضت ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری زنده‌یاد دکتر محمد مصدق و شدت یافتن توطئه‌های ارتجاع داخلی و امپریالیسم برای جلوگیری از رشد نهضت آزادی‌خواهی و ضد استعماری در ایران و منطقه همراه بود و بر آن‌ها تأثیر می‌گذاشت و از آن‌ها متأثر می‌شد. نخستین موضع‌گیری‌های حزب جوان ما

ادامه در صفحه ۵

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ...

در مقابل دولت دکتر مصدق آغشته به چپ‌روی و اشتباه‌هایی تاکتیکی در شناخت توان دولت ملی دکتر مصدق بود که در آن شرایط حساس تاریخی به روند نزدیکی نیروهای جبههٔ ملی ایران و حزب تودهٔ ایران لطمه زد. با شدت گرفتن حمله‌های دولت بریتانیا بر ضد دولت دکتر مصدق و گسترش توطئه‌های ارتجاع، حزب تودهٔ ایران نیز به‌درستی در سیاست‌هایش تجدیدنظر کرد. تلاش‌های گوناگون حزب در این دوران پرتلاطم برای همکاری نیروهای مترقی و آزادی‌خواه با یکدیگر از دیگر ابتکارهای سیاسی حزب تودهٔ ایران بود که با اقبال بخشی از نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور نیز روبه‌رو شد که در این زمینه می‌توان به ابتکارهای زیر اشاره کرد:

- ایجاد "جبههٔ آزادی" متشکل از نیروهای مترقی و همچنین روزنامه‌ها و مدیران نشریات کشور، در تابستان سال ۱۳۲۳؛
- ایجاد جبههٔ "مطبوعات ضد دیکتاتوری" در اردیبهشت ۱۳۲۷؛
- ایجاد "جمعیت ملّی مبارزه با استعمار" در دی ۱۳۲۹.

جنبش ضد استعماری سال‌های دههٔ ۱۳۲۰ و مبارزه برای ملّی کردن صنعت نفت جزو مهم‌ترین مرحله‌های مبارزات مردم ایران بر ضد امپریالیسم و ارتجاع داخلی بودند. حزب تودهٔ ایران نخستین حزب سیاسی کشور بود که مسئلهٔ مبارزه با امپریالیسم و اهمیت این مبارزه را در جامعه پیش کشید و با روشنگری‌های سیاسی و اجتماعی توجه مردم را به‌سوی این مبارزه جلب کرد. اسناد تاریخی نشان می‌دهند عامل پیروزی اعتصاب فراگیر و بی‌سابقهٔ کارگران و زحمتکشان در فروردین سال ۱۳۳۰ در مخالفت با تصمیم شرکت نفت به کاهش شدید هزینهٔ مسکن که از سوی تشکیلات حزب سازمان یافته و هدایت شده بود به عقب‌نشینی دولت حسین علا منجر شد و درنتیجهٔ آن دکتر مصدّق با استفاده از فرصت پیش آمده طرح تاریخی‌اش را برای ملّی کردن همه‌جانبهٔ صنعت نفت ایران از طریق کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی مطرح کرد. قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نیز نقطهٔ عطفی تاریخی و ماندگار در حمایت‌های حزب تودهٔ ایران از دکتر مصدّق بود.

اوج‌گیری نهضت ملی شدن نفت در ایران نه‌فقط منافع استعمار و امپریالیسم در ایران بلکه در کل منطقهٔ خاورمیانه را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو می‌کرد. آغاز "جنگ سرد" امپریالیستی از سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۵) در پی ارائه دکترین ترومن به کنگرهٔ آمریکا و تصویب آن، ایران را به یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپولیتیک (جغرافیایی‌سیاسی) جهان برای سیاست‌های نواستعماری سرمایه‌داری جهانی تبدیل کرده بود و رشد فزایندهٔ حزب تودهٔ ایران در مقام حزبی کمونیستی مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان میهن‌مان برای امپریالیسم و نقشه‌هایش باهدف کنترل نفت و منابع طبیعی منطقه خطری بزرگ بود. بر این اساس بود که کودتای ننگین دولت‌های آمریکا و بریتانیا برای شکست دادن جنبش ملّی شدن نفت و درهم کوبیدن حزب تودهٔ ایران سازمان‌دهی شد. سند منتشر شدهٔ سازمان سیا به‌تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۳ (۱۹ شهریور ۱۳۳۲) مهم‌ترین وظیفهٔ دولت کودتایی زاهدی را درهم کوبیدن حزب تودهٔ ایران اعلام می‌کند. سند دیگر سازمان سیا از کیم روزولت به‌تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۵۳ (۱۰ مهر ۱۳۳۲) به دولت آمریکا گزارش می‌دهد که "شاه خواهان محاکمهٔ فوری مصدّق و محکومیت او به مرگ است و نگران است که توده‌ای‌ها و هواداران مصدق کارزار گسترده‌ای را برای نجات جان مصدق آغاز کنند." این گزارش اضافه می‌کند: "شاه به‌شدت نگران حملهٔ حزب توده در سی روز آینده است..." پس از کودتا، شمار کثیری از شریف‌ترین افسران و مبارزان توده‌ای همچون روزبه‌ها، سیامک‌ها، مبشری‌ها، کیوان‌ها، و وارطان‌ها که تنها جرم‌شان عشق به میهن و دفاع از حقوق زحمتکشان و محرومان بود، دستگیر، شکنجه، و اعدام شدند. کودتای ۲۸ مرداد لکهٔ ننگی بزرگ بر دامن امپریالیسم آمریکا و بریتانیا و نوکران داخلی‌شان از قبیل محمدرضا پهلوی، زاهدی، نصیری، و بختیار بود، نوکرانی که راه آغاز شدهٔ پیشرفت دموکراتیک و ملی میهن ما در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق را سد کردند، حکومت قانون و جامعهٔ مدنی پویا را تحمل نکردند، و با استقرار حکومتی دیکتاتوری منافع ملی ایران را قربانی منافع استعمارگران کردند.

۲. دوران دشوار مهاجرت اول، از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ضربه‌ای هولناک به پیکر جنبش ملی و مردمی ایران

وارد کرد. دستگیری شمار زیادی از اعضا و هواداران حزب و درهم پاشیده شدن سازمان‌های حزبی در ایران و مهاجرت ناخواسته رهبران و کادرهای حزب به کشورهای سوسیالیستی در روند رشد و بالندگی حزب در درون کشور تأثیری منفی داشت. به‌استناد کتاب "اسناد و دیدگاه‌های حزب تودهٔ ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷"، پلنوم چهارم (وسیع) کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران پس از فاصلهٔ زمانی حدود ۹ سال از نشست قبلی کمیتهٔ مرکزی، در ۵ تا ۲۶ تیر ۱۳۳۶ در خارج از کشور تشکیل شد و مهم‌ترین وظیفه‌اش تحلیل اشتباه‌ها و نقص‌های رهبری حزب و "کوشش برای خروج حزب از بحران و نگرشی انتقادی به رویدادها و مسائلی بود که حزب را به‌سوی بحران سوق داده بود."

یکی از پیامد های این جلسهٔ تاریخی آغاز به کار رادیو پیک ایران در آذر ۱۳۳۶ بود. رادیو پیک ایران در شرایط حاکم بودن جو ترو و اختناق رژیم پلیسی شاه، توانست با پخش برنامه به سه زبان فارسی، آذربایجانی و کردی نقش موثری در طرح برنامه ها و نظرات حزب تودهٔ ایران و بردن اندیشه های مترقی به درون جامعه استبداد زدهٔ پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایفاء کند و اینکار را به همت گروهی از بهترین کادرهای حزبی تا آذر ۱۳۵۵ ادامه داد.

دوران مهاجرت اول همچنین مصادف بود با گسست بزرگ در جنبش کارگری و کمونیستی جهان که خود به گسست در درون حزب ما نیز منجر شد و بر روند دشوار بازسازی حزب مُهر و نشانش را گذاشت. سال‌های دهه ۱۳۴۰ دوران آغاز "رفرم‌های" رژیم کودتا و "اصلاحات ارضی"اش، تظاهرات گستردهٔ خرداد ۴۲، و در اواخر سال‌های همین دهه نیز جنبش چریکی در ایران پدیدار شد. حزب تودهٔ ایران با افشای ماهیت ارتجاعی "انقلاب سفید" رژیم کودتا و "رفرم ارضی" شاه در مجلهٔ "دنیا"، ارگان تئوریک‌سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، تابستان ۱۳۴۱، در مطلبی با عنوان: "تثبیت ارتجاعی یا تحوّل انقلابی"، نوشت: "باید گفت که محتوای این مواعید و دعاوی اصلاحاتی به‌هیچ‌وجه آن نیست که در ساخت و نظام اجتماعی کنونی کشور ما تحولات بنیادی رخ دهد و قدرت حاکمه از چنگ نیروهای مطیع استعمار به دست نیروهای مخالف استعمار منتقل گردد، و فئودالیسم در میهن ما را ریشه‌کن کند، و اقتصادی مترقی و متحرک بنیاد گذارده شود... برعکس، هدف حفظ وضع موجود، یعنی حفظ رژیم دست‌نشاندهٔ استعمار، حفظ امتیازات طبقاتی ملاکان و سرمایه‌داران دلال، حفظ تسلّط دربار پهلوی، و ادامهٔ سیاست داخلی و خارجی ضد ملی است."

سال‌های دهه ۱۳۴۰ همچنین با تلاش‌های حزب برای بازسازی سازمان‌هایش در کشور هم‌زمان بود. اعزام رفیق جان‌باخته پرویز حکمت‌جو و رفیق علی خاوری به ایران در سال ۱۳۴۳ در زمرهٔ این تلاش‌ها بود. متأسفانه به‌علت برخی اشتباه‌های سازمانی، این اقدام به دستگیری این رفقا، ناپدید شدن دو رفیق دیگر- رفقا رزمی و معصوم‌زاده- و جان باختن رفیق حکمت‌جو در زندان زیر شکنجه‌های دژخیمان حکومت پهلوی منتهی شد.

امّا باوجود این ضربه‌های سنگین تشکیلاتی، دفاع و مقاومت دلیرانهٔ رفقا خاوری، حکمت‌جو، صابر محمدزاده، آصف رزم‌دیده، و رفقای دیگر از حزب و حقانیت تاریخی آن در بیدادگاه‌ها و شکنجه‌گاه‌های شاه، به این تلاش‌ها برای بازسازی حزب و مبارزهٔ نیروهای هوادار حزب در درون کشور جان تازه‌ای داد. انتشار نشریهٔ "به‌سوی حزب" به‌وسیلهٔ رفیق قهرمان هوشنگ تیزابی که مدّتی بعد در شکنجه‌گاه رژیم جان باخت جزو تلاش‌های حزب برای بازسازی سازمان‌هایش در ایران بود. اواخر سال‌های دهه ۱۳۴۰ و آغاز دههٔ ۱۳۵۰

ادامه در صفحه ۶

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ...

با رشد جنبش‌های اعتراضی مردم بر ضد رژیم شاه، آغاز فعالیت سازمان زیرزمینی "نوید" (دی ۱۳۵۴) به‌مسئولیت رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان)، و رشد جنبش چریکی هم‌زمان شدند که با آرمان‌هایی مردم‌گرایانه‌ای شورانگیز برای رهایی ایران از چنگال حکومت استبدادی کودتایی پا به‌عرصهٔ مبارزه گذاشته بودند. به اعتقاد حزب ما، مشی چریکی بر پایهٔ نسخه‌برداری از جنبش‌هایی مشابه در کشورهایی دیگر که شرایط اجتماعی‌سیاسی‌ای متفاوت داشتند شکل گرفت و از درکی نادرست از مرحلهٔ رشد و شرایط اجتماعی‌اقتصادی و توان و سطح سازمان‌یافتگی نیروهای اجتماعی میهن ما ناشی شده بود. جنبش چریکی به‌دنبال یورش‌های جنایت‌کارانهٔ پلیس امنیتی رژیم شاه (ساواک) ضربه‌هایی سنگین و جان باختن جوانانی پرشور را متحمل شد که نام و یادشان در تاریخ مبارزاتی ایران برای همیشه ثبت است.

۳. دوران بازگشت از مهاجرت و بازگیری فعالیت علنی و نیمه علنی از بهمن ۵۷ تا بهمن ۱۳۶۱

با رشد جنبش انقلابی در ایران که توده‌ای‌ها در آن نقش معنوی‌ای مهم داشتند، رژیم شاه سرنگون شد. در مورد نقش و تأثیر نیروهای سیاسی مختلف در شکل‌گیری تحول‌های سیاسی‌اجتماعی منجر به انقلاب بهمن ۵۷ اظهارنظرهایی بسیار شده است. بی‌شک نقش خمینی و نیروهای طرفدار او را در سازمان‌دهی اعتراض‌های خیابانی نباید و نمی‌توان نادیده گرفت، ولی رژیم شاه فقط به‌علت اعتراض‌های خیابانی نبود که سرانجام سقوط کرد. کشتار وحشیانه مردم معترض در میدان ژاله در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و در پی آن برقراری حکومت‌نظامی، جنبش مردمی را با چالشی جدی روبه‌رو کرد. نشریهٔ توده‌ای "نوید" در روز ۱۸ شهریور ۵۷ با این ارزیابی که به‌علت برقراری حکومت‌نظامی در تهران و دیگر شهرهای ایران چون تظاهرات وسیع خیابانی‌ای که عمده شیوهٔ مبارزهٔ مردم بوده عملاً بسیار دشوار شده، شعار "اعتصاب عمومی" را مطرح کرد و نوشت: "تنها یک راه باقی است؛ مؤثرترین راه: با اعتصاب عمومی سراسری، کودتای نظامی شاه علیه مردم را در هم شکنیم. ..." تجربهٔ پیروزی انقلاب بهمن نشان داد که این شعار درست و به‌موقع توده‌ای‌ها و عملی شدن اعتصاب عمومی، و به‌ویژه اعتصاب کارگران نفت، سرانجام به سرنگونی حکومت سلطنتی و پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ منجر شد.

انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، انقلاب شکوهمند توده‌های جان به لب رسیده بر ضد حکومت کودتایی ضد مردمی و وابستهٔ شاه بود. برخلاف ادعاهای خمینی و دیگر سران رژیم در مورد "اسلامی" بودن انقلاب، انقلاب بهمن انقلابی ملّی و دموکراتیک با خواست‌های مشخص آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی بود. دلیل اساسی حاکم شدن نیروهای مذهبی به‌رهبری خمینی بر روند انقلابی کشور، سال‌های طولانی سرکوب خونین نیروهای چپ و ازجمله حزب تودهٔ ایران از سوی رژیم شاه بود.

با پیروزی انقلاب بهمن، بازگشت بسیاری از اعضای رهبری، کادرها، و مهاجران حزبی به کشور، و آزاد شدن رفقای دربند از زندان های ستم شاهی و روی آوردن شمار کثیری از رفقای توده ای که سالهای طولانی خود را از گزند نیروهای امنیتی رژیم حفظ کرده بودند، حزب تودهٔ ایران خیلی زود توانست به حزبی سراسری، نیرومند، و تأثیرگذار تبدیل شود. محورهای اساسی سیاست و مبارزهٔ حزب تودهٔ ایران پس از پیروزی انقلاب دفاع از دستاوردهای انقلاب، مبارزه با تهدیدهای امپریالیسم جهانی برای به‌شکست کشاندن انقلاب، تلاش در راه برپایی جبهه‌ای بزرگ از همهٔ نیروهای پشتیبان انقلاب، و مهم‌تر از همه، تعمیق پیروزی انقلاب و ارتقای آن از مرحلهٔ سیاسی‌اش به مرحلهٔ دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی‌اجتماعی بود. بسیاری از اندیشه‌های مترقی گنجانده شده در قانون اساسی برآمده از انقلاب به‌اعتراف سران رژیم ولایی نتیجهٔ نفوذ معنوی حزب ما و حاکم بودن جو انقلابی در کشور بود.

حزب تودهٔ ایران خیلی زود توانست با کار در میان محفل‌های کارگری، دهقانی دانشجویی، و زنان و روشنفکران ساختارهای فعال صنفی و سندیکایی را به‌حرکت درآورد و زمینه‌های برپایی جنبش اجتماعی سازمان یافته ای پیرامون خواست‌های اساسی انقلاب را فراهم آورد. رشد چشمگیر

بسیاری از نقاط تهران در تصرف مردم مسلح است

جنگ تانکها با مردم مسلح در خیابانها

نبرد تهران صدها کشته و هزاران مجروح داشت

کیهان

نیروهای ارتش از شهرهابسوی تهران درحرکت‌اند

افراد نیروی دریائی به‌کمک نیروی هوائی شتافتند

گروههای مسلح پشتیبانی خود را از امام اعلام کردند

اولین اعلامیه ارتش مردم صادر شد

مجاهدین خلق چریکهای فدائی خلق چریکهای فدائی مشعب افراد مسلح حزب توده در نبردهای مسلحانه نقش فعال دارند

فعالیت‌های توده‌ای‌ها نگرانی‌های عمیق و حساسیت‌های جدی ارتجاع داخلی و امپریالیسم را برانگیخت.

تمرکز سیاست‌های حزب بر اهمیت مبارزهٔ ضد امپریالیستی و کم توجهی به حقوق و آزادی های دموکراتیک درحالی که نشانه‌هایی بسیار نگران کننده از نقض این حقوق و آزادی‌ها از سوی حاکمیت برآمده از انقلاب به چشم می‌خورد، از جمله کاستی هایی است که در سیاست حزب در آن زمان به چشم می خورد. حمله به مطبوعات، تعرض شدید به حقوق فردی و اجتماعی زنان و سرکوب خشن خواست‌های ملی خلق‌ها، و در کنار اینها قبول اصل ولایت فقیه توسط حزب ما تا زمانی که خمینی در قید حیات است از سوی حزب که خود نشانه‌ای از اعتماد بیش از حد و نادرست رهبری حزب به خمینی و سیاست‌ها و دیدگاه‌های او بود که بر پایهٔ "اسلام سیاسی" استوار بود، در زمرهٔ کاستی‌هایی جدی در سیاست حزب تودهٔ ایران پس از انقلاب بود، کاستی‌هایی که در انتها نتایج منفی‌ای برای حزب و اعتبار تاریخی آن در جامعه به‌همراه داشت. باوجود این کاستی‌ها، ادعای "دنباله‌روی از رژیم آخوندی"، "حمایت بی‌چون‌وچرای حزب از ارتجاع"، و ادعاهایی از این دست، با سرشت و واقعیت‌های فعالیت حزب در دوران پس از پیروزی انقلاب همخوانی ندارند. حزب تودهٔ ایران در دشوارترین شرایط آن روز ایران- یعنی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ که روند سرکوب نیروهای دگراندیش با شتابی بسیار دنبال می‌شد- مخالفت جدی‌اش را با این سرکوب‌ها اعلام می‌کرد. با اینکه آزادی فعالیت‌های سیاسی محدودتر می‌شد و سرکوبگری و فشارهای حکومت اسلامی افزایش می‌یافت، حزب ما در کنار موضع‌گیری‌های کلیدی‌ای مانند خواست پایان دادن به جنگ ایران و عراق و دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان، در مخالفت بی‌پرده با سیاست‌های رژیم نیز همواره موضع‌گیری‌هایی مستقل و قاطع داشت. برای نمونه، پس از پیروزی ایران در جبهه‌های جنگ جنوب و آزادسازی خرمشهر که رهبری رژیم شعار نابخردانه و خانمان‌سوز "جنگ، جنگ، تا پیروزی" را سر می‌داد، حزب تودهٔ ایران با قاطعیت به مخالفت با این سیاست پرداخت و آن را برای میهن‌مان فاجعه‌بار دانست. موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوهٔ قضائیهٔ رژیم، در نماز جمعهٔ تهران از این موضع‌گیری حزب ما با عنوان "زهر ریختن" و "دشمنی" توده‌ای‌ها نام برد. در نمونهٔ دیگری می‌توان از مبارزات پرشور حزب در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و مقابله با قانون کار ارتجاعی احمد توکلی، وزیر وقت کار رژیم، نام برد.

رشد سریع حزب در سراسر کشور و تأثیرگذاری نظرات و برنامه‌های ارائه شده از سوی آن و تأکید بر خواست‌هایی همچون: اجرای اصلاحات ارضی (اجرای بند "ج" و "د")، تصویب قانون کار مترقی برای کارگران، ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، کنترل بازرگانی خارجی توسط دولت، پرهیز از انحصارگرایی و دادن حق فعالیت به نیروهای سیاسی، و حرکت به سمت سیاست‌های اقتصادی‌ای مردمی و تبلیغ آن‌ها نمی‌توانست خشم و هراس نیروهای ارتجاعی داخل و خارج کشور را برنه‌انگیزد. رشد چشمگیر حزب تودهٔ ایران در دوران چهارسالهٔ فعالیت علنی و نیمه علنی‌اش پس از انقلاب نشان داد که

ادامه در صفحه ۷

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ...

نفوذ اندیشه‌های دوران‌ساز حزب و ریشه‌های عمیق اجتماعی آن در میان کارگران و زحمتکشان و دیگر نیروهای اجتماعی کشور بسیار نیرومند است. ازاین‌روی، رژیم ولایت فقیه با همکاری دستگاه‌های جاسوسی غرب یورشی گسترده به حزب را برای نابودی و ریشه‌کن کردن کامل آن تدارک دیدند.

۴. از یورش گستردهٔ حکومت جمهوری اسلامی در بهمن ۱۳۶۱ تا امروز

بررسی حوادث سال‌های نخست انقلاب نشانگر این واقعیت است که نیروهای ارتجاعی از همان آغاز هدف‌شان حذف و سرکوب نیروهای چپ از صحنه سیاسی ایران بود. بر این اساس، یورش سراسری رژیم ولایت فقیه به‌دستورخمینی و دیگر سران رژیم و با همیاری دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی غرب، پاکستان، ترکیه، و اسرائیل به هدف نابودی حزب تودهٔ ایران در بهمن ۱۳۶۱ بخشی دیگر از برنامه‌های رژیم به‌منظور ریشه‌کن کردن اندیشه‌های چپ در میهن ما بود. دستگیری هزاران توده‌ای که ری‌شهری، دادستان وقت بیدادگاه انقلاب رژیم، شمار آنان را تا ده هزار نفر تخمین زد، در پی آن، شوهای تلویزیونی و اعلام "انحلال حزب تودهٔ ایران" از سوی کسانی که زیر شکنجه های مزدوران رژیم اسلامی شکسته شده بودند و دنبالهٔ آن صادر کردن فرمان "توده‌ای‌ها خودشان را به دستگاه های امنیتی معرفی کنند"، بر اعتبار رهبری و توان تشکیلاتی حزب توده ایران ضربه‌هایی سخت وارد آورد. ابعاد این ضربه‌ها و دشواری‌های سیاسی و تشکیلاتی برآمده از آن‌ها، نه‌فقط در تاریخ حزب ما، بلکه در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان کم‌نظیر است. هدف رژیم از برپایی شوهای تلویزیونی قربانیان شکنجه، ساختن و پرداختن سناریویی بود که در آن نابودی تشکیلات حزب، سیاه نمایی چهرهٔ آرمانی و مردمی حزب طبقهٔ کارگر، و امن نبودن ساختارهای حزب را به‌نمایش عوام‌الناس گذاشته و پذیرانده شود. خمینی در "پیام مهمی" که در روزنامه‌های آن روز ایران به‌چاپ رسید، حمله به حزب و دستگیری شماری از رهبران حزب را "پیروزی" دانست [از جمله در روزنامه "جمهوری اسلامی"، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۲، شماره ۱۱۳۸]. در همان روزها روزنامه‌های مجاز کشور پر بودند از شمار زیادی از تلگرام‌های تبریک و تایید به‌مناسبت حمله به حزب، و در تمامی نمازهای جمعه کشور، در مقطع زمانی اعلام "انحلال حزب تودهٔ ایران" یعنی ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲، به تشریح "خیانت‌های حزب" و تحلیل‌گری‌ها از خطرهای محتمل ناشی از این خطرها اختصاص داشت [ازجمله نگاه کنید به: سخنرانی مهدوی کنی، نماز جمعه تهران، جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۲؛ سخنرانی جنتی، نماز جمعه قم، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۲، که مدعی شد: "دستگیری و اعترافات صریح سران حزب توده فتح‌المبین بود که نصیب ملت ما شد". به نقل از روزنامه "جمهوری اسلامی"، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، شماره ۱۱۳۹].

رژیم ولایی با برپایی شوهای تلویزیونی و همچنین دادگاه‌هایی فرمایشی افسران قهرمان حزب، رفقا افضلی، کبیری، عطاریان، آذرفر و یاران‌شان، و اعدام این مبارزان راستین راه آزادی و بهروزی مردم میهن‌مان، خیال می‌کرد ریشه‌های تاریخی حزب تودهٔ ایران را برای همیشه در میهن ما خشکانده است. تلاش برای فلج کردن باقی‌مانده حزب تودهٔ ایران و کشاندن آن به سمت چندپارگی و درعین‌حال متزلزل کردن پایه‌های اعتقادی‌اش و بی‌اعتبار ساختن تاریخ مبارزه‌هایش در مقام قدیمی‌ترین سازمان سیاسی و انقلابی میهن ما بخشی دیگر از هدف‌های استراتژیک رژیم بود. ازسرگیری فعالیت حزب توده ایران پس از وقفه‌ای کوتاه چنان که موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه کشور، با اذعان به وجود ریشه‌های عمیق حزب ما در جامعه ایران، به آن اعتراف کرد، و سپس برگزاری "پلنوم ۱۸" کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در آذر ۱۳۶۲، انتخاب کمیته مرکزی و هیئت سیاسی جدید حزب، و اعلام خط‌مشی نوین حزب برای مبارزه با ارتجاع و استبداد حاکم، همگی نشانگر شکست برنامه‌های رژیم استبدادی برای ریشه‌کن کردن حزب ما بود. مهاجرت هزاران توده‌ای به‌قصد خارج شدن از زیر ضربه دستگاه های امنیتی رژیم که دسته‌هایی را به‌منظور "شکار توده‌ای"ها در گوشه و کنار کشور به‌راه انداخته بودند، و همچنین تلاش رژیم برای استفاده از پدیدهٔ مهاجرت (با اعزام مأموران

امنیتی به خارج و یا با استفاده از تسلیم شدگان به دستگاه‌های امنیتی رژیم) برای رخنه کردن در صف‌های حزب و ضربه زدن به کار دشوار بازسازی حزب، ازجمله دیگر معضل‌های جدی‌ای بود که حزب ما با آن روبه‌رو بوده است. واقعیت امر این است که فعالیت حزب تودهٔ ایران در دوران چهل‌ساله اخیر فعالیت پس از یورش بهمن ۶۱ و افزون بر ضربه‌های پی‌درپی تشکیلاتی و تبلیغاتی از سوی دستگاه‌های مختلف سرکوب رژیم ولایت فقیه، حزب با واقعه فروریزی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و سرریز شدن آوار "شکست سوسیالیسم واقعاً موجود" نیز روبه‌رو بوده است، آوار سنگینی که بر بسیاری از حزب‌های نیرومند کارگری و کمونیستی جهان اثرهایی ویرانگر بر جای گذاشت.

دوران مهاجرت دوم حزب پس از یورش گستردهٔ رژیم ولایت فقیه یکی از دشوارترین و پرچالش‌ترین دوران تاریخ حزب ما در طول حیات هشتادساله‌اش بوده است، دشواری‌ها و چالش‌هایی عظیم که حزب ما با درایت و هوشیاری رفقای برجسته ای مانند رفیق علی خاوری و به‌همت و فداکاری رفقای توده‌ای در ایران و سراسر جهان این دورهٔ دشوار را با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز به اعتراف سران رژیم و مخالفان حزب، بار دیگر در بردن اندیشه‌های مترقی به میان مردم و ارائه راهکارهایی مناسب برای نجات کشور از بختک رژیم ولایت فقیه نقشی فعال و مؤثر داشته است.

فاجعهٔ ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷ به فرمان خمینی و دستیاری دیگر سران رژیم یکی از دهشتناک‌ترین جنایت‌های تاریخ معاصر میهن ماست. زنده‌یاد آیت‌الله منتظری در جلسه‌ای که صحبت‌های آن به صورت گسترده‌ای در ایران و جهان انتشار یافت، اعدام‌های زندانیان سیاسی توسط رژیم حاکم را بزرگ‌ترین جنایتی خواند که از اول انقلاب تا آن زمان در جمهوری‌اسلامی انجام شده، و خطاب به حاضران در آن جلسه، یعنی گروه مرگ اعزامی رژیم به زندان‌ها که عبارت بودند از حسین‌علی نیّری، حاکم شرع وقت؛ مرتضی اشراقی، دادستان وقت؛ مصطفی پورمحمدی، نمایندهٔ وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین؛ و ابراهیم رئیسی، معاون وقت دادستان کشور، می‌گوید: "می‌خواهم ۵۰ سال دیگر برای آقای خمینی قضاوت نکنند و بگویند آقای خمینی یک چهرهٔ خون‌ریز، سفّاک و فتاک [گستاخ] بود، و به نظر من این بزرگ‌ترین جنایتی است که از اوّل انقلاب تا حالا در جمهوری اسلامی شده است و در تاریخ ما را محکوم می‌کنند... و شما را در آینده جزء جنایتکاران تاریخ می‌نویسند."

حزب ما در جریان این جنایت هولناک اکثریت کمیتهٔ‌مرکزی و اعضای رهبری‌اش، صدها تن از اعضا و هوادارانش، و در کنار آنها شماری از برجسته ترین متفکران، نویسندگان، کادرها، و فعالان جنبش سندیکایی و دانشجویی کشور و شماری از برجسته‌ترین زندانیان سیاسی توده‌ای در رژیم شاه را که بیش از ۲۵ سال از عمر خود را در زندان‌های رژیم ستم‌شاهی گذرانده بودند، از دست داد.

انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، در نبودِ اتحاد عمل نیروهای مترقی و آزادی‌خواه به مثابه وزنه ای در برابر حاکمیت روحانیت مدافع "اسلام سیاسی" از مسیر اجرا و عملی شدن آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی- شعارهای مردم در انقلاب- منحرف گردید و به سمت استقرار "ولایت مطلقهٔ فقیه (حکومت اسلامی)" همان نظریه‌ای که خمینی در رساله‌اش در ۱۳۴۸ در نجف نوشته بود، پس رفت. شکست انقلاب شکوهمند بهمن که مردم و نیروهای مترقی میهن ما برای آن بهای سنگینی دادند نمونه‌ای روشن از این واقعیت تکرار شدهٔ تاریخی است که سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری به‌تنهایی و خود به خود به

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی

استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نمی‌انجامد و این سرنگونی فقط مرحلهٔ نخست در تحولات انقلابی یک کشور است که تعمیق آن و ارتقا و گسترش آن به تغییر و تحول‌هایی پایدار و دمکراتیک و تلاش مشترک و سازمان یافتهٔ نیروهای مترقی و آزادی‌خواه نیازمند است.
انقلاب بهمن در ایران با تحکیم شدن پایه‌های قدرت نیروهای واپسگرا و روحانیت حاکم به‌شکست کشانده شد و به‌جای آزادی و عدالت اجتماعی بار دیگر حکومت استبدادی‌ای مطلقه اما این بار بر اساس نظریات "اسلام سیاسی" بر میهن ما حاکم شد. برخلاف ادعای سران رژیم، "نظام" کنونی حاکم بر میهن ما نظام سیاسی و اقتصادی‌ای جدید نیست، بلکه تداوم نظام سرمایه‌داری‌ای پیش از خود اما با روبنایی واپسگرا است و همچون رژیم گذشته روند پیشرفت و ترقی میهن ما را سد کرده است. فقر بی‌سابقه که ده‌ها میلیون انسان را به کام خود کشیده است، ظلم و تعدی ساختارهای حاکم خصوصاً دستگاه‌های امنیتی رژیم ازجمله و به‌ویژه سپاه پاسداران که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور را هم به‌کنترل خود درآورده است، در کنار فساد بی‌سابقه حکومتیان دستاورد حکومت جمهوری اسلامی در چهل سال حاکمیت آن بوده است. سرکوب و کشتارهای حکومت جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر رژیم ولایت فقیه را در زمرهٔ یکی از جنایتکارترین حکومت‌های منطقه و جهان قرار داده است که سرانش از رهبر گرفته تا رئیس‌جمهور برگماردهٔ رهبر، ابراهیم رئیسی، باید روزی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

هم‌میهنان گرامی!
هشتادسالگی حزب تودهٔ ایران درحالی فرامی‌رسد که میهن‌مان با دشواری‌ها و خطرهایی متعدد روبه‌روست. ادامهٔ حکومت استبدادی و ضدمردمی جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین سد راه هرگونه گشایشی در وضعیت اسفناک اکثر قریب‌به‌اتفاق مردم و حرکت به سمت استقرار حکومتی مردمی و آزادی‌ها و عدالت اجتماعی در میهن ماست. ما در دو دهه اخیر همواره بر این نظر تأکید کرده‌ایم که رژیم ولایت فقیه اصلاح‌ناپذیر است و امید داشتن به اینکه حکومتی این‌چنین سفاک و ضد مردمی با نصیحت و خیرخواهی تغییر جهت دهد و به حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان تن دردهد سرابی بیش نیست. ثمرهٔ تبلیغ و پیش بردن این‌گونه سیاست‌های مردم‌فریب امروز بیش از هر زمان دیگری برای مردم آشکار شده است. امروز در میهن ما حاکمیتی بر سر کار است که سران هر سه قوه‌اش که همگی توسط ولی فقیه رژیم گمارده شده‌اند پرونده‌هایی قطور از سرکوب و جنایت بر ضد مردم و نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور دارند.
تجربهٔ انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ که از سوی اکثریت قاطع نیروهای مترقی و آزادی‌خواه و مردم تحریم شد بار دیگر بر این واقعیت تأکید کرد که حاکمیت مطلق ولایت فقیه و انتخابات فرمایشی آن عامل اصلی سد راه دگرگونی‌های بنیادین است و به‌جای تکیه کردن به برخی از لایه‌های فوقانی بورژوازی بوروکراتیک درون هرم قدرت و امید بستن به رقابت‌های انتخاباتی میان آن‌ها، با پیوند دادن اعتراض‌های کارگران، کارمندان، بازنشستگان، و محرومان و اعتراض‌های مدنی و آزادی‌خواهانه دیگر، حاکمیت مطلق ولایت فقیه را باید به‌چالش طلبید. حزب تودهٔ ایران، معتقد است که مرحلهٔ گذار فراروی میهن ما، مبارزه در راستای تحقق خواست‌های دموکراتیک در سطح ملی است. گذار به مرحلهٔ "ملی- دموکراتیک" در کشور ما به‌معنای زدودن کامل دیکتاتوری حاکم در روبنای سیاسی و برپا داشتن مبانی اساسی دموکراسی و عدالت اجتماعی است. خواست تغییر روبنای سیاسی استبدادی، فصل مشترک طیفی وسیع از طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی‌ای است که در حکم پشتوانه و گواه مشروعیت حکومتی ملی و دموکراتیک نیز خواهد بود.

رفقا، هواداران و دوستان حزب!
هشتاد سال از تاریخ پرفرازونشیب و سراسر رزم حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما می‌گذرد. حزبی که اعضا و هوادارانش در مهم‌ترین تندبادهای حوادث سال‌های هشت دهه اخیر برخلاف بسیاری که از راه مبارزه منحرف شدند، همچنان پیگیر و استوار در راه رهایی میهن از چنگال استبداد و حرکت به سمت استقرار حکومتی مردمی و عدالت‌طلب می‌رزمند. حزب تودهٔ ایران همواره خود را از خانوادهٔ بزرگ حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان دانسته و می‌داند و به مبارزهٔ طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ایران در حکم بخشی جداناپذیر از مبارزهٔ جهانی بر ضد سرمایه انحصاری و امپریالیسم و برای تحقق سوسیالیسم اعتقاد دارد. بسیاری از حقوق اجتماعی‌ای که مردم در گوشه و کنار جهان از آن برخوردارند ثمرهٔ مبارزهٔ پیگیر کمونیست‌ها و نیروهای چپ و ترقی‌خواه در سراسر جهان بوده است. از تأمین حقوق صنفی و سیاسی کارگران و مبارزه برای برابری جنسیتی و پایان دادن به قوانین زن‌ستیزانه و واپسگرایانه گرفته تا اجرای اصل آموزش و بهداشت و درمان رایگان برای توده‌ها، تأمین اجتماعی برای زحمتکشان، پایان دادن به استعمار خشن کشورها، حفظ صلح جهانی، و حفظ محیط زیست، همگی هویت و سیمای چپ و مبارزات کمونیست‌ها و رزمندگان راه طبقهٔ کارگر در گوشه و کنار جهان را رقم می‌زنند. حزب ما به عضویتش در این خانوادهٔ بزرگ نیروهای مترقی جهان می‌بالد. نقش حزب ما در کارزارهای مهم جهانی طبقهٔ کارگر ایران و جهان، در تلاش برای جلوگیری از جنگ و به‌خاطر استقرار صلح، در مبارزه با نژادپرستی و آپارتاید، فاشیسم و نئو فاشیسم و با امپریالیسم در گوشه و کنار جهان و به‌ویژه در منطقهٔ خاورمیانه، و تلاش‌های پیگیرش در افشای سیاست‌های نیروهای ارتجاعی و شرکت در کارزارهای همبستگی با نیروهای ترقی خواه منطقه و جهان، جایگاهی شایسته برای حزب ما در این خانوادهٔ بزرگ به‌وجود آورده است که ثمرهٔ تلاش و مبارزهٔ پیگیر توده‌ای‌ها در سراسر جهان بوده است. حزب تودهٔ ایران در بحث‌های سال‌های اخیر بین نیروهای چپ دربارهٔ ماهیت یک "حزب چپ" همواره تأکید کرده است که یک حزب رزمندهٔ انقلابی تنها با داشتن ماهیت طبقاتی‌ای روشن و بنیادهای نظری‌ای مشخص شکل می‌گیرد و نمی‌تواند همانند جبهه‌ای گسترده از نظرها و سیاست‌هایی متفاوت و طیف‌های نظری‌ای گوناگون از طرفداران نولیبرالیسم و سرمایه‌داری گرفته تا مارکسیست‌ها در گفت‌وگو برای رسیدن به برنامهٔ مبارزاتی‌ای مشترک باشد. چنین مجموعه‌های متنوع نظری در سال‌های اخیر بارها تجربه شده است و نتیجهٔ آن‌ها ناموفق بوده است.
تاریخ هشتادسالهٔ حزب تودهٔ ایران مانند هر نیروی رزمنده‌ای آکنده از فراز و نشیب‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌هاست. آنچه از هشتاد سال پیش تا کنون تغییری نکرده است کوشش پیگیر توده ای ها در راه تحقق آرمان های انسانی حزب، و تلاش نیروهای ارتجاعی

ادامه در صفحه ۹

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ...

رنگارنگ داخلی و امپریالیسم جهانی برای نابودی و ریشه‌کن کردن حزب تودهٔ ایران از جامعهٔ ایران بوده است. رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) که زیر شکنجه‌های وحشیانهٔ مزدوران رژیم ولایت فقیه جان باخت در مقدمهٔ کتاب "اسناد و دیدگاه‌ها: حزب تودهٔ ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۵۷"، به‌درستی اشاره می‌کند که به تاریخ می‌توان دروغ گفت، اما تاریخ دروغ نمی‌گوید. تاریخ حزب تودهٔ ایران کلمات نیستند، خس و خاشاک باد داده به دست دشمنان طبقاتی و به طوفان سپرده شده توسط غافلان نیست، بلکه تجربه‌های خونین، سرگذشت‌های سوخته در شعلهٔ باروت، میراث‌های شکنجه و حبس و تبعید و آموزش‌های وسعت داده شده به طبقه و انقلاب است. نباید تک‌درخت‌ها را به‌جای جنگل به نسل از راه رسیده فروخت!

رفقا!
حزب توده ایران در هشتاد سال مبارزه خونین و نابرابر و باوجود سرکوب‌ها، شکنجه‌ها و کشتارها، ماندگاری‌اش را مدیون مبارزه همه توده‌ای‌های وفادار، مؤمن و رزمنده‌ای می‌داند که هرکجا بودند استوار و مقاوم بر آرمان‌های انسانی‌شان پای فشردند و آرمان‌های عدالت‌خواهانه حزب‌شان را پیش بردند. آنان پرچم خونین و پرافتخار حزب‌شان را برافراشته نگاه داشتند.
حزب تودهٔ ایران در طول هشتاد سال گذشته در معرض گسست‌های دردناک، انشعاب‌ها، و همچنین ضربه‌هایی جدی و مهلک از سوی نیروهای امنیتی حکومت‌های استبدادی و سرکوبگر بوده است. امروز پرده‌های دود ادعاهای دروغین بسیاری دربارهٔ عملکرد و مبارزهٔ دهه‌های اخیر حزب به کناری رفته است و ماهیت انقلابی و مترقی حزب ما در خلال سال‌های پرتلاطم پس از یورش رژیم ولایت فقیه در برابر خورشید حقیقت می‌درخشد. حزب تودهٔ ایران به همهٔ کسانی متعلق است که به وظیفهٔ تاریخی حزب طبقهٔ کارگر، و آرمان‌ها و برنامهٔ حزب باورمندند. حزب ما به همهٔ وفاداران به آرمان‌های طبقهٔ کارگر نیاز دارد تا بتواند هرچه قدرتمندانه‌تر پرچم پرافتخار حزب ارانی‌ها، روزبه‌ها، رحمان هاتفی‌ها، و فاطمه مدرسی‌ها را برافراشته نگه دارد.
در هشتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران شایسته است که خاطرهٔ تابناک ده‌ها هزار جان‌باختهٔ توده‌ای را گرامی بداریم و مبارزهٔ سترگ آنان ارج گذاریم و اعلام داریم حزب تودهٔ ایران در کنار همه آزادی‌خواهان و نیروهای ملی و مترقی کشور در راه ریشه‌کن کردن استبداد و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی به مبارزهٔ تاریخی‌اش ادامه می‌دهد و همه تلاش‌ها و امکان‌هایش را در راه دست یافتن به آرمان‌های والایش برای بهبود زندگی زحمتکشان به‌کار خواهد گرفت. مبارزه ادامه دارد، و آینده از آنِ خلق و نیروهای ملی و آزادی‌خواهی است که در کنار مردم و برای تحقق خواست‌های جنبش مردمی می‌رزمند!

درود آتشین به خاطرهٔ تابناک جان‌باختگان توده‌ای و همهٔ جان‌باختگان راه آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی!
فرخنده باد هشتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران!
باهم به‌سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری و برپائی حکومت ملی و دمکراتیک، برای آزادی، صلح، استقلال، و عدالت اجتماعی!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۵ مهر ۱۴۰۰

صدایی وَزان به آینده
"هشتاد سالگی حزب توده ها"

صدایت چونان قطرات رویایی آبشار
که در متن نوای آهنگین آب
شور می نوازند،
از فراز صخره
بر جانم فرو می ریزند
و پودر می شوند
در فضای بیکران اندیشه ام
و من احساس می کنم
دگر بار و دگر بار
رفاقت را
چون دستان مِه در گیسوان بلوط
جانی دوباره می بخشم.
ژرفای نگاهت
در زیر امواج واژگانی به غایت شور انگیز
رسوباتی بر جای می نهد
که تا نهایت زیستن با من همراه خواهد بود
بی آنکه حتی برای لحظه ای
در خیالم آنرا به فراموشی بسپارم.
تو دریایی و من قطره
تو کهساری و من صخره
تو خرمنی و من دانه
تو توده و من شاعر.

م. د. پویا

سرود خوانان دلیر صبح امید: به یاد افسران جان‌باخته توده ای

و یک تن شاعر جوان به دستور رژیم جنایتکار شاه به جرم میهن پرستی، آرمان گرایی، و عدالت جویی، جان خود را از دست دادند. افسران توده‌ای همگی از زمره برجسته‌ترین، نخبه‌ترین، پاک‌ترین، و میهن پرست‌ترین افسران وقت ارتش ایران بودند و دوست و دشمن بر این امر گواهی داده است.

در سحرگاه ۲۷ مهرماه سال ۱۳۳۳، قلب تپنده و پرمهر ۱۰ انقلابی توده‌ای هدف گلوله‌های دژخیمان و سرسپردگان تبهکار حکومت ستم شاهی قرار گرفت. تیرباران این ده مبارز خستگی ناپذیر و میهن پرست، در واقع آغاز موجی از کشتار توده‌ای‌ها توسط رژیم کودتا و به مثابه استقرار دور جدیدی از استبداد آن هم به شکل دیکتاتوری خشن و کاملاً وابسته بود. افرادی که در اولین گروه به حوخه های اعدام سپرده شدند و به شهیدان راه آزادی میهن پیوستند، عبارت بودند از رفقا: سرهنگ عزت‌الله سیامک ، سرهنگ محمدعلی مبشری، مهندس مرتضی کیوان (شاعر و روزنامه‌نگار انقلابی)، ستوان یکم عباس افراخته، سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی، سروان محمدعلی واعظ‌قائمی، ستوان نعمت عزیزی نمین، سرگرد هوشنگ وزیریان، سرگرد نصراله عطارد و سروان نورالله شفا. این سرودخوانان آزادی با دلاوری ویژه خویش لحظاتی قبل از اجرای فرمان آتش، با سر دادن شعار "زنده باد حزب توده ایران" و "زنده باد ایران" ... سکوت سرد سحرگاهی را در میدان تیر شکستند و آغاز پایان شب استبداد را دوباره بشارت دادند.

اطلاعات

سپیده‌دم امروز ۵ نفر افسران محکوم‌درارتشکر ۲ زرهی تیرباران شدند

پرونده دکتر فاطمی، دکتر شایگان

مجلس شورای ملی

افسران توده‌ای به دنبال کودتای ننگین سیا در ۲۸ مرداد و کشف سازمان نظامی حزب بازداشت شدند و مورد شکنجه قرار گرفتند. اعدام افسران عضو سازمان نظامی حزب در حقیقت برای درهم کوبیدن جنبش مردمی صورت گرفت. بی‌دلیل نبود که همزمان با اعدام این رادمردان دلاور قراردادِ نفت میان رژیم سلطنتی کودتا با "کنسرسیوم" غارتگر نفت امضا شد. مقاومت و پایداری افسران توده‌ای و شجاعت بی‌نظیر آنان در برابر جوخه اعدام از درخشان‌ترین برگ‌های دفتر پیکار رهایی بخش توده‌های زحمتکش ایران در تاریخ میهن ماست. دراین زمینه اسناد و گزارش‌های بسیاری وجود دارد. به عنوان مثال، در کتاب ایران بین دو انقلاب، در باره لحظه اعدام رفقای قهرمان ما، چنین نوشته شده است: "خبرنگاران غربی که شاهد مراسم اعدام بودند، به سازمان سیا گفتند که افسران جسورانه با سردادن شعارهای حزب توده (ایران) به سوی مرگ رفتند و فرمانده جوخه آتش مجبور شد کار را با تیرخلاص تمام کند، زیرا جوخه چهل نفره به سبب ناراحتی عصبی یا همدردی با قربانیان حضور نداشت. سیا گزارش داد که گروه‌های زیادی از مردم به دلیل جسارت و شهامتی که محکومان (افسران توده‌ای) از خود نشان دادند، به شدت متاثرند" [ایران بین دو انقلاب، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، یرواند آبراهامیان، چاپ پنجم، نشر مرکز، صفحه ۳۰۷].

دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم ستم شاهی بسی تلاش کرد که یاد و اثری از فداکاری و دلاوری این قهرمانان به ویژه هنگام تیرباران در یادها باقی نماند ولی عکس‌هایی که از لحظات اعدام به جا مانده و هم‌چنین وصیت‌نامه‌های کوتاه،

ادامه در صفحه ۱۱

اگر ای مردک نامرد به شلاق سکوت
بشکنی برلب من قصهٔ گویای امید
اگرای شاه همهٔ روسیهان، پاره کنی
دفترشعر مرا، تا ندمدصبح سپید
باز بر سینهٔ دیوار نویسند به راه
مرگ برشاه براین عامل رسوای سیاه
اگر ای شاه بیاویزیم از چوبهٔ دار
یا بتازی به سرم همچو ددِ آدمخوار
یا کنی طعمهٔ سرنیزه تنم راصدبار
یاکه چون شمع بسوزانیم اندرشب تار
بازخاکسترمن طعنه زند بررہ باد
که براین شاه فرومایهٔ دون نفرت باد
اگر ای شاه من وهمسرزیبای مرا
درسحر هدیه کنی چندگل سرب مذاب
یا سم اسب بکوبی به سروسینهٔ ما
یا شوی مست ز خون من و اوجای شراب
صبح فردایسرم باز بخواندبه سرود
که به هشیاری حزب پدرم باد درود

زندان تیپ زرهی ،مهر ۱۳۳۲
سرگردشهیدجعفروکیلی

با فرا رسیدن مهر و آبان ۱۴۰۰ شصت و هفت سال از اعدام افسران توده ای به دست رژیم جنایتکار شاه می گذرد. در ماه‌های مهر و آبان۱۳۳۳ اعدام سه گروه از افسران عضو سازمان نظامی حزب توده ایران، و به همراه آنان مرتضی کیوان شاعر توده‌ای، آغاز گردید، و به فاصله چند ماه بعد گروه چهارم افسران توده‌ای شامل شش تن در ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ نیز تیرباران شدند. در مجموع ۲۶ افسر

ادامه سرود خوانان دلیر صبح امید ...

خاطره‌ها و یاد نوشته‌هایی که به بیرون از زندان راه پیدا کردند، نشان از پایبندی و ایمان این رفقا به میهن، حزب خود و راهی که می‌رفتند، دارد. برای نمونه در زیر ما به نقل تکه‌های کوتاهی اکتفاء می‌کنیم: رفیق سرهنگ سیامک یک روز پیش از اعدام، در ملاقاتی که افسران با خانواده‌های خود برای وداع داشتند، برای دلداری به بستگان خود گفت: "آدم وقتی قرار است بمیرد، چرا خوب و باشکوه نمیرد؟" و زمان جدایی مشت خود را گره کرد و با صدای رسا گفت: "ما رفتیم، شما زنده باشید و خوب زندگی کنید." سرهنگ سیامک روحیه‌ای قوی و عزمی راسخ داشت و در کنار یاران خود در لحظه اعدام هم‌صدا با آنان با شعار "زنده باد حزب توده ایران" تن به گلوله‌های آتش دشمن سپرد و برگی از تاریخ خونین حزب ما را رقم زد.

رفیق مبشری در آستان مرگ به همسر و یار زندگی‌اش چنین می‌نویسد: "من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می‌شوم. این مرگ، مرگ شرافتمندانه است..."

مرتضی کیوان شاعر و انقلابی بزرگ، تنها غیرنظامی گروه محکوم به اعدام بود و با سری افراشته تمام مراحل شکنجه در زندان را قهرمانانه طی کرده بود. یک زندانی سیاسی که او را در زندان دیده بود، چنین نقل می‌کند: او در زندان مثل سنگ خارا ایستاد و حلاج‌وار همه شکنجه‌ها را تحمل کرد... رفیق مرتضی کیوان روزنامه‌نگاری برجسته، اندیشمند و دارای شم سیاسی قوی بود. وی در آستانه اعدام خود و یارانش به هم‌بندانش چنین گفته بود: "در بیرون خبرهایی هست. لایحه نفت باید به تصویب برسد. این لایحه قربانی‌هایی دارد. من هیچ از مرگ قریب‌الوقوع خود متاسف نیستم. زندگی ما در برابر آزادی و استقلال میهن عزیز ما هیچ ارزشی ندارد" رفیق عباس افراخته، این افسر فروتن و دوست‌داشتنی، در وصیتنامه خود شب پیش از اعدام به خانواده اش توصیه می‌کند که به فرزندان او راه واقعی توده‌ها یعنی ادامه راه پدر را بیاموزند. همرزم او نظام‌الدین مدنی در نامه‌ای به همسرش چنین می‌نویسد: "دوست دارم، بچه‌های عزیزم پس از این که بزرگ شدند بدانند که پدرشان شرافتمند بود و شرافتمندانه از دنیا رفت. همان‌طور که ناظر بودی از طرف من به احدی اجحاف نشد و همه مرا دوست داشتند..." و رفیق واعظ قائمی در یکی از آخرین نامه‌هایش چنین نوشته است: "مرا به جرم حقیقت و پاکدامنی و بیگناه به قتل می‌رسانند... من در راه حق و حقیقت شهید می‌شوم. حتی در آخرین مرحله زندگی هم مرا از دیدار تو و نورچشمانم محروم کردند. پاکدامنی و صداقت و خدمت بود که شما را تهی دست نمود. چنین است پاداش هیئت حاکمه به درستی و راستی..."

رفیق سرگرد هوشنگ وزیریان با روحیه بسیار قوی حتی در لحظه اعدام به جوخه آتش فرمان می‌داد و چنین درخواست کرد: "چشمانم را نبندید! می‌خواهم در دم مرگ لرزش دست‌های شما را ببینم!"

خبرنگار روزنامه "اطلاعات" چاپ همان سال (۱۳۳۳)، درپای عکس رفیق شهید سروان محقق‌زاده نوشته بود: "این سروان محقق‌زاده است، در همین لحظه او را از اتاق شکنجه به سلول زندان آورده‌اند، خنده او اعجاب برانگیز است."

گروه دوم افسران حزب توده ایران در سحرگاه روز ۸ آبان ۱۳۳۳ تیرباران شدند. اسامی این سرداران عبارت است از: رفقا سرگرد محمدرضا بهنیا، سروان مصطفی بیاتی، سروان حسن کلالی، سروان منصور کلهر، سرگرد غلام‌حسین محبی و سروان احمد مهدیان. دو هفته بعد در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۳۳، پیکرهای گروه سوم از قهرمانان توده‌ای به گلوله بسته شد. رفقای شهید این گروه عبارت بودند از: رفقا سرگرد جعفر وکیلی، سرهنگ کاظم جمشیدی، سرهنگ امیر افشار بکشلو، سرهنگ محمد جلالی و محمدباقر واله. و بالاخره در ۲۶ مرداد ۱۳۳۴، گروه چهارم از افسران توده‌ای با سرود آزادی بر لب، در خون خود غلتیدند. اسامی این سرداران بی‌شکست چنین است: رفقای شهید سرگرد رحیم بهزاد، سرگرد ارسطو سروشیان، سروان اسماعیل محقق‌زاده، ستوان حسن مرزوان، ستوان منوچهر مختاری و ستوان اسداله نصیری. در طول شصت و شش سال گذشته، در رثای افسران شهید و سایر سرداران سر بدار و برای زنده‌نگاه داشتن خاطره عزیز همه آن‌هایی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد به چوبه‌های اعدام بسته شدند و گل‌های وجودشان پرپر شد، رمان‌ها، شعرها، آهنگ‌ها و آثار هنری فراوانی ساخته و پرداخته شده است. این همه گویای عهد و پیمان و خود گوشه‌هایی از آموزش انقلابی و پرورش نسل‌های بعدی بوده است.

ما در هشتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، حزب سیامک ها، مبشری ها، وزیری ها، کیوان ها، وکیلی ها و روزبه ها یاد و خاطره غرورانگیز این مبارزان راه آزادی همواره مایه سرمشق و درس‌آموزی برای مبارزه در راه ساختن جامعه‌ای بهتر و عادلانه است. یاد این سرداران بی‌شکست هنوز همچون شعله‌ای در خاطره‌ها می‌سوزد، و ایمان آن‌ها هنوز پرچم مبارزه مردم میهن ما است.

اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران دربارهٔ برگزاری نشست کمیتهٔ مرکزی

نشست کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران با شرکت همه اعضای کمیتهٔ مرکزی حزب برگزار شد. نشست در ابتدای کار خود با دریافت گزارشی دربارهٔ مقدمات انجام شده برای تدارک برگزاری مراسم بزرگداشت هشتاد سالگی حزب و همچنین سمینار علمی- پژوهشی حزب در این مراسم با شرکت نمایندگان حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان زیر عنوان: "کمونیست‌ها و جنبش‌های اجتماعی"، تصمیم‌های لازم را در این زمینه‌ها اتخاذ کرد.

نشست کمیتهٔمرکزی در ادامهٔ کار خود به بررسی طرحی که از سوی هیئت سیاسی دربارهٔ ضرورت بازبینی فعالیت‌های تبلیغاتی حزب و تشدید آن تهیه شده بود پرداخت. نشست پس از ابراز نظر دربارهٔ محتوای پیشنهادهای ارائه شده در طرح، کمیته‌ای متشکل از رفقای کمیتهٔ مرکزی برای تنظیم برنامه به‌منظور اجرایی کردن پیشنهادهای ارائه شده انتخاب کرد. نشست گزارش گروه کاری "بررسی چالش‌ها و یافتن راهکارهای عملی تازه برای همکاری با نیروهای مترقی و آزادی‌خواه" را بررسی و دربارهٔ آن تبادل‌نظر کرد و پس از ابراز نظر در این زمینه، از رفقای کمیتهٔ تنظیم برنامه خواست تا برپایه گزارش‌های مفصلی که دربارهٔ وضعیت نیروهای مختلف سیاسی کشور تهیه شده است برنامهٔ کاری‌ای مشخص برای ارائه به هیئت سیاسی تهیه کنند.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۴ مهر ۱۴۰۰

ادامه با هشتاد سال سابقه ...

سیاسی کشورمان بدون ثبات نظری‌اند و به‌تبع این بی‌ثباتی، نظرها و برنامه‌ها و اعلامیه‌های رسمی‌شان از انسجام لازم برخوردار نیستند و از این جهت برای بسیج نیرو در مبارزه با رژیم ولایی آمادگی همکاری واقعی ندارند. فعالیت‌های فردی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وجه چشمگیر تلاش‌های این نیروهای سیاسی است که البته در جای خود بسیار لازم و مفیدند. فعالیت رسانه‌ای به‌هیچ‌وجه جایگزین کار سیاسی حزبی بر پایهٔ نظری‌ای منسجم و مبتنی بر برنامه به‌منظور همکاری نیروهای سیاسی نمی‌تواند بشود.

شوربختانه برای لاپوشانی کردن بی‌ثباتی حزبی و برنامه‌های نامنسجم یعنی ناتوانی در تبادل‌نظر و همکاری، شیوهٔ رایج در میان بخشی از فعالان و نیروهای سیاسی‌ای که به‌سوی کار رسانه‌ای کشیده شده‌اند تاریخ‌نویسی به‌هدف وارد شدن در بحث‌هایی بی‌انتها و بی‌ثمر دربارهٔ وقایع گذشته است. آنان دانسته یا ندانسته به تشکل‌گریزی، انشقاق، و کار غیرحزبی، و نهایتاً به همکاری نکردن دامن می‌زنند و در این ارتباط کشاندن بحث به "اشتباه‌های حزب تودهٔ ایران" به یکی از شگردهای متداول آنان تبدیل شده است. قضاوت‌های مغرضانه، زدن غیرمسئولانه اتهام در حد "خیانت" به حزب در فضای مجازی و در اتاق‌های کلاب هاوس به‌بیماری‌ای مزمن تبدیل شده است. این رویکردهای تکراری و طوطی‌وار جایگزین تبادل‌نظرهای رسمی و انتقادهای سازنده از تحلیل‌های حزب و جزو برنامه‌های کنونی نیروهای سیاسی شده است.

"مثنوی هفتاد من کاغذ" به‌اصطلاح "اشتباه‌های حزب تودهٔ ایران" که گاه بسیار مبتذل‌تر، مغرضانه‌تر و ناآگاهانه‌تر از حد معمول هم می‌شود پهلو به جعلیات دستگاه‌های امنیتی می‌زند. مسلماً حزب ما دچار اشتباه شده است و خواهد شد، زیرا کار حزبی واقعی، کارِ جمعی انسان‌های جامعهٔ موجود است و فعالیت سیاسی کاری است پیچیده آن‌هم در کشورهایی استبدادزده با پایه‌های قوی دینی مانند ایران. فقط کسانی مرتکب اشتباه نمی‌شوند که کاری نمی‌کنند و در بیرون گود مبارزه به‌تماشا نشسته‌اند یا فقط گاهی تئوری می‌نویسند و فلسفه می‌بافند. حزب ما بر اساس اعتقادش و برخورد دیالکتیکی‌اش با واقعیت‌ها همواره در تشخیص و اصلاح اشتباه‌هایش بی‌پرده‌پوشی عمل کرده است و از پذیرش‌شان روی برنگردانده و از انتقادهای سازنده استقبال کرده و آن‌ها را برای فعالیت‌های آینده‌اش مفید دانسته است. نگاهی به سیر تحول‌های نظری در اسناد رسمی، تحلیل‌های نامه مردم از رویدادهای ایران و جهان، و برنامهٔ کنونی حزب گویای روند این برخورد دیالکتیکی است. اما از سوی نیروهای سیاسی یادشده متأسفانه در بیشتر مواقع به‌جای تبادل‌نظر و نگاه به جلو در مورد تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های کنونی حزب ما عامدانه مسیر بحث‌ها به گذشته‌ها و به‌منظور خودداری از همکاری کشانده می‌شوند. این نشانگر ناتوانی و ضعف شماری از نیروها در عرصهٔ بحث، انتقاد سازنده، و میل به همکاری است. صرف انرژی برای "کار سیاسی فردی" غیرمتمرکز در کنار اظهارنظرهای پرهیاهوی غیرکارشناسانه آن‌هم صرفاً برای جلب‌توجه و جلوه‌گری در صفحه‌تلویزیون‌های برون‌مرزی، اتاق‌های کلاب هاوسی، و شبکه‌های مجازی جایگزین کار جمعی در چارچوب فعالیت حزبی شده است. درحالی که تجربه نشان می‌دهد کار سیاسی بر اساس همکاری و روابط شفاف بین حزب‌ها تنها راه مؤثر در جهت پیدایی آلترناتیوی مردمی است که برای عرصه سیاسی کنونی ایران امری عاجل و حیاتی است. برای مبارزه با دیکتاتوری حاکم و تغییر توازن نیرو به نفع جنبش مردمی و تدارک آلترناتیوی برای آن، از فضای مجازی می‌توان به‌صورتی مؤثر بهره‌مند شد.

مسلماً نظر شخصی افراد در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی کشورمان و انتقاد مستند به این یا آن حزب می‌تواند مفید باشد و استفاده از فضای مجازی هم به این امر می‌تواند کمک کند. در این ارتباط می‌توان به تلاش‌های رسانه‌ای مفید و مؤثر ازجمله سازمان‌دهی گفت‌وگو با نظریه‌پردازان و کارشناسان مترقی و ملی روی کرد. اما حضور یافتن افرادی در صفحه تلویزیون‌های برون‌مرزی‌ای مانند ایران اینترنشنال، بی بی سی فارسی، و به‌ویژه در بی‌شمار اتاق‌های کلاب هاوسی و معرفی خویش به‌عنوان "فعال سیاسی"ای مستقل اما بی‌هیچ اشاره‌ای به تحلیل‌های رسمی و برنامهٔ حزبی‌شان، به‌هیچ‌وجه نخواهد توانست جایگزین کار سیاسی سازمان‌یافته و مؤثر باشد. این نوع رفتار غیرشفاف برخی فعالان سیاسی از نداشتن پایهٔ نظری‌ای مشخص و برنامهٔ حزبی‌ای منسجم ناشی می‌شود. جالب آنکه این نوع نظرها و تحلیل‌های متزلزل فردی هرازچندگاه برحسب پیش آمدن فرصت مورد نظر با حمله به تاریخ چپ و به‌ویژه حزب ما خرج هزینهٔ ایجاد روابط با نیروهای راست اپوزیسیون یا همدلی با اصلاح‌طلبان حکومتی می‌شوند! یکی از عوارض ناشی از این وضعیت، بروز انشعاب‌هایی پی‌درپی بوده که پیدا و سپس ناپیدا شدن حزب‌ها و جریان‌هایی را باعث می‌شود که تمرکز و تأکیدشان بر فعالیت تبلیغاتی رسانه‌ای تقلیل یافته است. از این جهت آن‌ها حتی برای گزینش نام حزبی جدیدشان دچار مشکل می‌شوند و بناچار به انواع پیشوندها و پسوندها متوسل می‌شوند. این رفتارها درعمل به پراکندگی نیرو و ائتلاف وقت انجامیده‌اند.

تا آنجا که به حزب تودهٔ ایران مربوط می‌شود، هشت دهه بقا و فعالیت حزب ما به‌منزلهٔ نیرویی مطرح در جنبش مردمی، خود دلیلی بر تحول‌های نظری و درس‌آموزی از تجربه‌ها و حضور حزبی مارکسیستی‌لنینیستی ریشه‌دار است، حزبی که با همهٔ فرازونشیب‌هایش نام و پایه نظری آن نیازی به‌اضافه کردن پیشوند، و پسوند نداشته است! خط‌مشی حزب ما بر اساس مارکسیسم‌لنینیسم است، اما به‌دنبال کسب حق انحصاری استفاده از نام این جهان‌بینی نبوده و از تشکل‌یابی نیروهای دیگر در چارچوب حزبی و سازمانی‌ای مارکسیستی یا غیرمارکسیستی استقبال می‌کند. زیرا ما معتقدیم بر اساس فصل مشترک‌های‌مان در تحلیل‌ها و برنامه‌های حزبی و همراه تفاوت در اندیشه می‌توان و باید با دیگر نیروهای مترقی و ملی ارتباطی دموکراتیک برقرار ساخت و همکاری کرد.

اما واقعیت امر آن است که در خلال بیش از پنج دههٔ گذشته و به‌ویژه دهه‌های اخیر، نه‌تنها ظهور و افول پی در پی انواع طیف‌های "چپ چریک"، "چپ نو"، "چپ مستقل"، "کارگری و کمونیستی" یا اخیراً انواع نحله‌های "سوسیال‌دموکرات" یا "جمهوری‌خواه" نتوانسته جایگزین حزب توده ایران شوند، بلکه حتی بخش عمده‌شان نتوانسته‌اند نظریه‌هایی منسجم برای تبادل‌نظر ارائه دهند. تغییر و نوسان از چپ‌روی ذهنی‌گرا به راست‌روی و دفاع از نولیبرالیسم در موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌ها، یا انتشار اعلامیه‌هایی غیرمنسجم و ابراز نظرهای فردی و متناقض باهم رهبران جریان‌های سیاسی به برقراری ارتباط مؤثر نیروهای سیاسی و همکاری با یکدیگر کمکی نکرده و نخواهد کرد.

به تعبیری، "مجمع‌الجزایری" از نظریه‌های سیاسی و اقتصادی در برخی جریان‌ها وجود دارد که برای حفظ ظاهر، آن‌ها را زیر نام گرایش به "تکثرگرایی" پنهان می‌کنند. برای مثال، مگر می‌توان به‌طور هم‌زمان دیکتاتوری ولایی را اصلاح‌پذیر و اصلاح‌ناپذیر دانست؟ مگر می‌توان به‌طور هم‌زمان مدعی هواداری از عدالت اجتماعی و سوسیالیسم بود و درعین‌حال نولیبرالیسم اقتصادی و جهانی‌شدن را پذیرفت و وجود امپریالیسم را منکر شد؟ می‌شود بدیهی دانست که نیرویی سیاسی در پاسخ به سؤال‌های بالا چه بسا می‌تواند دیدگاه‌هایی غیرمارکسیستی داشته باشد، اما عجز از ارائهٔ خط‌مشی‌ای سیاسی چه مارکسیستی یا غیر مارکسیستی در پاسخ به این سؤال‌ها ضعف نظری یا فرصت‌طلبی می‌تواند باشد.

مردم کشور ما با بحران‌های اقتصادی‌اجتماعی‌ای عمیق درگیرند چندان که منافع ملی و زندگی روزمره و حتا هستی‌شان را تهدید می‌کند. اعتراض‌های مردمی به مسببان وضعیت کنونی هرچه گسترده‌تر و شدیدتر می‌شوند. حکومت ولایی توان حل بحران‌های چندوجهی زاده سیاست‌هایش را ندارد و "اسلام سیاسی" و جایگاه ولایت فقیه بی‌اعتبار شده‌اند و بدین‌سان آینده کشورمان آبستن تحول‌ها و تغییرهایی خواهد بود. روشن است اگر سمت‌وسوی این رخدادها را نیروهای مترقی و ملی تعیین نکنند روند افزایش بحران سیاسی و اقتصادی کشورمان را به مرحله‌ای وخیم‌تر و خطرناک‌تر خواهد کشاند. در این شرایط بسیار حساس تهاجم به تاریخ جنبش چپ و به‌ویژه حزب تودهٔ ایران از جانب دستگاه امنیتی‌رسانه ای حکومتی، برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب، و همچنین برخی از چپ‌های سابق در کنار اپوزیسیون راستگرا امر همکاری بین نیروهای مترقی و ملی را پیچیده کرده است.

حزب تودهٔ ایران در طول هشتاد سال گذشته بر ضرورت برپایی جبهه وسیع ضد دیکتاتوری برای گذار به مرحلهٔ ملی‌دمکراتیک تأکید کرده و می‌کند. در این ارتباط حزب در همه مقطع‌های تاریخی تعیین کننده و ازجمله در برههٔ کنونی بر اساس تحلیلی مشخص از شرایطی مشخص نقشهٔ راه و برنامه برای تبادل‌نظر و همکاری نیروهای مترقی و ملی تدوین و ارائه کرده است. نکتهٔ مهم این است که گام‌های حزب تودهٔ ایران همیشه رو به پیش و به‌عزم تغییر کهنه و زایش نو و جامعهٔ نوین بوده است و این فرایند به‌رغم ضربه‌های شدید وارد آمده بر حزب ما از جانب دیکتاتوری شاه و ولایی ادامه داشته و خواهد داشت.

شماری از پیام های پرشور تبریک و همبستگی حزب های کارگری و کمونیستی جهان به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام حزب کمونیست یونان به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲ [۲ مهر ۱۴۰۰]

رفقای گرامی،

حزب کمونیست یونان به مناسبت 80مین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران درودهای رفیقانهٔ خود را به کمیتهٔ مرکزی، اعضا، و کادرهای حزب شما تقدیم می‌کند.

حزب کمونیست یونان همبستگی قاطع خود را با حزب تودهٔ ایران و مبارزات طبقهٔ کارگر و اقشار مردمی در ایران در تأمین و تحقق حقوق اجتماعی و دموکراتیک خود، احیای آزادی‌های سندیکایی و سیاسی، و آزادی زندانیانی که برای تحقق حقوق کارگران و مردم پیکار می‌کنند، ابراز می‌کند. حزب ما خواستار قانونی شدن و فعالیت سیاسی آزاد کمونیست‌های ایران است.

حزب تودهٔ ایران در تاریخ ۸۰ سالهٔ خود با آزار و اذیت حکومت‌های بورژوایی و متحدان خارجی آنها روبرو بوده است و همچنان روبروست؛ حکومت‌هایی که به شیوه‌هایی غیرانسانی، ریشه‌کن کردن جنبش کمونیستی در ایران و نابودی این جنبش به طور کلی را هدف قرار داده‌اند.

به علّت موقعیت مهمی که کشور شما در نظام امپریالیستی، در طرح‌های تجاوزکارانهٔ آمریکا و ناتو در منطقه، و در رقابت جاری امپریالیستی دارد، مسئولیت تاریخی‌ای که کمونیست‌های ایرانی به دوش داشته‌اند، بسیار بزرگ بوده است.

حزب کمونیست یونان تهدیدهای آمریکا و ناتو و هرگونه مداخلهٔ امپریالیستی را که به بهانهٔ سلاح‌های هسته‌یی قصد حمله به ایران را داشته باشد، و به دنبال پیشبُرد طرح بازچینی "خاورمیانهٔ بزرگ" باشد که به زیان همهٔ ملّت‌های منطقه است، مردود می‌شناسد و محکوم می‌کند. صرف‌نظر از بهانه‌هایی که امپریالیست‌ها برای پنهان کردن اقدام‌های تجاوزکارانهٔ خود استفاده می‌کنند، ملّت‌ها باید این اقدام‌ها را به طور گسترده تقبیح و از آنها جلوگیری کنند.

در هر صورت، فقط طبقهٔ کارگر و مردم ایران هستند که می‌توانند راه‌حلی برای مشکلات ایران ارائه دهند.

رفقا،

این روزها مشارکت و همفکری حزب‌های کمونیست اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. طبقهٔ کارگر و اقشار مردمی با تشدید استثمار سرمایه‌داری و پیامدهای دردناک بحران‌های پی‌درپی سرمایه‌داری ناشی از شدید شدن تضادهای بنیادی این نظام، و پیامدهای رشد سرمایه‌داری بر اساس سودآوری انحصارها مواجه‌اند. ملّت‌های سراسر جهان با همه‌گیری جاری و پیامدهای فاجعه‌بار تضعیف و فروپاشی نظام‌های بهداشت و درمان همگانی -دولتی مواجه‌اند. تجاوز آمریکا، ناتو، و اتحادیهٔ اروپا همراه با شدّت گرفتن رقابت امپریالیستی با چین و روسیه، خطر وقوع جنگ‌های همه‌گیر را پدید آورده است.

رویدادهای اخیر در کشور همسایهٔ شما، افغانستان، ریاکاری انواع نیروهای سرمایه‌داری را افشا کرد که از بهره‌گیری از تاریک‌اندیش‌ترین نیروها برای پیشبُرد منافع خود، علیه منافع ملّت‌ها، دریغ و درنگ نکردند.

حزب ما بر این باور است که همفکری حزب‌های کمونیست در جنبش کارگری-مردمی در مسیری ضدسرمایه‌داری و ضدانحصار، حمله به حقوق

کارگران را دفع، و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای تأمین منافع نیروهای کارگری -مردمی ارائه خواهد داد.

امروزه میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان متوجه شده‌اند که هیچ راهی برای خروج از این وضع در محدودهٔ شیوهٔ تولید سرمایه‌داری و سلطهٔ انحصارها نمی‌تواند وجود داشته باشد. همهٔ تحوّل‌های جاری بر ضرورت و به‌موقع بودن اِعمال قدرت کارگران، اجتماعی کردن وسایل تولید، برنامه‌ریزی علمی مرکزی، و سوسیالیسم تأکید دارد.

تجربه‌ای که از برپا کردن جامعهٔ سوسیالیستی در قرن بیستم به دست آمد، برتری سوسیالیسم در عرصهٔ تأمین سلامت، کار، و حمایت‌های گستردهٔ اجتماعی را نشان داد؛ نمی‌توان با سرنگون کردن‌های ضدانقلابی همهٔ این موارد را از ذهن‌ها پاک کرد. تحوّل‌های جاری، در مجموع، مسئولیت‌های سنگینی را بر دوش جنبش کمونیستی می‌گذارد. این تحوّل‌ها تأکیدی است بر ضرورت ضدحملهٔ سیاسی-ایدئولوژیک مبتنی بر مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، سازمان‌دهی مجدد انقلابی جنبش کمونیستی، در تقابل با ایدئولوژی و سیاست بورژوایی، و مقابله با فرصت‌طلبی. این مسیری دشوار اما لازم برای سازمان‌دهی و پیشبُرد مبارزهٔ طبقاتی، برای دفاع از منافع طبقهٔ کارگر و اقشار تهی‌دست مردمی، در مبارزه برای سرنگون کردنِ انقلابی، و در راه از بین بردن استثمار انسان از انسان است.

برای شما در مبارزه‌تان توانایی و استقامت آرزو داریم.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

با درودهای رفیقانه،

شعبهٔ بین‌المللی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست یونان

آتن، یونان

پیام کمیتهٔ مرکزی آکل به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۱ [۲ مهر ۱۴۰۰]

رفقای عزیز،

کمیتهٔ مرکزی آکل (حزب مترقی زحمتکشان قبرس) گرم‌ترین درودهای رفیقانه و پیکارجویانهٔ خود را به مناسبت سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران در ۸۰ سال پیش، به مثابه جانشین شایستهٔ حزب کمونیست ایران، به رهبری و اعضا و مبارزانِ آن حزب برادر تقدیم می‌کند. حزب شما این سالگرد را در دشوارترین شرایط در داخل ایران و در خارج از کشور جشن می‌گیرد، سالگردی که نقطهٔ عطف واقعاً مهمی در تاریخ و جنبش زحمتکشان ایران است.

آکل همراه با شما، مسیر درخشان مبارزهٔ شما را ارج می‌نهد و گرامی می‌دارد؛ سفری انقلابی و رادیکال که شاهد دستاوردها و سهم فراوان حزب شما در

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

تلاش‌های مردم کشورتان برای داشتن ایرانی مستقل و دموکراتیک، برای پیشرفت و رفاه اجتماعی و اقتصادی، و تضمین توسعهٔ همه‌جانبهٔ کارگران و مردم ایران بوده است. کمونیست‌های ایران و حزبشان، با وجود تمام یورش‌های بسیار بی‌رحمانه و مداوم به آن حزب، به‌رغم جان‌فشانی‌ها و از دست دادن هزاران رفیق، حبس‌ها و شکنجه‌ها، تبعید و سرکوب‌های اجباری، هرگز نه‌فقط تسلیم نشدند، بلکه محکم ایستادند و در برابر انواع سرکوب‌ها و سیاست‌های ضد حزب، مقاومت کردند. حزب شما بارها اشتباه بودن پیش‌بینی‌های نیروهای امپریالیستی خارجی و ارتجاعی داخلی در مورد زوال قریب‌الوقوع و در نهایت از بین رفتن کامل حزب را ثابت کرده است.

رفقا!

حزب تودهٔ ایران همهٔ این یورش‌ها را پشت سر گذاشته و همواره توانسته است توان خود را بازیابد و مسیر تازه‌ای را برای مبارزه ترسیم کند. حزب شما در این کار موفق بوده است، دقیقاً به این دلیل که ریشه‌های عمیقی در میان مردم دارد، زیرا بازتاب‌دهندهٔ آرزوهای قلبی و چشم‌اندازهای آنها برای ایرانی نوین متعلق به مردمش بوده است؛ زیرا اقشار مردمی، کارگران، جوانان، زنان، روشنفکران با دیدن رهبری مقاوم و استوار حزب شما و فداکاری‌های بی‌شمار رفقای شما، حزب شما را با آغوش باز پذیرفتند، از آن دفاع کردند، و به آن ارج نهادند؛ حزبی که بازتابگر قلب و روح همان چشم‌انداز برای ایرانی نوین، برای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم است.

آکل به همهٔ رفقایی که در این راه جان خود را داده‌اند، به شهیدان و قهرمانانی که در همهٔ این دهه‌ها با فداکاری‌های خود درخت آزادی و دموکراسی را آبیاری کرده‌اند و نگذاشته‌اند که خشک و قطع شود، ادای احترام می‌کند. ما نیز از این راهِ مبارزه‌جویانه قدرت می‌گیریم. آن روز خواهد آمد که نسل‌های جدید مردم ایران به این تاریخ پُرافتخار و غنی، چنان‌که شایسته است، افتخار کنند.

حزب تودهٔ ایران در سراسر این مسیر 80 ساله در خط مقدّم هر مبارزهٔ کوچک و بزرگ بوده است. به همین دلیل است که حزب شما، همان‌طور که از نامش برمی‌آید، حزب توده‌هاست. حزب تودهٔ ایران اثر و نشان و سهم خود را در هر عرصه و جنبه‌ای از زندگی مردم ایران گذاشته است. بنابراین، به‌راستی که حزب شما حزب واقعی توده‌ها، و نیرویی به‌واقع میهن‌دوست و در عین حال انترناسیونالیست است.

آکل به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، همبستگی خود را با شما و حمایت ثابت‌قدم و مداوم خود را از مبارزهٔ امروزین شما در راه تأمین صلح، دموکراسی واقعی، و پیشرفت اجتماعی، در برابر رژیم خودکامه و دین‌سالار ایران، و برای تلاش در راه محقق کردن اراده و خواست مستقل مردم و کشور شما، ابزار می‌کند. ما خواستار آزادی همهٔ زندانیان سیاسی و پایان دادن به سرکوب و بی‌اعتنایی آشکار به حقوق بنیادین دموکراتیک و حقوق اساسی بشر در ایران هستیم. رفقا! مطمئن باشید که آکل، که خود شرکت فعالی در کارزارهای همبستگی بین‌المللی دارد، همیشه استوار و قاطع در کنار حزب تودهٔ ایران و مبارزهٔ آن می‌ایستد.

منطقهٔ ما به دلیل مداخله‌های دیرینهٔ امپریالیستی خارجی و سیاست‌های صاحبان قدرت و نفوذ و نمایندگان دست‌نشاندهٔ محلی آن، گرفتار مشکلات و درگیری‌های زیادی است که خطرهای تازه‌ای برای صلح و ثبات به وجود آورده است. آشوب‌ها در سطوح گوناگون و فراوانی در جریان است. به همین دلیل است که آکل به طور خستگی‌ناپذیری برای گرد هم آوردن همهٔ نیروهای صلح‌دوست، دموکراتیک، و مترقی به منظور متوقف کردن ماجراجویی‌های تازه می‌کوشد. ما نیز به ضرورت بسیج کردن ملّت‌های منطقه‌مان و به وجود آوردن جنبش صلحی گسترده، متحد، و توده‌یی اعتقاد داریم و در راه تحقق آن می‌کوشیم.

به مناسبت سالگرد تأسیس حزب شما، مایلیم قدردانی خود را از حزب تودهٔ ایران به‌خاطر وفاداری‌اش به سنّت و اصول دیرین انترناسیونالیستی، و به‌خاطر همبستگی همیشگی شما- که یکی دیگر از جنبه‌های شاخص تاریخ حزب شما است- ابزار کنیم.

روابط برادرانه و نزدیک آکل با حزب تودهٔ ایران که بر پایه‌های محکمی بنا شده و در طول سال‌ها، در جریان کنش مشترک و نیز در چارچوب نشست‌های بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری شکل گرفته است، برای ما بسیار ارزشمند است. ما خواهان تعمیق بیشتر این روابط صمیمانه هستیم، و مثل همیشه، عمیقاً قدردان مواضع و ارزیابی‌های حزب شما در مورد تحوّل‌های جاری نه‌فقط در کشور خودتان بلکه به طور کلی در منطقه و مسائل بین‌المللی هستیم.

رفقا!

مسیر مبارزهٔ ۸۰ سالهٔ حزب تودهٔ ایران خود گویای روشن واقعیت است. تاریخ به پیش می‌رود. ما ضمن شادباش گفتن به شما به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران، از سخنان تکان‌دهنده و جاودان یکی از بی‌شمار شهیدان حزب شما، رفیق روزبه، در برابر دادگاه نظامی یاد می‌کنیم: "هرگز لکه‌ای ابر نمی‌تواند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظه‌ای، پرتو مستقیم خورشید به همه گرمی خواهد بخشید. اگر از لحظه اسم می‌برم، مقصودم لحظهٔ تاریخی... است... بدون تردید این طوفان‌ها فروخواهد نشست و حقایق عریان خواهد شد. جامعهٔ ایران روزی را نیز خواهد دید که آزادانه دربارهٔ این گونهٔ مسائل بحث کند و نظرات خود را ابراز دارد. آن روز چندان دور نیست."

گرامی باد ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران!

پاینده باد همبستگی با مبارزهٔ مردم ایران برای تحقق آزادی، دموکراسی، صلح، حاکمیت ملّی، و استقلال!

پرتوان‌تر باد پیوندهای برادرانه بین آکل و حزب تودهٔ ایران!

کمیتهٔ مرکزی آکل

نیکوزیا، قبرس

پیام تبریک حزب کمونیست پرتغال

۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱ [۲۹ شهریور ۱۴۰۰]

رفقای گرامی،

حزب کمونیست پرتغال به مناسبت ۸۰ سالگی تأسیس حزب تودهٔ ایران، همبستگی و درودهای برادرانهٔ خود را به شما تقدیم می‌کند.

تاریخ کمونیست‌های ایران طولانی و قهرمانانه است. فعالیت حزب شما در بیشتر مدّت حیاتش ممنوع بوده است و هزاران کمونیست ایرانی به دلیل دفاع از حقوق کارگران، زنان، دانشجویان، و مردم ایران، به دلیل دفاع از حاکمیت ملی، دموکراسی، صلح، پیشرفت اجتماعی، و سوسیالیسم به زندان افتاده و مورد آزار و اذیت و شکنجه و ترور قرار گرفته‌اند. اما شما همواره ادامهٔ فعالیت و مبارزه حزب خود را فراهم کرده‌اید.

سالگرد بنیادگذاری حزب شما مصادف با زمانی است که جهان در معرض تغییرهایی بزرگ و خطرهایی عظیم قرار دارد. چندین دهه جنگ و تجاوز امپریالیستی، که پس از تغییرهای عظیم در توازن جهانی نیروها بر اثر از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی و فروریزی نظام سوسیالیستی جهان شدّت گرفت، فاجعه‌ای بزرگ برای ملّت‌ها، به‌ویژه در منطقهٔ شما، به بار آورده است. اما مقاومت قهرمانانهٔ ملّت‌های قربانی تجاوز، مانند مردم فلسطین، عراق، سوریه، لبنان، یا یمن، و نیز شکست جنگ‌های تجاوزکارانهٔ آمریکا/ناتو و اسرائیل - که تازه‌ترین آنها در افغانستان بود- نشان می‌دهد که امپریالیسم شکست‌ناپذیر نیست و این ملّت‌ها هستند که با مبارزهٔ خود در نهایت مسیر تاریخ را تعیین می‌کنند.

بحران ساختاری سرمایه‌داری، مقاومت ملّت‌ها، در کنار قدرت‌یابی کشورهای جدید در سطح بین‌المللی، به‌ویژه جمهوری خلق چین، بحران پیش روی قدرت‌های بزرگ امپریالیستی را به طور فزاینده‌ای حادّ می‌کند. اما امپریالیسم، به دلیل ماهیت خود، نظامی تهاجمی و درنده است. روند انحطاط آن، خطر واکنش خشونت‌آمیز ارتجاعی‌ترین بخش‌های سرمایه‌داری انحصاری را کاهش نمی‌دهد. و این امر، تقویت عمل مشترک و همگرایی همهٔ کمونیست‌ها و دیگر نیروهای ضدامپریالیستی و صلح‌دوست را بیش از پیش مهم و فوری می‌کند. در این صورت، ظهور جنبشی جهانی تضمین می‌شود که در کنار تقویت جنبش بین‌المللی کمونیستی و انقلابی می‌تواند جنگ را متوقف و راه را به سوی آینده‌ای سرشار از پیشرفت اجتماعی و صلح باز کند.

با درود مجدد به مناسبت 80مین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران، برای حزب شما در مبارزه در راه تأمین حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، برای ایجاد

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

ایران و خاورمیانه‌ای عاری از تجاوز و جنگ امپریالیستی، و در راه پیشرفت اجتماعی، صلح، و سوسیالیسم آرزوی موفقیت داریم.

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست پرتغال

پیام همبستگی و درودهای رفیقانهٔ حزب کمونیست سودان به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران

رفقای گرامی،

به مناسبت رویداد مهم ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست سودان درودهای گرم برادرانه و بهترین آرزوهای خود را به رهبری و اعضای حزب شما تقدیم می‌کند. حزب کمونیست سودان نقش قابل‌توجهی را که حزب تودهٔ ایران در مبارزهٔ مردم ایران در راه رهایی ملّی و اجتماعی ایفا کرد، به یاد دارد. ما نیز همراه با شما، هم از موفقیت‌های به دست آمده شاد و سربلند شدیم، و هم در لحظات شکست و سرکوبی که رژیم‌های ارتجاعی و دیکتاتوری گوناگون علیه شما به راه انداختند، با شما همدرد بودیم. تاریخ مشترک مبارزهٔ پیوسته و بی‌امان ما در خدمت مردم و طبقهٔ کارگر کشورهایمان نمونه‌ای زنده از تعهد به آرمان شریف سوسیالیسم و کمونیسم است.

حزب تودهٔ ایران به‌رغم سرکوب مداومی که در ۴۰ سال گذشته متحمل شده است، نقش مهمی در مبارزهٔ مردم ایران در راه تحقق دموکراسی، صلح، و سوسیالیسم ایفا کرده است. سهم قاطع حزب شما در مبارزهٔ طبقهٔ کارگر متشکل، به پیشبُرد آرمان‌های اکثریت ایرانی‌ها برای زندگی کردن در صلح و برخوردار شدن از محصول کارشان منجر شده است. امروزه، در زمانی که حکومت دین‌سالار ایران سیاست‌های سرکوب و یورش‌های بی‌رحمانه‌اش به مقاومت فزاینده در برابر سیاست‌های ورشکسته‌اش را شدّت بخشیده است، حزب تودهٔ ایران همچنان مردم را برای به چالش کشیدن و شکست دادن این تلاش‌ها و گام برداشتن به سوی تحقق و تثبیت حقوق و آزادی‌های دموکراتیک بسیج می‌کند.

بار دیگر به مبارزهٔ شما درود می‌فرستیم و به شهیدان حزب شما ادای احترام می‌کنیم.

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست سودان

پیام حزب کمونیست هند

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱ [۳۱ شهریور ۱۴۰۰]

رفقای گرامی،

از طرف خودم و شورای ملی حزب کمونیست هند، درودهای برادرانهٔ گرم خود را به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران به رهبری و همهٔ اعضای حزب شما تقدیم می‌کنیم.

بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران رخدادی تاریخی بود که در مبارزهٔ جامعهٔ ایران در دفاع از استقلال و حاکمیت ملی از یک سو، و تحقق حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی برای مردم ایران از سوی دیگر، نقشی مهم در بسیج کردن طبقهٔ کارگر و دیگر قشرهای اجتماعی جامعهٔ ایران داشت.

حزب تودهٔ ایران در هشتاد سال زندگی سیاسی‌اش به طور عمده فعالیت غیرعلنی داشته است، زیرا هر دو رژیم آن را «غیرقانونی» اعلام کردند. تاریخ حزب تودهٔ ایران تاریخ فداکاری‌های عظیم است. هزاران تن از اعضای حزب شما جان خود را از دست دادند، مورد شکنجه‌های غیرانسانی قرار گرفتند، و هنوز بسیاری از رفقای شما در زندان‌ها حبس‌اند.

ولی همهٔ اینها حزب تودهٔ ایران از ادامهٔ مبارزه‌اش با رژیم ارتجاعی ایران باز نداشت. حزب تودهٔ ایران ضمن اینکه به تلاشش در راه ایجاد جبههٔ متحد ضددیکتاتوری برای تحقق آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایی ایران ادامه می‌دهد، در عین حال، نقشی مهم در سازمان‌دهی فعالیت‌های همبستگی در دفاع از صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی در جهان به عهده گرفته است. حزب تودهٔ ایران همواره هر نوع مداخلهٔ نظامی در هر کشور را محکوم کرده است.

ما ضمن شادباش به اعضا و رهبری حزب تودهٔ ایران، افتخار می‌کنیم که همیشه از پیکارهای دموکراتیک مردم ایران حمایت کرده‌ایم. مناسبات ما با حزب تودهٔ ایران نشانه و بازتاب تلاش مشترک ما در مبارزه در راه صلح، دموکراسی، و پیشرفت اجتماعی است.

برای شما در بزرگداشت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران آرزوی موفقیت کامل داریم.

با درودهای انقلابی و رفیقانه،
د. راجا، دبیرکل حزب کمونیست هند

پیام حزب نوین مردم افغانستان به مناسبت هشتادمین سالگرد اساسگذاری حزب تودهٔ ایران

رفقای گرامی،

شادباش‌های گرم رفیقانهٔ ما را به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب تودهٔ ایران، این گُردان رزمندهٔ زحمتکشان ایران و پاسدار اندیشه‌های پیشرو عصرما، بپذیرید. شما در شرایط دشوار اختناق و سرکوب از سوی حاکمیت‌های مستبد شاهی و آخوندی با قامتی افراخته در تاریخ در مواضع کارگران و زحمتکشان پایداری کردید و سرمشقی برای جُنبش‌های انقلابی منطقهٔ ما گردید. پیوندهای استواری جُنبش انقلابی افغانستان را با حزب تودهٔ ایران در پهنهٔ تاریخ گِره زده است و برای ما جای مسرت است که این پیوندها را در بستر پیکار مشترک‌مان برای بهروزی خلقهای ایران و افغانستان تداوم می‌بخشیم.

خروج قوای مسلح امریکا ـ ناتو از افغانستان و استقرار دوبارهٔ حاکمیت قرون وسطایی طالبی وضعیت جدید و تهدید آمیزتری را در منطقهٔ ما به وجود آورده است. ما در تلاش آنیم تا نیروهای مترقی و دموکراتیک را که در هنگام حضور امریکا ـ ناتو در میهن ما به حاشیه رانده شده بودند، دوباره به صحنهٔ سیاسی برگردانیم. یگانه راه نجات مردم افغانستان تقویت همین نیروهاست.

از شما به خاطر حمایت تان از تلاش و مبارزهٔ ما سپاسگزاری می‌کنیم.

رفقای عزیز،

یقین کامل داریم که حزب شما در پیکار برحق‌اش نیرومندتر از پیش خواهد شد و جامعهٔ ایران را به سوی عدالت اجتماعی رهنمون خواهد شد. همکاری رفیقانهٔ ما که برمنافع مشترک خلق‌های ما استوار است، به سودِ دنیای کار تمام خواهد شد.

فرخنده باد هشتادمین سالگردِ حزب تودهٔ ایران،
زنده باد همبستگی احزاب مترقی جهان!
هیئت اجراییهٔ حزب نوین مردم افغانستان
۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱

پیام شادباش حزب کمونیست شیلی

با درود به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران
سپتامبر ۲۰۲۱/مهر ۱۴۰۰
رفقای گرامی حزب تودهٔ ایران،

ادامه در صفحه ۱۶

ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

کمونیست‌های شیلی هشتادمین سالگرد تولد حزب تودهٔ ایران را شادباش می‌گویند. بنیادگذاری حزب شما در ۸۰ سال پیش، برآمدِ مبارزهٔ طبقه کارگر ایران و بذرهایی بود که کمونیست‌ها پیشتر کاشته بودند. شکل‌گیری حزب شما بی‌ارتباط با پیشرفت جنبش انقلابی جهان در آن زمان و مبارزهٔ اتحاد شوروی علیه دیو نازی نبود.

حزب تودهٔایران مسیر قهرمانانه‌ای را پشت سر گذاشته است.تاریخ حزب شما در همهٔ ۸۰ سال گذشته در عمل در شرایط »غیرقانونی«، و در معرض آزار و اذیت و شکنجه و مرگ بوده است. با این حال، حزب شما همواره نمونه‌ای از پایداری و استواری و موضع‌گیری قاطع در میان گردان‌های انقلابی جهان بوده که برای پیشبرد تاریخ رزمیده‌اند.

برای کمونیست‌های شیلی، همبستگی با مبارزهٔ طبقهٔ کارگر ایران و حزب آن وظیفه‌ای اصولی است. ما به‌خاطر تاریخی که خود پشت سر گذاشته‌ایم می‌دانیم که فعالیت "غیرقانونی"، زندان، شکنجه، و مرگ رهبران و فعالان حزبی به چه معناست. به همین دلیل است که ما در محکوم کردن جنایت و سرکوب دیکتاتوری علیه حزب شما، در همبستگی با شما ایستاده‌ایم.

امروزه ما در شیلی برای شکست دادن نولیبرالیسم تحمیل شده توسط بورژوازی بزرگ و امپریالیسم آمریکا تلاش می‌کنیم. هدفِ مبارزهٔ ما همچنین متحد کردن ملت‌های آمریکای لاتین در این مبارزه و در اتحاد برای رهایی و توسعهٔ جوامع خودمان است.

به همین ترتیب، ضمن تأکید دوباره بر همبستگی خود با مبارزهٔ شما در راه آزادی و دموکراسی برای مردم ایران، حمایت خود را از کوبا، ونزوئلا، و نیکاراگوئه ابراز می‌کنیم که مورد یورش امپریالیسم و الیگارشی‌های قارهٔما هستند.

گرامی باد هشتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران!

حزب کمونیست شیلی

پیام شادباش حزب کمونیست پاکستان

حزب کمونیست پاکستان ۸۰ مین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران را شادباش می‌گوید. حزب ما همبستگی قاطع خود را با رفقای ایرانی و حزب انقلابی و برجستهٔ کارگران و کمونیست‌های ایران، حزب تودهٔ ایران، ابراز می‌کند. ما در پاکستان همواره از مبارزهٔ بزرگ رفقای ایرانی طی این سال‌های دشوار الهام گرفته‌ایم. ما فداکاری‌های بزرگ رفقای حزب تودهٔ ایران را برای زنده نگه داشتن شعلهٔ امید در همهٔ این سال‌ها، حتّیٰ در دشوارترین برهه‌های تاریخ ایران، تحسین می‌کنیم.

حزب کمونیست پاکستان نیز مانند حزب تودهٔ ایران بیشتر اوقات مجبور بوده است در سخت‌ترین شرایط زیرزمینی فعالیت کند. ما خوب می‌فهمیم که دولت‌های کشورهای ما دستورهای امپریالیسم آمریکا را در منطقهٔ ما تحمیل می‌کردند. ما در تاریخ خود بارها دیده‌ایم که این کارگزارانِ دولت‌های امپریالیستی آمریکا در منطقهٔ ما، برای پیشبُرد منافع امپریالیسم جهانی، حقوق بنیادی مردم پاکستان و ایران را نقض کرده‌اند.

ایران شاهد به قدرت رسیدن حکومت جدید بنیادگرایان اسلامی در پی به‌اصطلاح "انقلاب اسلامی" بوده است، و ما شاهد سختی‌ها و شکنجه‌ها و قتل‌های فراقضایی و حکم‌های بی‌رحمانه‌ای هستیم که دادگاه‌های اسلامی در مورد رفقای ایرانی ما اِعمال کرده‌اند. اما در عین حال ما شاهد مبارزه و پیکار بزرگ رفقای ایرانی خود هستیم که مبارزه و برنامهٔ خود در دفاع از طبقهٔ کارگر و عدالت اجتماعی را در صدر فعالیت‌های خود نگه داشته‌اند.

پاکستان و تمام منطقه اخیراً شاهد دور تازه‌ای از ظهور و قدرت‌گیری ایدئولوژی بنیادگرای مذهبی و اسلامی پس از جنگ افغانستان بوده است. این ایدئولوژی از مرزهای کشورها عبور کرده است و در حال حاضر، نیروهای ارتجاعی کل موجودیت ما را تهدید می‌کنند. رفقای ما در پاکستان و در منطقه بیش از پیش مورد تهدید این نیروهای ارتجاعی قرار دارند و امروزه افغانستان در زیر حکومت طالبان خطرناک‌تر شده است و ثبات منطقه را به خطر انداخته است. کار ما دشوارتر بوده و اکنون مبارزه در راه تحقق و حفظ دموکراسی و سکولاریسم، بر مبارزهٔ طبقاتی اولویت یافته است.

بیایید بر تعهد خود تأکید کنیم که ما کمونیست‌های منطقه، همراه با هم، در برابر این شرّ بنیادگرایی اسلامی و عناصر کهنه‌اندیش ارتجاعی مبارزه خواهیم کرد.

زنده باد پیکار ما!

زنده باد همبستگی!

زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

شعبهٔ بین‌المللی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست پاکستان

پیام شادباش حزب کمونیست فنلاند

پیام شادباش حزب کمونیست فنلاند به رهبری حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران، کهن‌ترین حزب سیاسی معاصر ایران حزب کمونیست فنلاند به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، به شما درود می‌فرستد و همبستگی خود را با شما ابزار می‌کند.

حزب تودهٔ ایران جانشین و ادامه‌دهندهٔ راه حزب کمونیست ایران است که ۱۰۱ سال پیش تأسیس شد. رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران در آن زمان، فعالیت آن حزب را ممنوع کرد، و سپس بر اساس قانون ضدکمونیستی که به »قانون سیاه «معروف شد، آن حزب را غیرقانونی اعلام کرد.

حزب تودهٔ ایران در ۸۰ سال گذشته تجربهٔ گسترده و ارزشمندی در زمینهٔ مبارزهٔ ایدئولوژیک-سیاسی و شرکت در مبارزات کارگری-مردمی انباشته است. حزب کمونیست فنلاند به‌خاطر فعالیت سیاسی الهام‌بخش حزب تودهٔ ایران و تلاش آن حزب برای حفظ هویّت کمونیستی‌اش، به حزب تودهٔ ایران درود می‌فرستد.

به‌رغم فشارهای مستمری که طی ۴۰ سال اخیر بر حزب تودهٔ ایران وارد شده است، نقشی که حزب شما در تحوّل‌های سیاسی داخل ایران داشته است، و همچنان خواهد داشت، چشمگیر است.

حزب کمونیست فنلاند تردیدی ندارد که حزب تودهٔ ایران تمام تلاشش را خواهد کرد تا جنبش صلح، دموکراسی واقعی، و سوسیالیسم تقویت شود، و طبقهٔ کارگر متشکل ایران بتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن مسیر آیندهٔ تغییر، بر اساس خواست و ارادهٔ مردم ایران، ایفا کند.

در مبارزهٔ مشترک ضدامپریالیستی، مارکسیستی، و صلح‌آور در راه تغییر جهان، حزب کمونیست فنلاند خود را در کنار حزب تودهٔ ایران می‌بیند.

حزب کمونیست فنلاند به‌خاطر فعالیت حزب تودهٔ ایران در تقویت شبکهٔ بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری به شما درود می‌فرستد.

زنده باد حزب تودهٔ ایران!

زنده باد صلح و همبستگی بین‌المللی!

یوها-پکا وایسانین

صدر حزب کمونیست فنلاند

پیام حزب کمونیست ایرلند

۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱ [۳۰ شهریور ۱۴۰۰]

رفقای عزیز

حزب کمونیست ایرلند به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران همبستگی عمیق خود را با آن حزب ابراز می‌کند. ما همچنین همبستگی خود را با طبقهٔ کارگر و تهی‌دستان ایران ابراز می‌کنیم.

امروز جنبش بین‌المللی کارگران با چالش‌های زیادی مواجه است، از جمله و به‌ویژه تهدید فزایندهٔ صلح جهانی از طرف نیروهای امپریالیسم و به‌خصوص تهدیدهای فزایندهٔ "جنگ سرد" جدید علیه چین. نظامیگری و تجاوز نظامی فزایندهٔ نیروهای امپریالیستی فقط می‌تواند

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

به واکنش‌های بیش از پیش دولت‌ها و ملّت‌هایی منجر شود که مورد هدف تجاوزهای امپریالیستی قرار دارند.

بحران بزرگ دیگری که طبقهٔ کارگر جهانی و تنگ‌دستان با آن روبرویند، بحران محیط‌زیست است که تأثیر ویرانگری بر تهی‌دستان جهان دارد، بحرانی که بیش از دویست سال در جریان بوده، و ناشی از شیوه تولید سرمایه‌داری است.

اکنون زمان تقویت اتحاد در جنبش بین‌المللی کارگران، تقویت حزب تودهٔ ایران، و تقویت حزب کمونیست ایرلند است.

زنده باد همبستگی ضدامپریالیستی!

با احترام و همبستگی ضدامپریالیستی،

یوجین مک‌کارتَن

دبیرکل حزب کمونیست ایرلند

پیام حزب کمونیست آمریکا

رهبری و اعضای حزب کمونیست آمریکا به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، درودهای رفیقانهٔ خود را به رفقای خود در ایران تقدیم می‌کنند. در هشت دههٔ گذشته، حزب تودهٔ ایران همواره برای منافع طبقهٔ کارگر ایران رزمیده است و حزب ما مفتخر است که از رفقای حزب شما باشد.

تاریخ فعالیت حزب تودهٔ ایران تاریخ آسانی نبوده است. هنوز حتّیٰ یک دهه هم از موجودیت حزب نگذشته بود که رهبران ارتجاعی ایران آن را »غیرقانونی «و مجبور به فعالیت زیرزمینی کردند. با وجود این چالش‌ها، اعضای حزب تودهٔ ایران به نمایندگی از طبقهٔ کارگر ایران و مبارزه برای خواست‌های آن ادامه دادند. حزب شما حتّیٰ در حالی که زیرزمینی و زیر تهدید مداوم به آزار و اذیت فعالیت می‌کرد، نقشی برجسته در جنبش ملّی شدن نفت در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق داشت.

هنگامی که نخست‌وزیر مصدق با کودتای مورد حمایت آمریکا/بریتانیا برکنار شد، نیروهای ارتجاعی که قدرت را در ایران در دست گرفتند، سرکوب و آزار اعضای حزب را افزایش دادند. حزب تودهٔ ایران، با وجود اینکه مجبور به فعالیت در تبعید بود، با کمک رفقای حزب‌های برادر در جهان توانست به مبارزهٔ خود در راه دموکراسی و سوسیالیسم در ایران ادامه دهد.

هنگامی که انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹/۱۳۵۷ آغاز شد، حزب تودهٔ ایران نقش برجسته‌ای در سرنگونی شاه مستبد داشت. حزب تودهٔ ایران پیشاهنگ مبارزه برای انقلاب ترقی‌خواهانه، سوسیالیستی، و دموکراتیک بوده است. این پیام و تعهد حزب تودهٔ ایران مورد پذیرش مردم ایران قرار گرفت و حزب تودهٔ ایران در سراسر کشور رشد کرد. اما زمانی که دین‌سالاران راست‌گرا و محافظه‌کار به قدرت رسیدند، در تلاش برای خاموش کردن پیام سوسیالیستی توده‌ای‌ها، حزب شما را ستیزه‌جویانه و با خشونت مورد آزار و اذیت قرار دادند. در آغاز سال ۱۹۸۳/ ۱۳۶۲ تقریباً کل رهبری همراه با هزاران عضو و هوادار حزب تودهٔ ایران توسط نیروهای امنیتی رژیم ولایی بازداشت، و سپس زندانی و شکنجه شدند. در سال ۱۹۸۸/۱۳۶۷ شمار زیادی از این اعضای زندانی حزب اعدام شدند که آنها را در گورهای جمعی دفن کردند. با وجود تمام بی‌رحمی‌های خشنی که نسبت به اعضا و رهبران حزب تودهٔ ایران اعمال شد، این رفقا هرگز دست از مبارزه در راه سوسیالیسم برنداشتند و هرگز مارکسیسم-لنینیسم را رها نکردند. آنها به مبارزه با حکومت ارتجاعی در کشور خود و برای دفاع از منافع طبقهٔ کارگر ایران ادامه داده‌اند. امروزه حزب تودهٔ ایران صدای پیشرو نیروهای طرفدار دموکراسی در ایران است. مبارزه برای دفاع از منافع طبقهٔ کارگر ایران فقط محدود به پیکار با نیروهای ارتجاعی در هر کشور نیست. ایران یکی از هدف‌های اصلی امپریالیسم آمریکا است که برای به زانو درآوردن طبقهٔ کارگر ایران به تحریم‌های اقتصادی متوسل می‌شود. ما در حزب کمونیست آمریکا افتخار داریم که در کنار رفقای خود در ایران با امپریالیسم و در راه آیندهٔ سوسیالیستی برای طبقهٔ کارگر ایران می‌رزمیم.

باشد که حزب تودهٔ ایران بتواند به مبارزهٔ عادلانهٔ خود ادامه دهد و مردم ایران را به سوی آینده‌ای بهتر هدایت کند.

زنده باد حزب تودهٔ ایران، و زنده باد انترناسیونالیسم کمونیستی!

آلوارو رودریگز

دبیر شعبهٔ بین‌المللی حزب کمونیست آمریکا

از طرف روزانا کمبرون و جو سمیز، رهبران مشترک حزب کمونیست آمریکا

پیام تبریک حزب مردم فلسطین

رفقای گرامی،

از طرف رهبری، اعضا، و هواداران حزب مردم فلسطین، گرم‌ترین شادباش‌های خود را به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب مبارز تودهٔ ایران به شما، و از طریق شما به همهٔ اعضای آن حزب برادر و همهٔ ترقی‌خواهان ایران تقدیم می‌کنیم. تاریخ طولانی حزب شما در دفاع از آیندهٔ بهتر برای مردم ایران و در راه ترقی و استقلال کشورتان، رهایی اقتصادی و اجتماعی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم در ایران، مشحون از صفحه‌های فراوان مبارزه و از خود گذشتگی است. در همین مناسبت، خود را موظف می‌دانیم که به‌خاطر موضع محکم شما در حمایت از آرمان عادلانهٔ مردم ما و ابراز همبستگی با مبارزهٔ مردم فلسطین برای پایان دادن به اشغال اسرائیلی، تأمین حق حاکمیت، و برقراری دولت مستقل فلسطین در درون مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷، با پایتخت آن در اورشلیم، و تضمین حق پناهندگان به بازگشت به میهن خود مطابق با قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، و نیز آزادی زندانیان فلسطینی از زندان‌های اسرائیل، صمیمانه از شما سپاسگزاری کنیم.

گرم‌ترین شادباش‌ها و صمیمانه‌ترین آرزوهای ما را بپذیرید.

مبارزهٔ شما سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

بسام الصالحی

دبیرکل حزب مردم فلسطین

پیام تبریک حزب کمونیست استرالیا به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران

۶ سپتامبر ۲۰۲۱ [۱۵ شهریور ۱۴۰۰]

رفقای گرامی،

حزب کمونیست استرالیا درودهای گرم و رفیقانهٔ خود را به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران تقدیم به شما می‌کند. ما به تلاش‌های شجاعانهٔ رفقای حزب تودهٔ ایران درود می‌فرستیم که هشت دهه است با انبوهی از چالش‌های سیاسی و جانی روبرو بوده‌اند و در قامت حزبی که منافع مردم ایران را نمایندگی می‌کند، با قدرت پابرجا مانده‌اند. رفقای ما در حزب تودهٔ ایران امروزه تجربهٔ فراوان و تاریخچه‌ای پرافتخار دارند. خاطرهٔ رفقای بسیاری را گرامی می‌داریم که جان و زندگی خود را در راه شریف‌ترین آرمان، رهایی از وحشیگری امپریالیسم و سرمایه‌داری، فدا کردند.

حزب کمونیست استرالیا همواره با سیاست‌های امپریالیستی علیه ایران مخالف بوده و در کارزار »دست‌ها از ایران کوتاه «شرکت کرده است. ما با این دیدگاه حزب تودهٔ ایران موافقیم که رهایی هر کشور از رژیم‌های سرکوبگر فقط به دست خود مردم آن کشور، و نه نیروهای خارجی، امکان‌پذیر است.

پایداری و استقامت رفقای ایرانی برای ما الهام‌بخش است و همبستگی کامل خود را با مبارزات شما ابراز می‌کنیم.

زنده باد حزب تودهٔ ایران!

زنده باد انترناسیونالیسم طبقهٔ کارگر!

به امید پیروزی سوسیالیسم،

وینی مولینا، شعبهٔ بین‌المللی حزب کمونیست استرالیا

پیام حزب کمونیست کلمبیا

به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران، گرم‌ترین

ادامه در صفحه ۲۵

حزب تودهٔ ایران حملهٔ نظامی سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران به پایگاه‌های حزب‌ها و سازمان‌های کُرد ایرانی مخالف حکومت ایران در کردستان عراق را به‌شدّت محکوم می‌کند

به گزارش تأیید شدهٔ رسانه‌ها، روز پنجشنبه ۱۸ شهریور پایگاه‌های حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی کُرد ایرانی در کردستان عراق مورد حملهٔ پهپادی و توپخانه‌یی »سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «قرار گرفت. سپاه پاسداران رسماً اعلام کرده است که در این تهاجم نظامی جنایتکارانه، که چند روز پیاپی ادامه داشت، با پهپاد و سلاح‌های هوشمند به مقر چهار حزب مخالف حکومت اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق در شمال آن کشور حمله کرده است. حزب دمکرات کردستان ایران نیز اعلام کرده است که در جریان مقاومت و پاسخ این حزب به حمله‌های سپاه پاسداران در روز دوشنبه 22 شهریور، پیشمرگه‌های این حزب چهار پهپاد مهاجمان را سرنگون کرده‌اند. این حمله‌ها فقط چند روز پس از دیدار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، از مناطق مرزی شمال‌غرب ایران در روز 15 شهریور، و تهدید او به "حملات کوبنده" علیه حزب‌های سیاسی کُرد مخالف جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت.

خالد عزیزی، دبیرکل حزب دمکرات کردستان، در اظهاراتی دربارهٔ درگیری‌های خطرناک و اقدام نظامی رژیم سرکوبگر ولایی، که خبرگزاری "العربیه" آن را منتشر کرده، گفت: "این اولین حملهٔ نیروهای جمهوری اسلامی ایران به این مناطق نیست. در سال‌های گذشته هم به مناسبت‌های مختلف به این مناطق حمله کرده‌اند. موقعیت استراتژیک و کوهستانی این مناطق سبب شده که مقرهای پیشمرگ‌ها در موقعیت خوبی قرار بگیرند و در این حملات تلفات جانی نداشته باشیم، ولی خسارت‌هایی به طبیعت و مناطق مسکونی وارد شده است." او دلیل این حمله‌ها را تلاش حکومت اسلامی ایران برای به خشونت کشاندن مبارزات مدنی در کردستان ایران و همچنین منحرف‌کردن افکار عمومی از بحران‌های داخلی حکومت عنوان کرد.

به گزارش العربیه، یکشنبه ۲۸ شهریور، محمدحسین باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، در مراسم معرفی جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، به دولت‌های عراق و اقلیم کردستان عراق هشدار داد که باید با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران برخورد کنند. او تهدید کرده بود که هیچ‌گونه فعالیت نیروهای کُرد ایرانی اپوزیسیون را "در این مرزها تحمل نمی‌کنیم." او همچنین از قصد ایران برای ادامهٔ یورش به حزب‌های کُرد مخالف جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق خبر داد.

نکتهٔ قابل‌توجه دیگر، سفر اخیر مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، به تهران است. این سفر در روز یکشنبه ۲۱ شهریور صورت گرفت، یعنی در زمانی که نیروهای سپاه پاسداران به بمباران مناطق کردستان عراق به وسیلهٔ پهپاد و گلوله‌های هوشمند توپخانه مشغول بودند. نخست‌وزیر عراق در ملاقات خود با ابراهیم رئیسی نه‌تنها اعتراض، بلکه کوچک‌ترین اشاره‌ای هم به این حمله‌ها نکرد.

آنچه امروزه از لحاظ حمله‌های رژیم ولایی ایران به نیروهای مخالف در کردستان ایران و به تبع آن در کردستان عراق می‌گذرد، جدا از آنچه در کل ایران می‌گذرد نیست. رژیم ولایی پس از استقرار حاکمیت خود از طریق به کار بستن سیاست جنایتکارانهٔ حذف جسمانی و قهرآمیز همهٔ نیروهای مخالف و دگراندیش در سال‌های اوّل بعد از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، سیاست تمامیت‌خواهانه و خودکامانه‌ای را در سراسر ایران، به‌ویژه در مناطق محل زندگی اقلیت‌های ملی پیش برده است. آنچه اکنون در سرکوب نیروهای کُرد می‌بینیم، در واقع ادامهٔ لشکرکشی به مناطق کُردنشین ایران در سال ۱۳۵۸ و سرکوب همهٔ نیروهای مردمی در آن مناطق است. در تمام چهل و دو سال گذشته، این سیاست در تمام مناطق ایران و به قصد سرکوب خشن خواست‌های قانونی و طبیعی همهٔ خلق‌های ساکن ایران، در چهار گوشهٔ آن، به پیش برده شده است.

در مجموع باید گفت که همان‌طور که در چهار دههٔ اخیر شاهد بوده‌ایم، سرکوبگری و حمله‌های نظامی راه‌حلی عملی برای مسائل ملی و قومی نیست. اقوام و خلق‌های ساکن ایران حق دارند حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی خود را در حکومت‌های محلی خود و در رهبری دولت‌های محلی خود قرار دهند. راه‌حل‌های تمامیت‌خواهانه‌ای که نیروهای هوادار اسلام سیاسی در ایران پیش می‌برند، همان‌طور که در چهار دههٔ اخیر ثابت شده است، راه به جایی نخواهد برد.

سران رژیم دیکتاتوری اسلامی تمامیت‌خواه حمله‌های نظامی خود را مقابله با "شیطنت‌های" حزب‌ها و سازمان‌های کُرد ایرانی که به عنوان پناهندهٔ سیاسی در اقلیم کردستان عراق در شمال آن ساکن هستند، اعلام و توجیه می‌کنند. ولی در واقعیت امر، بین فعالیت به طور عمده مدنی-تشکیلاتی نیروهای کُرد در ایران و حمله‌های نظامی همه‌جانبهٔ مرگبار رژیم ولایی علیه این نیروها هیچ توازنی وجود ندارد. نیروهای نظامی-امنیتی سرکوبگر رژیم اسلامی ایران در برخورد با فعالان و مبارزان کُرد با خشونت و شدّت عمل وحشیانه‌ای عمل کرده‌اند. آنها از بمب‌افکن‌های نظامی و پهپادهای مدرن نظامی برای سرکوب نیروهای مخالف استفاده می‌کنند که خسارت‌های جانی و مالی و طبیعی عظیمی در این مناطق به بار می‌آورد. عملکرد رژیم ولایی ایران ناقض پیمان‌های بین‌المللی است. البته این نیز حقیقتی است که نه‌فقط در این مورد، بلکه اصولاً رعایت پیمان‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی هرگز برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت و ضمانت اجرایی نداشته است.

حزب تودهٔ ایران همواره از مبارزهٔ خلق کُرد و دیگر خلق‌ها و نیروهای ملی دموکراتیک آنها دفاع کرده است و می‌کند. ما موافق حق خودمختاری محلی اقلیت کُرد و دیگر خلق‌های ساکن ایران، در چارچوب ایران واحد و در دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک برای همهٔ زحمتکشان هستیم.

حزب تودهٔ ایران همراه با همهٔ نیروهای ملی و دموکرات ایران، بمباران پایگاه‌ها و دفترهای حزب‌ها و سازمان‌های کُرد ایرانی در خاک عراق را به‌شدّت محکوم می‌کند. این یورش نظامی جنایتکارانهٔ سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران نه‌فقط اقدامی ضدانسانی بلکه نقض آشکار قوانین و پیمان‌های بین‌المللی و تمامیت ارضی و حق حاکمیت کشور همسایه عراق نیز محسوب می‌شود.

ما دولت مرکزی عراق (و همچنین مقام‌های دولتی اقلیم کردستان عراق) را فرامی‌خوانیم که در چارچوب وظایف خود در مقام کشور و دولتی مستقل، و به‌مثابه عضو سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، در مقابل عملیات نظامی سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران موضع‌گیری کنند و مانع تعرّض نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به مخالفان خود در خاک عراق شوند. ما همچنین سازمان ملل متحد و نهادهای تابع آن را فرامی‌خوانیم که به وظیفهٔ خود در مورد پناهندگان کُرد که در اردوگاه‌ها و مقرهای خود در کردستان عراق ساکن‌اند عمل کنند، و به حملات مکرر فرامرزی جمهوری اسلامی ایران به درون قلمرو اقلیم کردستان عراق اعتراض کنند. هر گونه کوتاهی و تعلل در این مورد می‌تواند به ادامه یافتن و بالا گرفتن شعله‌های درگیری‌های تازه در این منطقهٔ حساس منطقه بینجامد.

حزب تودهٔ ایران
۱ مهر ۱۴۰۰

وعده‌های توخالی و عوام‌فریبانهٔ رئیسی دربارهٔ بحران مسکن

مشکل مسکن در میهن ما روز به‌روز بحرانی‌تر و دست‌یابی به مسکن برای اکثر قریب‌به‌اتفاق مردم به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل شده است. بحران مسکن به آن‌چنان مرحله‌ای رسیده است که رژیم دیگر نمی‌تواند درباره‌اش سکوت کند، به‌طوری که امروزه صفحات روزنامه‌ها بیشتر از گذشته مطالبی پیرامون مشکل مسکن را به‌خود اختصاص داده‌اند. هرچند امروز در میهن‌مان قشرهای گوناگون جامعه از کمبود، و بهتر می‌توان گفت، نبود مسکن و افزایش بی‌رویه کرایه‌خانه‌های کمرشکن رنج می‌برند، اما در این میان، به‌ویژه جوانان کارگر و زحمتکش بیشتر از دیگران این بار سنگین را بر دوش خود احساس می‌کنند. بسیاری از جوانان خواستار تشکیل خانواده و ایجاد زندگی مستقل خودشان هستند و اولین شرط لازم نیز برای آغاز زندگی‌ای مشترک داشتن یک سرپناه و مسکن مناسب است، ولی رژیم جمهوری اسلامی آن‌چنان شرایطی را به‌وجود آورده است که اگر یک زوج جوان هر دو کاری ثابت و درآمدی حتی بالاتر از حداقل خط فقر هم داشته باشند، باز مجموع درآمدشان نه‌تنها خرید خانه را برای آنان به یک رؤیا تبدیل می‌سازد، بلکه حتی کفاف اجاره‌بهای یک مسکن اجاره‌ای را هم نمی‌دهد و این تنها یک قلم از مخارج گوناگونی است که بر دوش خانواده‌های جوان سنگینی می‌کند. این مسئله سبب شده است که بسیاری از جوانان به‌دلیل هزینه‌های سرسام‌آور اجاره خانه‌ها و یا خرید خانه، امکان تشکیل زندگی مشترک را نداشته باشند.

در همین رابطه "خبر آنلاین" می‌نویسد: "بازار مسکن همواره با تقاضاهای جدیدی مواجه است که عمده‌ترین این تقاضاها ناشی از ازدواج است. ... [و] ازآنجایی‌که در ده سال اخیر، به‌صورت میانگین ۷۸۳ هزار ازدواج رخ داده است، می‌توان گفت بازار مسکن باید پاسخگوی این تعداد تقاضای جدید باشد.

"اما این نکته قابل اهمیت است که میزان ازدواج در کشور به شرایط اقتصادی خانواده‌ها وابستگی بسیاری دارد. در این بین تأمین مسکن نقش بسیار اساسی دارد؛ یعنی اگر تأمین مسکن به سهولت و با هزینه‌های کمتری ممکن شود، بی شک آمار ازدواج در کشور با رشد قابل‌توجهی رو به‌رو خواهد شد. بنابراین یک روش دیگر برای محاسبه مسکن موردنیاز کشور برای عرضه به تقاضاهای ناشی از ازدواج، در نظر گرفتن تعداد ازدواج‌های ممکن در کشور است. بر همین اساس مطابق با سرشماری ۱۳۹۵، حدود ۱۴ میلیون نفر مرد هرگز ازدواج نکرده در بازهٔ سنی ۱۰ سال و بیشتر در کشور وجود دارد که تا سال ۱۴۰۵- با احتساب مرگ‌ومیر- حدود ۱۲ میلیون نفر از آن‌ها به سن بالای ۲۰ سال خواهند رسید. طبعاً برای تشکیل خانواده و نیاز به مسکن این ۱۲ میلیون نفر، می‌بایست پیش‌بینی‌های لازم صورت پذیرد" [خبرآنلاین، ۷ خردادماه ۱۴۰۰].

سران رژیم خود نیز اعتراف می‌کنند که مشکل مسکن در چند سال آینده هرچه بیشتر تشدید خواهد شد. در همین مورد نیز خبر آنلاین می‌نویسد، "برای حل مشکل عرضه مسکن کشور تا سال ۱۴۰۵، الزام است از سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۴ بیش از ۶ میلیون واحد مسکونی تولید و به بازار عرضه گردد. بنابراین میزان نیاز واقعی کشور تولید ۱٫۵ میلیون واحد در سال است و ادامه روند فعلی بدون ایجاد جهش در ساخت مسکن نمی‌تواند مشکلی از مشکلات بازار مسکن کشور حل کند" [همانجا]. با این حال، رژیم با ترفندها و وعده‌های گوناگون و عوام‌فریبانه تلاش می‌کند از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کند. تشکیل کمیسیون‌های گوناگون و ارائه "طرح" هایی جدید از قبیل ساخت‌وسازهای انبوه مانند "مسکن مهر"، وعده‌های بی‌حاصلی است که درعمل ناکارایی‌شان را نشان داده‌اند. درواقع دولت برای حل مسئله مسکن نه‌تنها هیچ برنامه‌ای ندارد بلکه به‌دلیل سرشت سیاست‌های اقتصادی‌اش نمی‌تواند برنامه‌ای داشته باشد، زیرا مشکل مسکن مانند بسیاری از مشکلات دیگر اقتصادی و اجتماعی کشورمان برآمده از سیاست‌های ضد مردمی و ضد ملی و غارتگرانه رژیم است و در چارچوب سیستم حکومتی کنونی نمی‌تواند حل شود. در رابطه با چنین وعده‌های بی‌پایه، افشین پروین‌پور، عضو ستاد انتخاباتی سید ابراهیم رئیسی، از تدوین طرح ویژه مسکن در برنامه اقتصادی رئیسی در جریان کارزار انتخاباتی او خبر داده و گفته بود: "در طرح جدید قرار است طی ۴ سال آینده ۴ میلیون واحد مسکونی ساخته شود؛ برای تأمین مالی این طرح از منابع بانکی با طراحی یک تیم مالی خیلی قوی اقدام خواهد شد" [ایرنا، ۱۱ خردادماه ۱۴۰۰].

در مورد وعده‌های بی‌پایه و غیرکارشناسانهٔ رئیس‌جمهور جدید ایران، رئیسی، برای ساختن هرسال یک میلیون واحد مسکونی تا ۴ سال آینده که خود مقداری بسیار پایین‌تر از نیازهای جامعه است و حتی در صورت "موفقیت" هم کشور ما همچنان با کمبودی بین ۲ تا ۶ میلیون واحد مسکونی دیگر در سال‌های نزدیک روبرو خواهد بود. مسئله چگونگی تأمین بودجه و توان دولت با در نظر گرفتن تورم لجام‌گسیخته در کشور و چگونگی ایجاد تدارکات و امکانات لازم، اجرایی کردن این طرح نیز با اماواگرها و تردیدهایی جدی روبرو شده است که حتی هشدارهای سران

رژیم را نیز به‌همراه داشته است. در همین رابطه علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، در سخنرانی نماز جمعه‌اش و با آگاهی از این مسئله که نارضایتی‌ها از سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی رو به‌فزونی است، ضمن هشدار، گفت: "دولتمردان باید به‌منظور بازسازی اعتماد مردم، سعی کنند حتی‌الامکان از وعده دادن خودداری کنند و پس از اینکه کاری را انجام دادند، بگویند کار را انجام دادیم. از قبل وعده ندهند؛ چراکه در صورت عدم تحقق وعده‌ها اعتماد مردم بیشتر لطمه می‌خورد." او اضافه کرد: "همچنین دولت وعده ساخت یک میلیون مسکن در یک سال را داده است. یعنی در تیرماه ۱۴۰۱ باید یک میلیون مسکن در این کشور ساخته شده باشد، در غیر این صورت اعتماد مردم از بین می‌رود" [سایت خبری قطره، ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۰].

اخیراً بانک مسکن نیز در اطلاعیه‌ای فریبکارانه "از افزایش سقف تسهیلات مسکن جوانان از ۴۰۰ میلیون تومان به ۱ میلیارد تومان خبر داد" [ایلنا، ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۰]. ولی این وام در شرایط عادی پس از ۱۵ سال در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد که بنا به‌همین گزارش "بازپرداخت این تسهیلات ۲۰ ساله و نرخ سود آن برای اقساط 5 ساله ۶ درصد و بیش از آن ۹ درصد است یعنی فرد متقاضی در طول ۲۰ سال حدود ۲ میلیارد و ۱۶۰ میلیون تومان به بانک مسکن باید برگرداند یعنی سودی بیش از ۵۰ درصد برای بانک مسکن که البته این سود فارغ از سود سپرده‌گذاری ماهانه متقاضی است که باید در ۵ سال اول ۲۰۰ هزار تومان، در ۵ سال دوم ۳۰۰ هزار تومان و ۵ سال آخر ۴۰۰ هزار تومان به‌حساب واریز شود" [همانجا].

این به مفهوم یک کلاه‌برداری‌ای آشکار دیگر و غارت آخرین ذخیره‌های مالی مردمی است که در زمره آسیب‌پذیرترین و نیازمندترین قشرهای جامعه‌اند.

احمد حاتمی یزد، کارشناس مسائل پولی و بانکی، نیز به غیرعملی بودن و فریبکارانه بودن آن اشاره می‌کند و می‌گوید: "افراد برای دریافت وام یک میلیارد تومانی باید در ۱۸۰ ماه باید بیش از ۶۰ میلیون تومان سپرده‌گذاری کرده باشند. ... البته هرچند سپرده‌گذاری با این پول هم در این مدت‌زمان ارزش زیادی ندارد اما در پایان ۱۵ سال ارزش همین پول هم به کمتر از ۶ میلیون تومان می‌رسد و باید پرسید درصورت استقبال، بانک مسکن از چه منابعی قرار است وام یک میلیارد تومانی را بپردازد. البته اساساً در مدت ۱۵ سال مشخص نیست در سیاست‌های بانک مسکن چه تحولاتی رخ دهد و این وعده تا چه حد محقق شود" [همانجا].

واقعیت این است که بحران مسکن در ایران در درآمیختگی اقتصاد ایران با اجرای سیاست‌های نولیبرالی و رهاسازی بخش‌های اقتصادی ازجمله بخش مسکن، و سپردن آن به دست سوداگران اقتصادی ریشه دارد. دولت هاشمی رفسنجانی زیر نام "دولت سازندگی"، آغازگر سیاست‌های به‌اصطلاح تعدیل اقتصادی-اجرای سیاست‌های نولیبرالی- بود و دولت‌های بعدی نیز با سرعت بیشتری این سیاست‌ها را ادامه داده‌اند که نتیجه آن افزایش بحران‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی حاکم بر کشور بوده است. هرچند رژیم جمهوری اسلامی تحریم‌های اقتصادی را عامل این بحران‌ها معرفی می‌کند، ولی تحریم‌ها بحران‌ها را فقط تشدید کرده‌اند اما علت بنیادی آن‌ها نیستند. نباید این را فراموش کرد که بحران مسکن بحرانی نیست که با تحریم‌ها آغاز شده باشد. بحران مسکن مشکلی بزرگ در اقتصاد کشور است که بسیار پیش از تشدید تحریم‌ها شروع شده است. ازاین‌روی، تا زمانی که تغییرهایی بنیادی در سیاست‌های اقتصادی ایران رخ ندهد و تا زمانی که سیاست‌های نولیبرالی الگوی اقتصادی کشور باشد، امیدی به حل بحران‌های روز افزون اقتصادی و درنتیجه بحران مسکن در کشور وجود نخواهد داشت. چنین است وضع مسکن کارگران و به‌ویژه کارگران و زحمتکشان جوان ایران در کشور در لوای حاکمیت ولایت فقیه، رژیمی ضد ملی، غیردمکراتیک و چپاولگر که تمامی ثروت‌های ملی کشور را به‌غارت برده است. بسیاری از راهکارهای گوناگونی که از سوی مسئولان و کارشناسان تا کنون ارائه شده‌اند بسیار بی‌پایه و موقتی بوده‌اند و هستند و درعمل هم در جهت تأمین منافع بزرگ مالکان مسکن و سوداگران مالی طراحی شده و می‌شوند که هیچ‌کدام از آن‌ها در راستای تحقق عدالت اجتماعی و بهبود زندگی مردم صورت نگرفته‌اند. این راهکارها نه‌تنها نمی‌توانند بحران مسکن را کاهش دهند، بلکه به شکاف طبقاتی و نابرابری‌های اقتصادی هرچه بیشتر دامن خواهند زد.

زنان افغانستان قربانیان بازی «برد - برد» امپریالیسم

لیز پین، عضو هیئت اجرائیهٔ "مجمع ملی زنان بریتانیا"، استدلال می‌کند که تصرف کردن منابع طبیعی افغانستان و بی‌ثبات کردن سیاسی منطقه محور اصلی بازی میان‌مدت ایالات‌متحده در افغانستان است.

چهار دهه پیش، حزب "دموکراتیک خلق افغانستان" حکومت را در دست داشت. دولت غیرمذهبی و سکولار بود و شکل حکومت جمهوری. در اواخر سال‌های دهه ۱۹۷۰ /۱۳۴۹ و در سال‌های دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۹، حاکمیت دولت حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیشرفت‌هایی عظیم برای مردم افغانستان و به‌ویژه زنان افغان به‌همراه داشت. این تا زمانی بود که ایالات‌متحده و متحدانش ازجمله بریتانیا، ناتو، دیکتاتوری‌های مذهبی حاکم در ایران و عربستان سعودی، و سرویس‌های مخفی پاکستان به‌همراه ارتجاعی‌ترین نیروهای افغانستان این حکومت را به‌طرزی شرم‌آور در سال ۱۹۹۲ / ۱۳۷۱ سرنگون کردند.

از سال‌های دهه ۱۹۲۰ / ۱۲۹۹ برای رهایی زنان از قرن‌ها فرمان‌برداری فئودالی و رفتارهای غیرانسانی اقدام‌هایی جدی آغاز شده بود که از انقلاب ۱۹۱۷/۱۲۹۶ عمیقاً متأثر بود، انقلابی که جمهوری‌ای سوسیالیستی را با امپراتوری روسیه تزاری، همسایه شمالی افغانستان، جایگزین کرده بود و افغانستان در ۱۹۲۱ / ۱۳۰۰ با آن پیمان دوستی امضا کرد.

با گذشت زمان تلاش برای تأمین حقوق برابر برای زنان از طریق فعالیت‌های جنبش بانفوذ زنان افغان به‌پیش برده شد. زنان برای نخستین بار در اوایل سال‌های دهه ۱۹۵۰ / ۱۳۲۹ در دانشگاه کابل پذیرفته شدند. قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۶۴/ ۱۳۴۳، حداقل در روی کاغذ، حق رأی دادن، کار کردن در مشاغل دولتی، ورود به مشاغل حرفه‌ای و کشف حجاب در مکان‌های عمومی را به‌رسمیت شناخت. بااین‌همه، این حقوق بسیار به‌ندرت درعمل تحقق می‌یافت به‌ویژه در مناطق روستایی و نه فقط هم در مناطق روستائی. دولت حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصمم بود که این حقوق را دائمی کند. در راستای استقرار حقوق زنان و همچنین ایجاد زیرساخت‌های کشور در مسیری دموکراتیک و مسالمت‌آمیز، توسعه خدمات عمومی، دسترسی همگانی به تحصیل علم و مراقبت‌های بهداشتی و ریشه‌کنی فقر گام‌هایی بلند برداشته شد. این جنبش در سال ۱۹۸۸ / ۱۳۶۷ و زمانی مشاهده شد که "فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان" (" ("WIDFهیئتی را به افغانستان فرستاد که باربارا سویتزر رئیس وقت " مجمع ملی زنان "(تأسیس ۸ مارس ۱۹۵۲ / ۱۷ اسفند ۱۳۳۰) در آن شرکت داشت.

این حرکت در سال ۱۹۹۲ / ۱۳۷۱ بدون هیچ دلیلی جز کنترل ژئوپولیتیکی افغانستان و به‌هدف دست یافتن به منابع ارزشمند آن از جانب امپریالیسم ایالات‌متحده و با بی‌اعتنایی به زیان‌هایی که برای مردم در مسیر گذارشان از فئودالیسم داشت، متوقف شد. برای زنان افغانستان توقف این حرکت یک فاجعه بود و راه را برای طالبان باز کرد و بنیادگرایان بی‌رحم اسلامی را که در پاکستان آموزش دیده بودند توانستند در سال ۱۹۹۶ / ۱۳۷۵ قدرت را به‌دست گیرند و قوانین شرع را تحمیل کنند. این امر مبارزه زنان به‌ضد خشونت و برای حقوق برابر را ده‌ها سال برای عقب انداخت. ولی از نظر غرب، رژیم جدید طالبان می‌توانست هرگونه گرایش مترقی در افغانستان را به‌شدت سرکوب کند، بدون این‌که ایالات‌متحده و متحدانش به‌خود زحمتی بدهند. امپریالیسم درعین‌حال این بهانه را در اختیار داشت که چنانچه طرح‌های سلطه‌طلبانه‌اش ایجاب کند به‌طورمستقیم در افغانستان مداخله کند. نگرانی برای حقوق زنان و دموکراسی و پیشرفت توده مردم در تفکر امپریالیستی به‌هیچ‌وجه به‌چشم نمی‌خورد.

پنج سال بعد، در پی حمله القاعده به مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱/۲۰ شهریورماه ۱۳۸۰، ایالات‌متحده و متحدانش بار دیگر مداخله مستقیم در افغانستان را که به‌اصطلاح "جنگ علیه تروریسم" خوانده می‌شود، انتخاب کردند، هرچند که عربستان سعودی آشکارا خاستگاه بیشتر فرماندهان و جنگجویان القاعده و تأمین کننده مالی آن‌ها بود.

با حمله به پایگاه‌های القاعده در مجتمع غارهای "تورا بورا" در شرق افغانستان در نزدیکی مرز پاکستان، هدف واقعی که مداخله فاجعه‌بار بود آشکار شد: بیرون راندن طالبان (که وظیفه‌اش در قبال امپریالیسم در رساندن آن به هدف‌هایش را انجام داده بودند) و به مسند حکومت نشاندن رژیمی طرفدار ایالات‌متحده با حمایت ارتش امپریالیستی‌ای بین‌المللی و اشغالگر در کابل. این امر ۲۰ سال جنگ را موجب شد که طی آن افغانستان ویران گردید.

افکار عمومی را در سراسر جهان با این افسانه تغذیه می‌کردند که این همه به‌نوعی در پی شکست دادن القاعده بوده است و از حمایت‌های بشردوستانه از مردم و دفاع از حقوق زنان مکرر صحبت می‌کردند. با این حال کسانی که در سراسر جهان علیه جنگ در افغانستان و برای دستیابی مردم افغانستان به حق تعیین سرنوشت‌شان مبارزه می‌کنند این "توجیه" را کاملاً رد کردند.

درستی موضع‌گیری آنان در انجام چنین کاری اکنون ثابت شده است. جان بولتون- سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) و مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸)- در هفته‌های اخیر قاطعانه گفته است عملیات ایالات‌متحده در افغانستان نه در حمایت از مردم این کشور و نه برای آوردن دموکراسی و نه به‌خاطر کمک بلاعوض بوده بلکه فقط برای منافع ایالات‌متحده بوده است. در پرتو این واقعیت، ما باید در "شکست" نامیدن خروج آمریکا و متحدانش دقت کنیم. بازگرداندن برنامه‌ریزی شدهٔ طالبان به حکومت، برای ایالات‌متحده مزایای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک فراوانی به‌همراه دارد. سه رئیس‌جمهور یعنی اوباما، ترامپ، و بایدن، در طول چند سال اخیر برای بیرون کشیدن نیروهای‌شان و متمرکز کردن‌شان در نقاطی دیگر ازجمله در سواحل آسیا و اقیانوسیه به‌منظور رویارویی فزاینده‌شان با چین، تلاش کرده‌اند. جنگ بی‌امان در افغانستان بهره‌برداری از ذخایر غنی مواد معدنی برای جایگزین کردن سوخت نفتی با نیروی برق در وسایل نقلیه را امکان نداده است. این گذار تکنولوژیکی‌ای چند تریلیون دلاری است که انحصارهای بزرگ و دولت‌های امپریالیستی مصمم به در دست گرفتن آن هستند.

وجود بزرگ‌ترین منبع لیتیوم (منبع اصلی اولیه برای ساختن باتری‌ها) در هر کشوری به این معنی است که این کشور را می‌توان یک "عربستان سعودی جدید" نامید و چشم جهان به‌دنبال آن خواهد بود. تا آنجا که به غرب مربوط می‌شود، طالبان همچنین نیرویی بالقوه برای صدور بی‌ثباتی شدید اسلامی به همسایگان و رقبایش (در شمال، جمهوری‌های شوروی سابق متحد کنونی با فدراسیون روسیه، و در شرق استان‌های غربی چین) به‌شمار می‌آید. غرب همچنین می‌تواند اطمینان پیدا کند که هرگونه حرکت ترقی‌خواهانه در سراسر منطقه تهدید و خنثی خواهد شد و خاورمیانه را کماکان بی‌ثبات می‌توان نگاه داشت تا ایالات‌متحده، بریتانیا، و متحدان‌شان بتوانند استراتژی‌های‌شان را آن طور که می‌خواهند اجرا کنند. به همین دلیل همان‌طور که حوادث ماه اوت/ مرداد- شهریور سال جاری نشان داد ایالات‌متحده به‌دنبال مذاکراتی طولانی با طالبان،بازگشت‌شان به قدرت را بدون توجه به تأثیر آن بر زندگی مردم افغانستان و وحشت آن برای زنان این کشور برنامه‌ریزی کردند.

زنان افغانستان حق دارند که از وضع مجدد قوانین شرع از سوی طالبان بهراسند و اعلامیه‌های آنان مبنی بر اینکه اگر زنان این قوانین را رعایت کنند در امان خواهند بود را رد کنند. بسیاری از زنان جنایت‌های پیشین طالبان و اقدام‌های آنان در ضدیت با زنان را به‌یاد دارند. حمله‌های فیزیکی، تجاوز به‌عنف، حمله‌های جنسی، ازدواج‌های اجباری، ازدواج با کودکان و محروم کردن آنان از تحصیل، کار، و فعالیت‌های اجتماعی در خلال چند روز اخیر آنچه را که در پیش است را نشان می‌دهند.

وضعیت زنان در لوای قوانین شرع از سال ۱۹۷۹ / ۱۳۵۸ در کشور همسایه یعنی ایران، گواه زنده‌ای دیگر از ظلم و نفرت‌پراکنی بنیادگرایی افسارگسیخته اسلامی است. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران- وابسته به فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان (-(WIDFدر بیانیه اخیر خود در همبستگی با زنان افغانستان گفته است":ما، مردم ایران و افغانستان... هر دو حامل زخم‌هایی هستیم که اسلام سیاسی، با عقب‌ماندگی و زن‌ستیزی به‌عنوان ویژگی اصلی آن، بر ما وارد کرده است". رهبری فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان از همه زنان جهان خواسته است تا در دفاع از حقوق زنان افغانستان، در کنار آن‌ها باشند. به گفته صحرا کریمی، فیلم‌ساز مشهور افغان، ما باید صدای آن‌ها در خارج از مرزهای افغانستان باشیم. یعنی به‌طور علنی و مکرر نشان داده شود که ایالات‌متحده و بریتانیا هرگز به زنان و دختران آنجا اهمیتی نداده و نمی‌دهند. به این معنی که با هرگونه مداخله دیگر از سوی دولت‌های‌مان در افغانستان مخالفت شود و هرگونه فشار ممکن را بر دولت بریتانیا وارد کنیم تا مشارکت مسموم بریتانیا با آمریکا و عضویتش در ناتو قطع گردد که همچنین به‌معنای همبستگی با زنان افغانستان و سازمان‌های آنان و با تمام جریان‌های مترقی در حمایت از مبارزه مردم علیه فقر، جنگ و تبعیض و برای آینده‌ای دموکراتیک و صلح‌آمیز است [این مقاله نخست در نشریه "خواهران"، ارگان "مجمع ملی زنان" ، منتشر شده است].

ضرورت مقابلهٔ متحد و متشکل با یورش دولت جدید به حقوق کارگران

باوجود یورش گستردهٔ رژیم ولایی به معیشت، امنیت شغلی و حقوق زحمتکشان، مبارزهٔ تحسین برانگیز کارگران و زحمتکشان همچنان ادامه دارد. روزهای ۲۷ و ۳۰ شهریورماه آموزگاران کشورمان تجمعات گسترده‌ای در تعدادی از شهرهای کشور برگزار کردند. خواسته‌های اصلی آموزگاران افزایش دستمزدها و عمل به وعدهٔ قبلی کارگزاران رژیم مبنی بر اجرای طرح رتبه‌بندی و افزایش حقوق معلمان آموزش‌وپرورش به‌میزان ۸۰ درصد دستمزد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور بود. با راه‌اندازی کارزاری در اعتراض به تبعیض بین بازنشستگان، روز ۳۰ شهریورماه، بازنشستگان کارگری خواستار یکپارچه‌سازی شرایط زندگی بازنشستگان شدند. کارنامه‌سبزها، که قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش‌وپرورش هستند، با سفر به تهران از شهرهای مختلف، روز ۲۸ شهریورماه به شانزدهمین روز تحصن شبانه‌روزی و متوالی‌شان در مقابل آموزش‌وپروش ادامه دادند. باردیگر روز ۲۸ شهریورماه، بازنشستگان فولاد به تجمعات اعتراضی یکشنبه‌های خود هم‌زمان در استان‌های تهران، خوزستان و اصفهان ادامه دادند و خواستار "برخورداری از مستمری‌ای بالاتر از خط فقر، درمان رایگان، و اصلاح احکام همسان‌سازی حقوق" شدند. روز ۲۷ شهریورماه در پاسخ به سئوال صداوسیما که حقوق معلمان چه میزان افزایش یافته است؟ کاظمی سرپرست وزارت آموزش‌وپرورش گفت: دلیلی وجود ندارد که اعلام کنم چه میزان افزایش اعمال شده است. کاظمی از رسانه‌ها خواست که به این موضوع ورود نکنند؛ چرا که میزان افزایش حقوق هر معلم به خودش مربوط است. ۲۹ شهریورماه، معلمان بازنشستهٔ سال ۹۹ با تأکید بر کاهش ارزش پول، به ایلنا گفتند: تمام امیدمان به همین پاداش پایان خدمت است.

هنگامی‌که سیاست‌های ضد کارگری دولت رئیسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، یادآوری مختصری از عملکرد دولت مردم‌ستیز احمدی‌نژاد و برنامه‌های فاجعه‌آفرین دولت روحانی خالی از فایده نخواهد بود. اجرای فاز اول قانون هدفمندی یارانه‌ها تمجید صندوق بین‌المللی پول را به همراه داشت، و مطابق گفتهٔ احمدی‌نژاد: گام دیگری در اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور بود. با وصف اجرای خشن‌تر این قانون از سوی روحانی برای آزادسازی کامل اقتصاد، تشدید خصوصی‌سازی و ارزان‌سازی نیروی کار جهت فربه کردن سرمایه‌داری انگلی وطنی و جذب سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی، کاستن شدید از ارزش پول ملی، مهمان‌نوازی از هیئت‌های متعدد نمایندگی صندوق بین‌المللی پول بین سال‌های ۹۲ و ۹۶ و اجرای دستورات آن‌ها با هدف بازگشت به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، مطابق گزارش ۲۱ شهریورماه ایسنا: "در پنج ماه امسال حجم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت، معدن و تجارت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۴ درصد کاهش داشته و امارات، ترکیه و افغانستان بیشترین حجم سرمایه‌گذاری را در کشور انجام داده‌اند." هیئت نمایندگی اعزامی صندوق در اردیبهشت‌ماه ۹۵، خواهان خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی بود؛ مطابق خواسته اتاق بازرگانی و گزارش ۲۴ تیرماه روزنامه اعتماد، رئیسی "واگذاری بنگاه‌های دولتی را آغاز مسیر نظارت و حمایت دولت از بخش خصوصی" عنوان کرد. با رشد جنبش کارگری و با خیزش‌های توده‌ای ۹۶ و ۹۸، رئیسی با همراهی قوهٔ قضائیه و وزیر کار عبدالملکی، به‌عنوان تهدیدی به جنبش کارگری، یورش وسیعی به معیشت و اندوخته‌های کارگران در تأمین اجتماعی، از توافقی و منطقه‌ای کردن دستمزد، اجرای طرح منحوس "استاد- شاگردی"، تلاش به کاهش یا حذف پرداخت حق بیمه از سوی کارفرمایان و اجرای اصلاحات پارامتریک بیمه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی گرفته تا آرا و اصلاحیه‌های جدید دیوان به‌اصطلاح عدالت، با هدف یورش به معیشت کارگران را آغاز کرده است.

سیاست‌های اقتصادی رئیسی، عبدالملکی، و مجلس پیشبرد اقتصاد واپسگرایانه و صدقه‌ای نهادهای خیریه‌ای و انگلی است. درحالی که بنا به‌گفتهٔ ۳۰ شهریورماه قائم‌مقام سازمان نظام پرستاری، سال‌هاست که قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و مصوبه تبدیل وضعیت کلیهٔ نیروهای شرکتی و طرحی بر زمین مانده، و دانشگاه‌های علوم پزشکی هنگام اوج گرفتن کرونا اطلاعیه جذب پرستار ۸۹ روزه می‌دهند و با فروکش کردن آن با این نیروها تسویه‌حساب می‌کنند، یعنی ماهیانه رژیم دستبرد حداقل ۸ میلیون تومانی به سفره‌های پرستاران می‌زند، روز ۱۰ شهریورماه عبدالملکی دستور پرداخت به‌اصطلاح "هدیهٔ یک‌میلیون تومانی به "۵۰ هزار کادر درمان تأمین اجتماعی را داد. در شرایطی که در بهترین حالت دستمزد ۴ میلیون تومان در ماه کارگران و بازنشستگان یک‌سوم خط فقر حداقلی ۱۲ میلیون تومان در ماه است، و مطابق گزارش ۲۲ شهریورماه ایلنا، نرخ تورم نقطه‌ای۵۸٫۴ درصدی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها "ابرتورم واقعی" یا براساس تعریف، "تورم افسارگسیخته و غیرقابل‌مهار" خوانده می‌شود، عبدالملکی، در پاسخ به خواسته ترمیم دستمزد کارگران وعدهٔ مدیریت نرخ تورم را می‌دهد، و هدف مسعود میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه، اجرای سیاست‌های انقباضی به‌منظور جلوگیری از کسری بودجهٔ دولت است. میرکاظمی همچنین در پیش‌نویس لایحه بودجه میزان افزایش حقوق سال ۱۴۰۱ را ۱۰ درصد پیش‌بینی کرده است. در یورش‌های دیگری به معیشت کارگران، مطابق گزارش ۲۸ شهریورماه ایلنا، اخیراً دیوان عدالت اداری بعد از سپری شدن نزدیک به دو سال از صدور رأی قبلی‌اش و با ترفند "سهو قلم"، اصلاحیه و رأی به کاهش "قابل‌توجهی" از میزان مبلغ سنوات دریافتی کارگران داده است. در این مورد یک مشاور حقوقی به ایلنا گفت: کارگران به‌راستی از اصلاحیه‌های مکرر دیوان عدالت به‌ستوه آمده‌اند. در اصلاحیهٔ دیگری با هدف یورش به معیشت زحمتکشان، مطابق گزارش ۲۹ شهریورماه ایلنا، نهاد ارتجاعی دیوان عدالت اداری حق شکایت کارگرانی "که چندین ماه حقوق و دستمزد نگرفته‌اند" را محدود کرد. یک کارشناس و مشاور روابط کار به ایلنا گفت: "دلیل صدور این آرای متناقض و اصلاحیه‌های مکرر این است که افرادی که در فرایند تصمیم‌سازی دیوان عدالت مداخله دارند، متأسفانه اِشراف کافی به حقوق کار ندارند." اول شهریورماه عبدالملکی وعدهٔ اجرای "اصلاحات پارامتریک بیمه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی" را به نمایندگان مجلس داده بود؛ حسن صادقی، معاون دبیرکل خانهٔ کارگر و کارگزار رانت‌خوار رژیم، به‌عنوان عضو هیئت‌امنای سازمان تأمین اجتماعی، ۲۲ شهریورماه، در یادداشتی بر لزوم "اجرای اصلاحات سیستماتیک و پارامتریک" در تأمین اجتماعی برای "رفع مشکلات سازمان" تأکید کرد. به‌رغم رد پیشنهادترمیم دستمزد از سوی عبدالملکی، روز ۲۳ شهریورماه حسن صادقی همچنین "وضعیت معیشتی و رفاه کارگر را دغدغه اصلی" عبدالملکی عنوان کرد. در تلاش‌های قبلی رژیم برای به‌اصطلاح اصلاح قانون کار- مثلاً در دولت اول روحانی و وزیر کار امنیتی او علی ربیعی- رژیم تلاش کرد به کارگران بر اساس "بهره‌وری"ای که کارگر داشته دستمزد پرداخت کند. علاوه بر تأکید عبدالملکی به استفاده از این شیوهٔ بهره‌کشی، هدف او اصلاح قانون کار نیز است. در این مورد روز ۳۰ شهریورماه، دبیر اول کمیسیون اجتماعی مجلس، بهروزی‌فر، به برنامه چشم‌انداز صداوسیما گفت: هم مجلس و هم دولت سیزدهم آمادگی لازم را برای اصلاح قانون کار و تغییر آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را دارند.

روز ۱۰ شهریورماه عبدالملکی با وجود میلیون‌ها فارغ‌التحصیل دانشگاهی و کارگر متخصص و ماهر بیکار و با ترفند "کارآفرینی" و تأکید بر "فقر مهارتی "جویندگان کار، مهارت را "یکی از حلقه‌های مفقوده‌ی زنجیره‌ی ارزش" در حل مشکل بیکاری عنوان کرد. و روز ۲۳ شهریورماه مدیرکل کار استان هرمزگان به پرداخت ۳۰ درصدی یارانهٔ دستمزد به کارفرمایان به‌منظور جذب فارغ‌التحصیلان بیکار توسط دولت تأکید کرد. در نقش آشکار اصل مترقی طبقه‌بندی مشاغل، این پویه و طرح اتاق بازرگانی برای احیای شیوهٔ منحوس "استاد- شاگردی" بود و قبل از انتخابات فرمایشی رژیم، به رئیسی ارائه شده بود. درواقع این شیوهٔ بهره‌کشی‌ای بود که تاچر، نخست‌وزیر نولیبرال انگلستان، نیز از جوانان انگلیسی می‌کرد. جالب این‌جاست که روز ۲۷ شهریورماه خود عبدالملکی در تاجیکستان و در دیدار با وزیر کار آن کشور گفت: "جمهوری اسلامی ایران، دارای نیروی انسانی ماهر و متخصص در همه حوزه‌هاست. آمادگی داریم پیش‌نویس موافقت‌نامه تبادل نیروی کار ماهر و متخصص بین دو کشور را برای شما ارسال کنیم." این اولین بار نیست که این شیوهٔ بهره‌کشی از نیروی کار توسط رژیم فاسد ولایی امتحان می‌شود؛

ادامه در صفحه ۲۲

ادامه ضرورت مقابلهٔ متحد...

درواقع هدف رژیم گسترش این شیوه به تمام عرصه‌های تولید، درمان، آموزش و خدمات است.

بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به‌دستور بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و ویران کردن تولید ملی و بیکار کردن ده‌ها هزار کارگر متخصص و ماهر با هدف ارزان‌سازی نیروی کار و یورش به تمامی حقوق راستین کارگران زیر پوشش بهانهٔ "فقر مهارتی" جویندگان کار در کشور، وزیر کار احمدی‌نژاد دستورالعمل "آموزش مهارت‌آموزی به روش استاد-شاگردی نوین" را برای اجرا به سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و مدیران کل ادارات کار استان‌ها ابلاغ کرد. در این ابلاغیه به‌صراحت اشاره شده بود که "حداقل دستمزد و بیمه تأمین اجتماعی، الزامی نیست." مطابق گزارش خبرگزاری مهر، ۳۱ تیرماه ۱۳۲۹، و در گزارش خود احمدی‌نژاد به خامنه‌ای و دیگر کارگزاران رژیم، او "قانون هدفمندی یارانه‌ها را گام دیگری در اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور برشمرد" و افزود: "صندوق بین‌المللی پول، روش ایرانی هدفمندی یارانه‌ها را بهترین روش معرفی و به دیگر کشورها اجرای آن را توصیه کرد." به‌دنبال اعتراضات شدید کارگران، علی ربیعی حکم ابطال این طرح قرون‌وسطایی را داد.

در ارتباط با طرح‌های عبدالملکی، رئیسی، مجلس، "موسسه خیریهٔ نذر اشتغال امام حسین"، و اتاق بازرگانی برای تحمیل مزد توافقی و منطقه‌ای و طرح‌های "استاد- شاگردی" و پرداخت دستمزد بر اساس "بهره‌وری کارگر"، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی روزهای ۲۲، ۲۴، ۲۸، و ۳۱ مرداد و ۳۰ شهریورماه گفت‌وگوهایی با ایلنا داشتند و چهره‌های خاصی با مانورهایی از این طرح‌ها به‌اصطلاح "انتقادهایی" کرده‌اند. به‌عنوان نمونه روز ۲۲ مردادماه، رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت: "تأکید بر مهارت‌آموزی و اشتغال بدون حقوق آن‌هم برای نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده، به‌غایت دردناک است... به جوانان نیروی کار می‌گویند شما چیزی نمی‌دانید! مهارت ندارید! باید بروید در قالب نظام استادشاگردی کار کنید." بعد از ابلاغ حکم ابطال طرح استاد-شاگردی، ربیعی با نسخه‌برداری از طرح "کارآموزی نیروی جوان" تاچر، نخست‌وزیر نولیبرال بریتانیا و یکی از رهبران سیاست تعدیل ساختاری دنیا، به اجرای طرح "کارورزی" آغاز کرد. مانند گسترش استفاده از پیمانکاران و دلالان نیروی کار به تمامی عرصه‌های تولید، آموزش، درمان و خدمات، دولت‌های روحانی علاوه بر بهره‌کشی و استثمار جوانان تحصیل‌کرده و کارگران در کارخانه‌های تولیدی، به‌تدریج این طرح ضد ملی را حتا به عرصه‌های کار زحمتکشان در درمان و آموزش نیز گسترش داده‌اند. به‌عنوان یک نمونه، روز ۱۰ مردادماه ۱۴۰۰، پزشکان عمومی و دانشجویان پزشکی در شهرهای تهران، شیراز، کرمان، مشهد، کرمانشاه، و همدان با برگزاری تجمعات اعتراضی در محوطه‌های دانشگاه علوم پزشکی این شهرها اعتراض شدیدشان را به وضعیت شغلی و معیشتی اعلام کردند. یکی از شعارهای معترضان عبارت بود از: "کارورزی کارورزی، قانون برده‌داری". در زمان تاچر، دولت بریتانیا همه هزینه‌های طرح "کارآموزی نیروی جوان" را پرداخت می‌کرد، و در طرح اتاق بازرگانی و عبدالملکی، هدف رژیم ولایی پرداخت یارانهٔ دستمزد ۳۰ درصدی به کارفرمایان است. در حال حاضر تأمین اجتماعی در شرایط وخیم مالی است. اول شهریورماه عبدالملکی با بیان اینکه "کارفرمایان خواهان یارانه بیمه کارگران هستند تا اشتغال را رسمی کنند"، همچنین گفت: اصلاح هزینه بیمه می‌تواند به کارفرمایان کمک کند.

در رابطه با ترفند "فقر مهارتی" جویندگان کار، اشاره‌ای به نحوهٔ حل معضل بیکاری در دولت‌های روحانی و دو وزیر کار او و همچنین به‌اصطلاح پویهٔ تکاملی این سیاست بر اساس گزارش‌های رسمی و رسانه‌های رژیم را لازم می‌بینیم. روز ۱۶ مهرماه ۱۳۹۳، خبرگزاری مهر در مورد بیکاری نوشت: "رئیس‌جمهور [روحانی] بیکاری را ام‌المفاصد خواند و... تعداد بیکاران مطلق کشور را ۲ میلیون ۵۳۰ هزار نفر" عنوان کرد؛ این خبرگزاری همچنین افزود: "اما برخی مقامات ارشد دولت تدبیر و امید خبر از بیکاری ۶ میلیون نفری نیز می‌دهند." تقریباً یک ماه بعد، روز ۱۰ آبان‌ماه ۹۳، خبرگزاری مهر نوشت: حدود ۵۰ درصد از کل بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. یک ماه بعد روز ۱۱ آذرماه ۹۳، وزیر کار ربیعی به ایلنا گفت: خوشبختانه نیروی کار ایران به‌طور عام تحصیل‌کرده هستند و از مهارت‌های خوبی برخوردارند. اما چند ماه بعد، روز ۱۷ خردادماه ۹۴، ربیعی در به‌اصطلاح "سومین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال" به ایسنا می‌گوید: راه‌حل اشتغال توانمندسازی و مهارت‌افزایی است. با گذشت زمان مقصر دانستن جوانان بیکار همچنان ادامه می‌یابد و حتا تشدید نیز می‌شود. روز ۲ تیرماه ۹۸، شریعتمداری، وزیر کار دور دوم ریاست جمهوری روحانی، حتا با غلو بیشتر به ایسنا می‌گوید: "باید به سمت مهارت‌آموزی و مبارزه با فقر مهارتی برویم. ... درحال حاضر تقاضا برای به‌کارگیری کارگران، کارکنان و نیروهای با مهارت بالا در صنایع به‌شدت در حال افزایش است." جالب این‌جاست که رهبران تشکل‌های زرد حکومتی انتقادی به روحانی و وزیر کار امنیتی و خانهٔ کارگری او یعنی ربیعی و یا به شریعتمداری در مورد استثمار نیروی کار توسط طرح "کارورزی-استادشاگردی" نمی‌کردند. دفاع از کارگران و حقوق آنان باید صادقانه و واقعی باشد!

علاوه بر اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگران در صنایع تولیدی و نفت و دیگر زحمتکشان شاغل در بخش‌های آموزش و درمان، مبارزهٔ زحمتکشان علیه سیاست‌ها و بهره‌کشی وحشیانهٔ رژیم به‌طور آشکار ادامه دارد. در دیدار رئیسی با کارگران معدن زغال‌سنگ طبس در هفته سوم شهریورماه که به‌اصطلاح "مشکلات آن‌ها را از زبان خودشان بشنود"، بنا بر گزارش ۲۱ شهریورماه ایلنا، "یکی از کارگران با آشفتگی و بی‌اعتمادی‌ای که در نگاه و صحبت‌هایش بود" به رئیسی گفت: "کی مشکلات ما حل می‌شود؟" کارگر پیمانکاری که از جوابی که از رئیسی شنیده بود "راضی به‌نظر نمی‌رسید" بازهم تکرار کرد: "چگونه؟ کی؟ ما صدها بار نامه زدیم، نوشتیم و گفتیم، حتی من به‌عنوان نماینده‌ی بچه‌ها اخراج و به اطلاعات طبس فرستاده شدم؛ فقط به خاطر اینکه از حقوق بچه‌ها دفاع می‌کردم." رئیسی در پاسخ گفت: "من از همین الان به مدت ۲۰ روز به پیمانکاران وقت می‌دهم تا وضعیت کارگران را متحول کنند؛ اگر تا ۲۰ روز دیگر این کار را انجام ندهند، من می‌دانم چه اقدامی انجام دهم." جالب این‌جاست که مانند وعده‌های مشابهی که به کارگران تعدادی از کارخانه‌های خصوصی‌سازی شده داده بود، در دیدار با کارگران "ماهر" و بیکار کارخانه قند یاسوج در اسفندماه ۹۹، مطابق گزارش ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۰ ایلنا، رئیسی "سریعاً دستور آغاز بکار کارخانه" را داده بود؛ اما "هنوز هیچ اقدامی از سوی سهامدار کارخانه که یکی از بانک‌های خصوصی است، انجام نشده" است. ۳۰۰ کارگر کارخانه هنوز بیکار هستند و "بخش زیادی از ماشین‌آلات... به‌عنوان ضایعات فروخته شده و بخش دیگری به سرقت رفته است." به‌عبارت دیگر، وعدهٔ رئیسی به کارگران زغال‌سنگ طبس نیز فریبی بیش نیست. در عملکرد مشابهی توسط مجلس رژیم، به‌رغم ساختن سد محکمی در طرح "ساماندهی کارکنان دولت" در مقابل استخدام رسمی، مانند "آزمون عمومی و تخصصی و طی مراحل گزینش و آموزش در بدو خدمت، برای مدت حداقل سه و حداکثر شش سال"، این طرح مجلس که در پاییز ۹۹ تدوین شده بود و وعدهٔ اجرای قانون "کار یکسان- مزد یکسان" و به‌اصطلاح تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری و ارکان ثالثی صنایع نفت را می‌داد، روز ۲۲ شهریورماه در کمیسیون اجتماعی مجلس تصویب شد؛ اما روز ۲۳ شهریورماه، "به دلیل بار مالی" رد شد. یا در یورش مهلک دیگری برای نابود کردن سازمان تأمین اجتماعی و به‌رغم "عدم انطباق با اصل ۷۵ قانون اساسی" رژیم در مورد "تأمین هزینهٔ جدید"، روز ۲۷ شهریورماه طرح "تقویت امنیت غذایی کشور و رفع موانع تولیدات کشاورزی" در مجلس تصویب شد؛ و رئیس مجلس قالیباف در این مورد گفت: "امروز مردم عزیز بدانند با موافقت شورای نگهبان با طرح امنیت غذایی، این قانون علاوه بر امنیت ملی، در امنیت غذایی، سلامت، تولید و توزیع و کنترل قیمت‌ها نیز بسیار مؤثر است."

با آنچه مورداشاره قرار دادیم به‌خوبی می‌توان ماهیت و ابعاد یورش گستردهٔ رژیم ولایت فقیه به حقوق و منافع کارگران را تشخیص داده و دریافت. در حین چپاول منابع ملی کشورمان، برای تضمین بقای "نظام"، رژیم ولایی و کارگزاران فاسد آن حاضر به اجرای برنامه‌های اقتصادی خانمان‌سوز به سود تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داران و سرمایهٔ خارجی هستند. با مبارزه‌ای متحد و پیگیر، باید به سرکوب، بهره‌کشی وحشیانه از زحمتکشان، و به تاراج منابع ملی‌مان توسط رژیم فاسد ولایی و تقدیم کشورمان به بیگانگان خاتمه داد.

راست‌گراهای تندرو و خشونت‌طلب به دفترهای حزب کمونیست در هند حمله کردند

نوشته ویجی پرشاد - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱/ ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۰

برگزاری تظاهرات اعتراضی در آگارتالا در محکومیت خشونت‌های اعمال شده از سوی "حزب مردم هند" (بی‌جی‌پی [BJP]حزب حاکم هند). به دفترهای حزب کمونیست هند (مارکسیست) ازجمله دفتر اصلی ایالتی آن، به‌طوراز پیش برنامه‌ریزی‌شده از سوی گروهی از اعضای حزب مردم حمله شد. وحشیانه‌ترین حمله به دفتر کمیته ایالتی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در آگارتالا بود. گروهی از اعضای حزب مردم هند-حزب راست‌گرای حاکم- در روز ۸ سپتامبر/ ۱۷ شهریورماه به سه ساختمان در منطقه ملارمات شهر آگارتالا در ایالت تریپورا حمله کردند. دفتر حزب کمونیست هند (مارکسیست)، روزنامه کمونیستی "دشار کارتا"، و دو ساختمان شرکت‌های رسانه‌ای خصوصی "پراتیبادی کلام" و "پ ان ۲۴" (PN24هدف این حمله‌ها قرار گرفتند. خشونت در روز روشن و درحالی رخ داد که پلیس حضور داشت اما ایستاده بود و تماشا می‌کرد. در سراسر تریپورا به ۵۴ دفتر دیگر کمونیست‌ها نیز حمله شد.

حزب کمونیست و آن دو مؤسسه رسانه‌ای جزو منتقدان حکومت ایالتی تریپورا به‌رهبری حزب مردم هند هستند. در اعتراض به سیاست‌های این حکومت سازمان‌های مختلف و حزب کمونیست اخیراً به خیابان آمدند که با حمایت چشمگیر مردم روبرو شد. بخش عمده جبهه چپ را که از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷) و از ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۸ (۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷) در این ایالت حکومت می‌کرد حزب کمونیست هند (مارکسیست) تشکیل می‌دهد.

تنها چند روز پیش از این حمله‌ها مانیک سارکر، از وزیران ارشد سابق و از رهبران حزب کمونیست (مارکسیست)، در حوزه انتخابیه‌اش در دانپور قرار بود سخنرانی کند. فعالان و کارمندان حزب حاکم مردم هند سعی کردند از ورود خودروی سارکر به شهر دانپور جلوگیری کنند. سارکر به‌همراه چند نفر از کادرهای حزب مجبور شدند ۶ کیلومتر راه را پیاده طی کنند تا از دو مانعی که سد راه‌شان شده بود عبور کنند. این گردهمایی عمومی بخشی از مبارزات گسترده کمونیستی علیه حزب حاکم مردم هند بود.

از سال ۲۰۱۸/ ۱۳۹۷ حمله‌ها به حزب کمونیست هند (مارکسیست) به روندی عادی تبدیل شده است. کمونیست‌ها در تریپورا گزارش می‌دهند که بین ماه مارس ۲۰۱۸ / ۱۳۹۷ و سپتامبر ۲۰۲۰/ ۱۳۹۹، تعداد ۱۳۹ دفتر از دفترهای حزب به‌آتش کشیده شدند و ۳۴۶ دفتر حزب، ۲۰۰ دفتر سازمان‌های توده‌ای، و خانه‌های ۱۹۰ نفر از کادرهای حزب آماج حمله‌های تخریبی بوده‌اند. به منزل‌های ۲ هزار و ۸۷۱ نفر از کارگران حزبی حمله شده و بر ۲ هزار و ۶۵۶ نفر از کارگران حزبی ضرب و جرح جسمانی وارد شده است و ۱۸ نفر از رهبران و کادرهای حزب نیز به‌قتل رسیده‌اند. مردم و سازمان‌های پراحساس از گوشه و کنار جهان ازجمله "مجمع بین‌المللی مردم جهان" حمله‌ها به نیروهای چپ هند را تقبیح و محکوم کرده‌اند.

خشونت‌گرایی سیاسی راست‌گراها در سراسر جهان امری عادی شده است

آنچه در ایالت تریپورا در شمال شرق هند با ۳/۶ میلیون نفر جمعیت رخ داد، در عصر ما به وجهی عادی از "دموکراسی" تبدیل شده است. خشونت سیاسی راست‌گراها به‌ضد کسانی که بازتاب دهندهٔ صدا و خواست‌های مردم‌اند در حال حاضر امری عادی شده است. تنها چند هفته پیش از حمله‌ها در تریپورا، یکی از رهبران اتحادیه‌های کارگری در آفریقای جنوبی به‌طرزی وحشتناک کشته شد. در ۱۹ اوت/۲۸ مرداد سال جاری "مالیبونگوه مدازو" که در آستانه ورودی دادگاه میانجیگری و داوری راستنبورگ در آفریقای جنوبی ایستاده بود، به‌ضرب گلوله کشته شد. مدازو، رهبر اتحادیه ملی فلزکاران آفریقای جنوبی (NUMSA)یک ماه پیش از به‌قتل رسیدن اعتصاب هفت هزارنفری کارگران شرکت پلاتین ایمپالا- دومین تولید کننده بزرگ پلاتین در جهان- را رهبری کرده بود.

ترور سیاسی مدازو ۹ سال پس از کشتار وحشتناک ۳۴ معدنچی در ماریکانا رخ داد. این کارگران در معدن‌های پلاتین به‌مدیریت شرکت معدنکاری انگلیسی لونمین کار می‌کردند. منطقه معادن پلاتین در آفریقای جنوبی نه‌تنها به‌دلیل کشته شدن مدازو و کشتار ماریکانا، بلکه به‌دلیل این‌گونه روش‌های وحشتناک و

خشن حل‌وفصل کشمکش‌های صنعتی در بین شرکت‌های معدنی ازجمله اتحادیه‌های رقیب، دچار تنش شده است.

این فعالان اتحادیه‌های کارگری‌ای همچون مدازو، رهبران سیاسی، و سازمان دهندگان جامعه افرادی هستند که درصدد بالا بردن اعتماد به‌نفس مردم هستند. هنگامی‌که این رهبران ترور می‌شوند یا ساختمان‌ها سوزانده می‌شوند، شعله‌ها رو به خاموشی می‌روند. کسانی که این اعمال خشونت‌زا را انجام می‌دهند، انتظار دارند که شعله‌های مقاومت مردم هم خاموش شود و مردم تسلیم شوند و دیگر اعتمادی به توانایی‌شان به تغییر جهان نداشته باشند. ولی این فقط یکی از نتیجه‌های چنین خشونت‌های سیاسی است. نتیجه‌ای دیگر هم نیز به همان اندازه محتمل است، و آن این‌که این مرگ‌ها و این خشونت‌ها برانگیخته شدن روحیه مقاومت و شجاعتی بیشتر را در مردم موجب شود. زهنگامی‌که کارمندان و عوامل حزب حاکم مردم هند به دفتر حزب کمونیست هند (مارکسیست) حمله کردند، سعی کردند تا مجسمه داشرات دب (۱۹۱۶-۱۹۹۸/ ۱۲۹۵- ۱۳۷۷)، رهبر مبارزه آزادی‌طلبانه تریپورا علیه آخرین سلطان این ایالت، را درهم شکنند. دب در خانواده دهقانی‌ای تهیدست به‌دنیا آمده بود که ریشه در فرهنگ بومی تریپورا داشت. او رهبر کمونیستی بود که از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ / ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ و در مقام یک وزیر ارشد برای دموکراتیزه کردن همه جوانب زندگی در تریپورا مبارزه کرد. پیشرفت‌های چشمگیر انسانی این ایالت در اثر مبارزات به‌رهبری دب و سپس دولت جبهه چپ به‌رهبری مانیک سارکر انجام گرفت. هنگامی‌که کمونیست‌ها در سال ۲۰۱۸ / ۱۳۹۷ از حکومت کنار رفتند، ۹۷ درصد جمعیت این ایالت باسواد بودند که حاصل ارائه آموزش رایگان همگانی (ازجمله کتاب‌های آموزشی رایگان) و کارزار برق‌رسانی‌ای بزرگ بود (۹۰ درصد از خانه‌های این ایالت از برق استفاده می‌کنند).

زمانی که حزب مردم هند (بی‌جی‌پی) در این ایالت به‌قدرت رسید، افراد این حزب مجسمه‌های دب را شکستند و به تابلوهایی که بانام او همراه بود حمله کردند. خصومت ورزیدن به دب که رهبر یک قبیله بومی هم بود، نشان دهنده دشمنی اعضای حزب حاکم مردم هند نه‌فقط با نیروهای چپ بود، بلکه در بر دارندهٔ پیامی به قبیله‌ها و اقوام تحت ستم منطقه بود که در برابر حاکمیت جامعه‌های تاریخی مقتدر باید زانو بزنند.

این تنها خشونتی سیاسی نیست، بلکه خشونتی است که ریشه اجتماعی هم دارد، خشونتی همسان با خشونتی است که بر ضد افرادی مانند رهبران گاریفونا در هندوراس و رهبران آفریقایی‌تبار کلمبیا اعمال می‌شود یعنی آنانی که جرئت می‌کنند سرشان را بالا بگیرند و جهان‌شان را آن‌گونه که می‌خواهند بسازند. گزارش جدید سازمان جهانیگروه حقوق بشری و محیط زیستی "گلوبال ویتنس" (Global Witness)زیر عنوان آخرین خط دفاعی، نشان می‌دهد که تعداد زیادی از فعالان بومی در سال ۲۰۲۰ / ۱۳۹۹ به‌قتل رسیدند (تعداد ۲۲۷ نفر یا بیش از ۴ نفر در هر هفته). نیمی از این قربانیان تنها در سه کشور کلمبیا، مکزیک، و فیلیپین بودند و همه آنان به‌خاطر دفاع از کرامت انسانی و حفظ طبیعت مبارزه می‌کردند.

آنیل سارکر، یکی از شاعران بزرگ تریپورا و از رهبران حزب کمونیست، بیشتر طول عمر ادبی و سیاسی‌اش را به پژواک فریادها و تصویر سرنوشت "کاست"های تحت ستم (دالیت یا نجس‌ها) این ایالت گذراند. شعر قدرتمند سارکر نشان می‌داد که نیروهای اجتماعی قدیمی دیگر نمی‌توانند مانند گذشته بر جامعه تسلط داشته باشند. او می‌گفت مردمان تحت ستم نه‌تنها همچون دکتر آمبدکار رهبرانی بزرگ دارند، بلکه میراث‌دار کارل مارکس و جنبش چپ نیز هستند.

آغاز به کار مرکز اسناد و دیدگاه های حزب تودهٔ ایران

راه اندازی سایت مرکز اسناد و دیدگاه های حزب تودهٔ ایران آغاز کاری سترگ برای جمع آوری اسناد و انبوه نشریات کتاب ها و مجلات حزب تودهٔ ایران در هشتاد سال گذشته است. به گمان ما سایت کنونی تنها آغازی برای این کار است که ما آنرا با یاری گرفتن از رفقا و دوستان حزب و منابع تدارک دیده ایم. امیدواریم در طول زمان با یاری رفقا، هواداران و دوستان حزب این مجموعه را هرچه غنی تر کنیم. مرکز اسناد و دیدگاه های حزب تودهٔ ایران در حال حاضر شامل بخش های زیرین است:

- اسناد کنگره ها و کنفرانس های حزب تودهٔ ایران
- اسناد مربوط به تمامی نشست های کمیتهٔ مرکزی از آغاز تا به امروز
- دوره های مختلف ارگان مرکزی حزب (”مردم“ و ”نامه مردم“)
- دوره های مختلف مجلهٔ ”دنیا“ ارگان تئوریک کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
- دیگر نشریه های حزبی: شامل اولین دورهٔ ”نامهٔ مردم“ که به شکل مجلهٔ تئوریک-نظری حزب آغاز به کار کرد؛ نشریهٔ ”رزم ماهیانه“ ، برخی شماره های نشریهٔ ”ظفر“، ارگان شورای متحدهٔ مرکزی اتحادیه های کارگری و زحمتکشان ایران؛ نشریهٔ ”پیکار“ برای دانشجویان که کار خود را از خرداد ۱۳۵۰ آغاز کرد؛ نشریهٔ ”نوید“ ارثیه گرانقدر رفیق جان باخته رحمان هاتفی (مهرگان) که در یکی از حساس ترین دوره های تاریخ معاصر میهن ما کار خود را آغاز کرد و تا پیروزی انقلاب بهمن توانست نقش بسزایی در بردن اندیشه های مترقی در جنبش ، انقلابی رو به رشد کشور ایفاء کند؛ نخستین دورهٔ نشریهٔ ”راه توده“ که از مرداد ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۲ منتشر شد. با یورش رژیم به حزب و دستگیری شمار بسیاری از رهبری حزب ”راه توده“ به عنوان ارگان کمیتهٔ برون مرزی حزب تودهٔ ایران به فعالیت خود ادامه داد.
- صفحه ویژه ای برای فرزانهٔ فرهیخته، رفیق زنده یاد احسان طبری و آثار پربار او اختصاص داده شده است
- صفحه ای شامل برخی کتاب ها و متون کلاسیک مارکسیم و همچنین شماری از انتشارات سالهای اخیر حزب
- گالری چهره های برجستهٔ جنبش کمونیستی و شهدای حزب تودهٔ ایران

جشن هشتاد سالگی حزب توده ها در سامانه زوم

تاریخ شنبه ۹ اکتبر از ساعت ۱۹به وقت اروپای مرکزی، ۲۱/۳۰ به وقت ایران و ساعت ۱۳ به وقت شرق آمریکا
برنامه شامل:

- **سخنرانی رفیق محمد امیدوار، سخنگوی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران،**
- **سخنرانی رفیق عادلهٔ چرنیک بلند، صدر فرقهٔ دموکرات آذربایجان**
- **پیام های ویدئویی از صدر حزب کمونیست فرانسه؛ نمایندهٔ رهبری حزب کمونیست یونان و عضو پارلمان اروپا؛ نمایندهٔ رهبری حزب کمونیست قبرس**
- **برنامه هنری و اجرای سه قطعه آهنگ و آواز ایرانی**
- **سخنرانی نماینده حزب چپ ایران (فدائیان خلق)**
- **سخنرانی رفیق شهین دوستدار، از سوی تشکیلات دموکراتیک زنان ایران**
- **پیام ویدئویی از دبیران کل حزب کمونیست عراق، و حزب کمونیست بریتانیا**
- **خاطراتی از هشتاد سال مبارزه و زندان**
- **برنامه هنری و اجرای سه قطعه آهنگ**
- **شعر «به فردا »از زنده یاد رفیق محمد زهری و شعر «امید» اثر زنده یاد رفیق احسان طبری**

نشست به صورت «وبینار» در سامانهٔ زوم برگزار خواهد شد و همزمان از کانال فیس بوک و یوتیوب حزب نیز پخش مستقیم خواهد شد. آدرس نشست به قرار زیر است

https://us02web.zoom.us/j/86017034259?pwd=SzFlZzYxSE40VHp1bTFZWTBKeEg5UT09

ادامه سودان انقلابی در حال...

دلیل غرب، با اینکه رژیم دیکتاتوری اسلام سیاسی را متحد خیلی خوب خود می‌دانست، با شرمندگی مجبور به پشتیبانی از انقلاب شد.

انقلاب‌ها در کشورهای پیرامونی اغلب از نظر سیاسی دموکراسی‌خواه بوده‌اند، اما هرگز درون‌مایهٔ طبقاتی آن را از نظر دور نداشتند، زیرا خواستار عدالت اجتماعی و توسعهٔ عادلانه بودند و سرمایه‌داران تجاری انگلی، نظامیان بلندپایه ثروتمند، و زمین‌داران بزرگ را دشمنان خود می‌شمردند.

هنگامی که بحران سیاسی-اجتماعی و اقتصادی به از کار افتادن نظام حاکم منتهی شد و آن را فلج و دوامش را ناممکن کرد، انقلاب در برابر صدها سال بهره‌کشی و کسب اضافه‌ارزش از راه‌های خشونت‌آمیز (برده‌داری، استعمار، نواستعمار، و امپریالیسم جهانی کنونی) توسط لایه‌های قدرتمند و ممتاز طبقهٔ حاکم محلی، با پیشتازانی از درون بخش‌های ستم‌دیده، محروم، و آسیب‌پذیر جامعه به حرکت درآمد.

س: پس از آوریل ۲۰۱۹/فروردین ۱۳۹۸، جبهه "نیروهای آزادی و تغییر" با ارتش وارد گفت‌وگو شد و با شورای نظامی انتقالی به توافق سیاسی دست یافت. حزب کمونیست سودان با این گفت‌وگوها مخالف بود و در نوامبر ۲۰۲۰ از آن جبهه خارج شد. آیا می‌توانید در مورد آن توافق سیاسی و اینکه چرا حزب کمونیست سودان خروج از جبهه را انتخاب کرد اطلاعات بیشتری به ما بدهید؟

ج: برخی از حزب‌ها و نهادهای مشاغل حرفه‌یی در جبهه، پیشنهاد "فرود نرم" را که پرینستون لیمان، سفیر آمریکا در سودان و فرستادهٔ ویژه آن کشور در سودان مطرح کرد، پذیرفتند. "فرود نرم" به معنای توافقی بود برای گذار به دولتی که با همکاری نمایندگان نظامی و غیرنظامی گردانده شود. در این توافق، نظم اقتصادی گذشته دست‌نخورده باقی می‌ماند و هیچ اقدام قانونی علیه نظامیانی که در کشتارهای جمعی دست داشتند نمی‌شد. این بخش از نیروهای پیش‌گفته در جبهه "نیروهای آزادی و تغییر" روند گفتگوها را زیر کنترل خود درآورد و از تشکیل "شورای نظامی انتقالی" که در واقع ساختهٔ عمر البشیر بود، در الگوی تقسیم قدرت که هیچ ربطی با خواست‌های انقلاب نداشت، با خرسندی استقبال کرد.

حزب کمونیست سودان کم‌وبیش به‌تنهایی در برابر این رویکرد ارتجاعی ایستاد و نادرستی‌های این الگو را به مردم نشان داد. آن الگو اکنون به تسلط آشکار شورای نظامی منتهی شده است که در برابر بی‌عملی و سازشکاری بخش غیرنظامی شورا، فرمان‌ها و قوانین کاملاً جانبدارانه‌ای دربارهٔ موضوع‌های سیاسی و اقتصادی صادر می‌کند. بخش نظامی حالا به طبقه‌ای برای خودش تبدیل شده و مالک صدها شرکت شده است که پیش از این در مالکیت دولت بودند و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را فراهم می‌کردند (چارپایان اهلی، صمغ عربی، دانه‌های روغنی). این گروه پیوندهای مرموزی با فعالیت‌های قاچاق شبه‌نظامیان از جمله در قاچاق طلا و پولشویی دارد.

حزب کمونیست سودان در نوامبر ۲۰۲۰/آبان ۱۳۹۹ از ائتلاف "نیروهای آزادی و تغییر" خارج شد و شرکت در نهادهای اجرایی انتقالی دولت را تحریم کرد. دلایل اصلی دست برداشتن حزب ما از حمایت دولت انتقالی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

زیر پا گذاشتن پیوستهٔ قانون اساسی‌ای که ائتلاف "نیروهای آزادی و تغییر" امضا کرده بود، و اشتباه‌های فاجعه‌بار ناشی از آن که با خواست‌های انقلاب ناهمخوانی دارد و آن را به عقب می‌برد.

تصویب عمدی چشم‌اندازها، راهبردها، و راهکارهایی که برخلاف خواست‌های انقلاب در راه ساختارشکنی نظام اقتصادی و سیاسی کهنه است.

سُستی و کُندی در محاکمه کردن مُجرمان نظام پیشین و تعلل در، یا خودداری کردن از، تسلیم کردن عمر البشیر به دادگاه بین‌المللی کیفری.

روند بسیار کُند و کینه‌توزانه در تکمیل تحقیق دربارهٔ کشتار وحشیانهٔ معترضان بَست‌نشین مسالمت‌آمیز در مرکز ستاد فرماندهی نظامی در ژوئن ۲۰۱۹/خرداد ۱۳۹۸.

اجرای توافق‌نامهٔ ناکامل و غیرمسئولانهٔ "صلح جوبا" که نظامیان بلندپایه به‌تنهایی و به‌جای نخست‌وزیر تدوین و برنامه‌ریزی کرده بودند.

انتصاب وزیران دولت بدون در نظر گرفتن شایستگی‌های آنها، و غنیمت جنگی دانستن این موقعیت‌های ممتاز.

مهم‌تر از همه اینکه الگوی مشارکت با ارتش، که در واقع قدرت را به آنها واگذار می‌کند، زخم دیگری بر زخم تسلیم شدن در برابر زورگویی و نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول افزوده است. این نسخه‌ها شامل خصوصی‌سازی بیشتر بخش دولتی، گشودن بیشتر اقتصاد کشور بر روی شرکت‌های فراملی، آزاد کردن نرخ تبدیل پوند سودان، واجرا کردن سیاست‌های ریاضتی است، که یارانه‌ها را از تولید گاز، بنزین، دارو، برق، و آب حذف می‌کند.

س: در شرایط کنونی، جنبش مردم در چه وضعی است و کدام سازمان‌ها و بخش‌های جامعه در پیش راندن این جنبش نقش عمده را بر عهده دارند؟

ج: وضعیت اقتصادی اکنون بدتر از دورهٔ پیش از انقلاب دسامبر ۲۰۱۸ است. استراتژی‌ها و سیاست‌های نولیبرالی دولت انتقالی (مؤلفه‌های نظامی و غیرنظامی) زیر فشار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و به‌رغم خواست‌های توده‌ها، به تورّم بسیار زیاد قیمت کالاهای اساسی و دارو، و کاهش ارزش پول ملی انجامیده است. سطح زندگی مردم در حدّ فلاکت‌باری است و بیش از ۹۵درصد مردم در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

حزب کمونیست سودان در کانون نیروهایی است که در برابر بسیاری از سیاست‌ها و قوانینی که با قانون اساسی مصوّب هم‌راستا نیستند مقاومت می‌کنند. کارگران و اتحادیه‌های کارگری برای تصویب قانون جدیدی مبارزه می‌کنند که استقلال و دموکراتیک بودن اتحادیه‌های کارگری را تضمین خواهد کرد. دولت انتقالی به‌تازگی قانون امنیتی سرکوبگرانه‌ای را مطرح کرده است. همچنین، همین دولت زیر پوشش همکاری بین بخش خصوصی و بخش دولتی، قانون خصوصی‌سازی جدیدی را پیشنهاد کرده است که تمام واحدهای بخش دولتی را از بین خواهد برد.

با توجه به موارد متعدد پایمال شدن قانون اساسی، حزب کمونیست سودان به‌تازگی شعار "سرنگونی دولت انتقالی کنونی" را مطرح کرده و به سازمان‌دهی جبهه‌ای اقدام کرده است که پویندگی انقلاب به جلو را ادامه خواهد داد. نیروهای سیاسی موافق سرنگونی دولت انتقالی و تحقق کامل خواست‌های انقلاب عبارتند از: حزب کمونیست سودان و چند حزب دیگر، نیروهای "کمیته‌های مقاومت" که در همهٔ شهرها تشکیل شده‌اند، بخشی از "انجمن مشاغل حرفه‌یی" که از گروه اصلی جدا شده است، گروه‌هایی از "خانواده‌های جان‌باختگان" و شماری از اعضای به طور عمده جوان دو حزب اصلی سنّتی.

ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

درودهای خود را به رفقای توده‌ای تقدیم می‌کنیم. حزب تودهٔ ایران به مثابه جانشین و ادامه دهندهٔ راه حزب کمونیست ایران، بازتاب دهندهٔ آرزوها و آرمان‌های مردم ایران در مقابل دخالت‌های امپریالیستی و تهدیدهای همیشگی آن به تجاوز بوده است. ما از شرایط دشوار مبارزهٔ مردم ایران در سراسر تاریخ معاصر آگاهی داریم. نقش پیشاهنگ حزب تودهٔ ایران و تلاش بی‌وقفهٔ آن برای ترویج اندیشه‌های ترقی و صلح در منطقهٔ خاورمیانه و جهان، و مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم، برای ما روشن است.

در این سالگرد تاریخی، کمونیست‌های کلمبیا بار دیگر بر پیمان دوستی و همبستگی برادرانهٔ خود با حزب تودهٔ ایران و مبارزهٔ عادلانهٔ مردم ایران در راه سوسیالیسم و بهروزی تأکید می‌کنند.

زنده باد همبستگی ضدامپریالیستی!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست کلمبیا

سودان: انقلابی در حال تکوین

برخاستن مردم سودان علیه نظام فاسد و سرکوبگر و سرنگون کردن حکومت عمر البشیر در دسامبر ۲۰۱۸، نظر جهانیان را در سراسر آن سال به وقایع آن کشور جلب کرد. موفقیت این خیزش مردمی که می‌توانست راه گذار به دموکراسی و سکولاریسم را بگشاید جشن گرفته شد، ولی این جابه‌جایی هنوز پایان‌یافته نیست.

به گزارش خبرگزاری‌های جهان، صبح روز سه‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۰، تلویزیون سودان ناگهان پخش زندهٔ برنامه‌های خود را متوقف و اعلام کرد که در آن کشور کودتایی نافرجام صورت گرفته است. شورای حکومتی سودان اعلام کرد که هدف کودتاچیان بازداشت اعضای شورای حکومتی و شورای نظامی بوده است. در پی شکست خوردن کوتاه، چندین افسر کودتاچی که گفته می‌شود مرتبط با عمر البشیر، رئیس‌جمهور برکنار شدهٔ آن کشور بودند، از جمله سرکردهٔ کودتاچیان سرلشکر عبدالباقی بکروای، بازداشت شدند. در حال حاضر ارتش سودان کنترل اوضاع را به دست گرفته است. با گذشت بیش از سه سال از برکناری عمر البشیر، دیکتاتور سودان، اوضاع آن کشور همچنان ناپایدار است.

اخیراً نشریهٔ چپ‌گرای کانادایی »پیپلز وُیس «(صدای مردم) با الفاضل الهاشمی، فعال حزب کمونیست سودان، دربارهٔ رخدادهای جاری آن کشور گفت‌وگو کرده است. آنچه در اینجا می‌خوانید ترجمهٔ فارسی بخش‌هایی از قسمت نخست این مصاحبه است.

*****

س: مردم سودان هنگامی که در آوریل ۲۰۱۹ [فروردین ۱۳۹۸]، عمر البشیر را از ریاست‌جمهوری به زیر کشیدند، به پیروزی مهمی دست یافتند. آیا می‌توانید تا اندازه‌ای پیش‌زمینهٔ این مبارزه را برای ما توضیح دهید؟

ج: نخستین مرحلهٔ انقلاب دسامبر ۲۰۱۸ سودان بیش از پنج ماه طول کشید. در آوریل ۲۰۱۹ [فروردین ۱۳۹۸]، من بر این گمان بودم که آنچه در سودان روی می‌دهد، انقلابی در حال تکوین است. من هنوز هم بر این نظر هستم که کورهٔ انقلاب هنوز در حال سوختن است. آنچه در سودان در حال وقوع است، فرایندی ناتمام است که در آن حاکمیت سیاسی پیشین شکست خورده است، ولی نظام کهنه، قدرت نیروهای امنیتی و شبه‌نظامی دولت، و نظام ریشه‌دار اقتصادی آن هنوز منابع خود را حفظ کرده است. نظم کهنه نیمه‌جان است و نظم نوین هنوز از زهدان کهنه سر برنیاورده است.

پس از دستیابی سودان به استقلال در سال ۱۹۵۶/۱۳۳۵، روند رهایی ملی پسااستعماری و توسعهٔ عادلانه و عدالت اجتماعی هرگز به بار ننشست. حکومت نظامی خون‌ریز مبتنی بر اسلام سیاسی، که نظامی دلال‌پیشه و وابسته به خارج و در اتحاد نزدیک با امپریالیست‌های منطقه‌یی و بین‌المللی بود، به نیروهای پیشرو و دموکراتیک مردمی در سودان ضربه‌های سنگینی زد. حکومت گذشته دستورهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای خصوصی‌سازی واحدهای موفق بخش دولتی، و طرح‌های ریاضتی برای کاهش یارانه به تولیدکنندگان واقعی و کالاهای اساسی را به کار بست. بودجه‌های بهداشت و درمان، آموزش، و زیرساخت‌های اساسی نیز به طور جدّی کاهش یافت و خصوصی‌سازی بخش حمل‌ونقل و نیز طرح آبیاری الجزیره، یکی از هجده استان سودان، انجام شد. زمین‌خواری فراگیر بود، منابع طبیعی به چپاول رفت، و نظامیان بلندپایه در اختلاس ثروت عمومی و معافیت مالیاتی برخوردار بودند.

بی‌عدالتی مطلق زمینه‌ساز چیرگی ایدئولوژی مطلق "اسلامی‌سازی" یا "اسلام سیاسی" شد. از این رو، فضای مبارزهٔ سیاسی و طبقاتی بی‌رحمانه و فاشیستی شد. طبقه، نژاد، و مذهب هم‌پوشانی داشته‌اند.

شیوهٔ تولید اجتماعی - سیاسی جهانی تناقض‌آمیز معاصر زیر سلطهٔ سرمایهٔ مالی رانتی انگلی است. این روند جهانی‌سازی [گلوبالیزاسیون] به مرحلهٔ فاشیستی جدیدی نزدیک می‌شود که در آن تروریسم، صهیونیسم، رژیم‌های سلطنتی و دیکتاتورها را در کشورهای در حال توسعه پدید می‌آورد، یا بازسازی و بازتولید می‌کند. همچنین، این شیوه تولید [سرمایه‌داری] به‌دروغ وانمود می‌کند که از گفتمان دموکراسی، حقوق بشر، ضدتروریسم، و ضدخرافه‌پرستی پشتیبانی می‌کند، و این در حالی است که در کشورهای »جنوب «[جهان سوّم]، بهره‌کشی و بی‌عدالتی مطلق راهی جز توسّل به ایدئولوژی‌های مطلق‌گرا به منظور تداوم دزدیدن و چپاول منابع کشور ندارد.

از سده هجدهم به بعد سرشت انقلاب‌های مردمی در کشورهای در حال توسعه ضداستعماری و ضدفئودالی بوده است. شعارهای مردمی و خواست‌های دموکراسی مردمی را مطرح کرده و سرمایه‌داری انگلی را محکوم کرده است.

در دسامبر ۲۰۱۸، هنگامی که مردم معترض در اکثر شهرهای بزرگ سودان به خیابان‌ها آمدند، از میان مردم رهبری‌ای برای هدایت و سازمان‌دهی جنبش با شعار "آزادی، صلح، و عدالت" پدید آمد. این گروه رهبری، جبهه "نیروهای آزادی و تغییر" نام گرفت. این گروه رهبری به طور عمده متشکل از نمایندگان حزب‌های سیاسی و سازمان‌های مشاغل حرفه‌یی و اتحادیه‌های صنفی بود (مانند پزشکان، مهندسان، آموزگاران، وکیلان، قاضی‌ها، داروسازان، کارگران، و جز اینها) که در ضمن نهادهای موازی خود را در بیرون از چارچوب قانونی حامی دولت نیز داشتند. انقلاب ۲۰۱۸/۱۳۹۷ جنبشی کاملاً مسالمت‌آمیز و دور از خشونت بود، و به همین

ادامه در صفحه ۲۵

کمک های مالی رسیده

به استقبال ۸۰ سالگی حزب ارانی‌ها و روزبه‌ها و مهرگان‌ها	۱۰۰ دلار کانادایی
به یاد رفیق ملکه محمدی از آمریکا	۲۰۰ دلار
به یاد رفقا محجوبیان، حسن‌پور و اصغر محبوب	۳۰۰ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و «ای - میل» http://www.tudehpartyiran.org

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

27 September 2021

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930

23629727

حزب تودهٔ ایران

Tudeh Party of Iran

Nameh Mardom No. 1139

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ویژه نامه ۸۰ سالگی حزب توده ها

ویژه نامه ۸۰ سالگی حزب توده ها

«... ایران در هزاره سوم میلادی کشوری است اسیر دیکتاتوری سرمایه داری بزرگ با روبنایی مذهبی. ادامه رژیم ولایت فقیه در مقام نماد تمرکز قدرت سیاسی این دیکتاتوری، سد اساسی حرکت ایران به سمت پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و دستیابی به حقوق و آزادی های دموکراتیک و عدالت اجتماعی است. وجود میلیون ها تن بیکار، به سر بردن دهها میلیون نفر از شهروندان در فقر و محرومیت، اقتصاد تک محصولی، نبود صنعت های پایه ای برای نجات کشور از وابستگی، محروم بودن اکثریت عظیم جامعه از حقوق و آزادی های مدنی و دموکراتیک، نقض وحشیانه حقوق اقلیت های ملی و مذهبی و زنان، و حاکمیت دیکتاتوری و استبداد خونریز که آماده است تا به منظور تأمین و تضمین حیات خود، به هر جنایتی دست بزند، بخشی از دستاوردهای سران جمهوری اسلامی برای مردم میهن ماست ...»

از برنامهٔ حزب تودهٔ ایران مصوب ششمین کنگرهٔ حزب